

# کارگر تبعیدی

ارگان

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

شماره ۱۶

مردادماه ۱۳۷۱

قیمت: ۲ مارک

گزارشی از برگزاری پنجمین

مجمع عمومی سراسری انجمن

در صفحه ۵

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

## یاد کارگران جانباخته را گرامی بداریم

نوشته زیر بخش کوچکی از مشاهدات رفیقی است که بیش از ده سال از زندگی خود را در زندانهای حکومت جمهوری اسلامی گذرانده و بتازگی آزاد گردیده و توانسته است خود را به یکی از کشورهای اروپایی برساند این رفیق در حال نوشتن مشاهدات دصالحه خود در زندان است، که بزودی بصورت کتابی چاپ و در اختیار همگان قرار خواهد گرفت. خاطرات زیر چون مربوط به یکی از کارگران بود به خواست هیئت هماهنگ کننده انجمن از متن کتاب گرفته شده است. ما سعی خواهیم کرد در آینده بخشهای دیگری از این کتاب را که مربوط به کارگران است در نشریه درج نماییم.

"برای روشن شدن و توضیح روابط نیروهای دربند در مقطع زمانی سالهای ۶۲-۶۰ تجربه عینی دیگری در خاطر من است که نمیتوانم از ذکر آن خودداری کنم: داستان مربوط به کارگری است ۶۵۲۶۰ ساله، پیر و فرزند ۵۰ سال کار و زحمت بر چهره تکیداش نشسته، با قامتی بلند و اکون بقیه در صفحه ۲

## نقطه نظرات و تجربیات یک کارگر سیاسی چگونه مبارزه را فرا گرفتیم و چرا؟

من برخی تابستانها را در دوران کودکی زمانیکه درس میخواندم، مشغول کار میشدم. از سال ۵۴ جذب بازار کار شدم. در بسیاری از کارخانجات تهران و نیز کارگاههای مختلف طی این مدت کار کردم. ابتدا کارگری را با کار ساده آغاز کردم و در شهرهای جنوب اشتهال داشتم. اما بعدها به مشاغل فنی روی آورده و بعنوان کارگر فنی کار را ادامه دادم. از همان دوران کودکی به جای مبارزه، با جنگ و دعوی خویشان و نزدیکانمان با اربابان فئودال آشنائی داشتم. اگر چه هیچگاه تا سنین جوانی روستا را ندیده بودم ولی تصویری از روستاها داشتسم مبتنی بر جنگ بین رعیت و فئودال. زیرا هر از گاهی دعوا و زدوخورد فی مابین اقوام ما با مالکین بالا گرفته و پدرم بایستی در شهر کارهای بقیه در صفحه ۱۷

## مصاحبه با بی بی سی

در تاریخ ۱۹/۶/۹۲ بخش فارسی رادیو BBC مصاحبه‌ای با رفیق پداله صورت داد، که در همان شب از این رادیو در ایران پخش شد. متن این مصاحبه را در زیر می‌خوانید:

س: بنا بر گزارش منتشر شده از طرف کنفرانس بین المللی کار در جلسه اسام این کنفرانس ۸ کشور جهان بخاطر نقض حقوق کارگری در آن کشورها مورد اعتراض قرار گرفتند که ایران نیز یکی از این کشورها است، نظر شما در این رابطه چیست؟

ج: واقعت این است که در انقلاب بهمن ماه ۵۷ کشورمان، طبقه کارگر با تمام توان در آن شرکت کرد و با اعتصابات سراسری بخصوص در صنایع نفت توانست رژیم گذشته را براندازد، بنابراین بلحاظ نقش تعیین کننده‌اش در انقلاب از همان ابتدا جمهوری اسلامی برای مهار کردن حرکات کارگری برنامه هائی در دستور کار خویش قرار داد. به بهانه جنگ اکثر مزایائی را که کارگران طی سالها مبارزه بدست آورده بودند از آنان باز پس گرفت. طبق فتوی خمینی تحمّن و اعتراض و اعتصاب حرام اعلام شد، و تمامی تشکلات کارگری از جمله شوراهای بیرون آمده از انقلاب را غیر قانونی اعلام کردند و در این رابطه در تمامی صنایع و کارخانجات دانشگاهی بدوی و تجدید نظر (طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی) بوجود آمد و اکثر کارگران فعال و مبارز را، اخراج و زندان و گروهی را اعدام کرد که اسامی ۵۰۰ نفر از اعدامیها را انجمن کارگران تبعیدی در اختیار تمامی اتحادیه های کارگری در سراسر جهان قرار داده است. بقیه در صفحه ۳

## گزارش از شرکت سهامی خاص پوشند

شرکت پوشند در منطقه ساوجبلاغ و در شهرک کارگری نظرآباد (حومه کرج) واقع شده است تولید آن شلوارهای مدل فرانسوی است و در فروشگاههای مقدم که در سراسر کشور شعبه دارد به فروش میرسد. پارچه صرفی کارخانه از طرف کارخانجات پارچه بافی مقدم که در نزدیکی آن قرار گرفته تامین میشود. در این کارخانه بیش از ۱۰۰ کارگر که ۹۰٪ آن را زنان و دختران تشکیل می دهند، با کمترین امکانات و حداقل حقوق ماهیانه مشغول کارند. در این منطقه علاوه بر شرکت پوشند چندین کارخانه بزرگ با چند هزار کارگر و دهها کارگاه از جمله کارخانجات پارچه بافی مقدم، رب سازی مقدم، کارخانه سیمان آبی-ک کارخانه فخر ایران، کارخانه چکش (سیپورکس) شرکتهای بزرگ ساختمانی، ربکاسازی و ۰۰۰ وجود دارند.

تأمین کارخانه به دوران قبل از ۵۷ باز میگردد و در آنزمان شرکت پوشند کارگاه کوچکی بود با ۲-۸ کارگر با چرخ دوزندگیهای قدیمی که کت و شلوار تولید می کردند. بعدها برای گسترش بقیه در صفحه ۱۶

# زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

- نامه‌ی سرگشاده‌ی انجمن به کارگران افریقای جنوبی
- اول ماه مه ● "وزیر خارجه ایران از برلین گریخت"
- نامه‌ها و پیامها ● متن سخنرانی در کنفره (ATIK)
- از فعالیتهای انجمن ما ● اطلاعیه هیئت هماهنگ کننده
- پیشنهاد رژیم به نفتگران اعتصابی ● مبارزات کارگری اخیر در آلمان
- نکاتی درباره "مانور" رژیم در مورد تشکلات کارگری
- از شوراهای اسلامی چه خبر؟ ● مصاحبه با آلن تورنت

## بیاد کارگران جانباخته را گرامی بداریم

دنیاه ازمنه ۱

قدری خمیده و چهرهای سوخته از آفتاب داغ سرزمین خوزستان و دود نفت و گاز این مناطق زرخیز.

بدون هرگونه آموزش مکتبی و مدرسه‌ای، اما خودآموزخته، به زبانهای عربی و فارسی شعر می‌سرود. در جوانی بمانند پهلوانی پرقدرت بود که قبول خودش هیچکس را یارای مقاومت یک سیلی‌اش نبود. در شمای مهتاب در کنارهای شط جنوب شهای زیادی را به صبح رسانیده بود. در اعتصابات کارگران نفت جنوب شرکت کرده بود و داغ ماضیات رهبری حزب توده در جریان اعتصابات سالهای پس از جنگ جهانی دوم را با خود می‌کشید. با این تجربیات در کارهای عملی بود که در سیرانقلاب و حرکت میلیونی مردم جنوب و در اعتصابات عظیم و سراسری کارگران

زندان در اعتصابات اوایل سال ۶۷ شرکت کرده بود، مورد تهاجم پاسداران واقع شد. او را از بند بیرون کشیده بزیر شستوگند انداخته و بدن نحیف او را که تجسم ۶۰ سال رنج و بی‌عدالتی بود زیر ضربات کابل و گاراتسه قرار دادند. پس از چند ساعت بدن نیمه جان او را به داخل بند انداخته و بی کار خود رفتند. عمو آتش از تب می‌سوخت و هر قدر رفقای داخل بند، درب زندان را کوفتند تا پاسداران او را به بهسرداری منتقل کنند، نتیجهای نگرفتند. صبح فردا درحالیکه تب شدیدی داشت به هواخوری آمد تا قفزی زیر آفتاب بنشیند. اما آفتاب عمو او به پایان رسید و در حیاط زندان زندگی را بهود گفت. در خالیکه همواره سؤالی این بود: آیا زنده میمانیم تا فروغ انقلاب، آزادی، دمکراسی، صلح و سوسیالیسم را با چشم خود ببینیم؟

عمو اغلب در روزهای تنهایی در اسارتگاه به گذشته فکر میکرد. او میگفت من اصولا یک تیب کارگری بودم که نمیتوانستم در تشکیلات و روابطی که عمل نظامی و خانهای تیبی و زندگی جدانزوده و خصوصی جدا از کارگران را بر من تحمیل میکرد دوام بیاورم. تجربیات عینی من درگذشته در میان تودهها چنین وضعی را که به من تحمیل شده بود نفی میکرد. بنابراین کشیدن بار مسئولیتها و محدودیتهایی که مشارکت در یک هسته سیاسی-نظامی (جوخهای رزمی) بر من تحمیل میکرد برای من غیرممکن میبود. ولی درعین حال علاقه من به جنبش از طرف دیگر مرا وادار میکرد در چنین شرایط حساسی بی‌تفاوت نباشم. اما کارایی من بیشتر بعنوان یک تیب علی درارتباط گسترده با کارگران در خوزستان معنی و مفهوم میافت، تا دریک هسته نظامی در یک خانه تیبی در یکی از محلات تهران.

او میگفت، من تازه ازسال ۱۳۵۹ شروع کردم به خواندن آثارمارکسیستی قبلا هرگز به مسئله آموزش جدی نبودم. ولی تجربه بمن نشان داد که نمیتوان فقط به شکل پرداخت و محتوا را نادیده گرفت. او می‌گفت در سخنرانی‌هایم درمیان کارگران اعتصابی جنوب متوجه شدم که شکل دارم ولی محتوایی ندارم. او دائما می‌گفت: شکل و محتوا بریکدیگر تاثیر متقابل و با یکدیگر رابطه متقابل دارند.

این چند خط درباره این رفیق عزیز را ازآنجهت می‌نویسم تا درعین‌حال انتقادی باشد بر ما در رابطه با او. در همان یکی‌سوال اول بسا درک ظرفیتهای واقعی او و اینکه او را در جایگاه نامناسبی قرار دادند. نایبستی از او انتظار معجزه می‌داشتند و با توجه به اینکه دوران بازجویی را با ضعف بیشتر گذاشته، ولی بهر حال کسانی که چنین قراری به او داده بودند و او را در یک هسته

سیاسی-نظامی سازماندهی کردبوند، می‌بایستی ظرفیتهای این رفیق را هم درنظر میگرفتند. خود من روابط را با او حفظ کردم و از تغییرات زیادی با او صحبت نمودم. عمو که دوران پس از بازجویی را در دامسین توابین سرنگرد و در هر حرکتی سینتاش را جلو داد و با توابین برگیر شد چرا نمیتوانست از حمایت و صاحبیت و لطف انسانی و رفیقانه ما درهمین حدی که دراین زمان برخوردار میگرددبهرصند شود؟

در مراحل از دوران زندان جو بایکوت علیه او آنقدر شدید شد که بسیار کسان، از جمله مراهم از او دور نمود. به همین دلیل از او یاد میکنم تا بخشی از تجربیاتی را که بهای سنگینی به پای آن ریخته شد، در مقابل قضاوت خواننده این سطور بگذارم. عمو در اسارتگاه گوهرشست دق کرد و مرد. کسانی که او را بایکوت کردند و امروز قارغ از آن حال و هوای زندان در بیرون از آن اسارتگاهها زندگی میکنند، امیدوارم که بیاد او و صدها نفر نظیر او که در اسارتگاهها در اثر سیاستهای غیر کارگری جان خود را از دست دادند، باشند.

توضیح: نام اصلی عمو این کارگر مبارز که از چهرهای شناخته شده کارگران نفت بود، محمدعلی آبربندی است که مدتی نیز عضو شوروی کارگران پروژهای آبادان بود و بخاطر سن زیادش در زندان همه او را به اسم "عمو" می‌شناختند.

قهرمان نفت جنوب، در جهت سرنگونی نظام سلطنت شرکت کرد و به عنوان یکی از رهبران جنبش کارگران نفت شناخته شد. با توجه به تظاهرات سیاسی پس از انقلاب و شکل‌گیری جنبش مقاومت علیه رژیم ولایت فقیه "عمو" که درمیان رفقای چپ دارای حیثیتی والا بود به سازمان چریکهای فدایی خلق پیوست و سپس با انشعاب دران بسا بخشهای چپ آن ارتباط برقرار کرد و نقش فعالی در جنبشهای اعتراضی و اعتصابی خوزستان ایفا کرد. زمانی که او در یک تظاهرات اعتراضی کارگران نفت جنوب سخنرانی میکرد، محله معروف "تایمز" چاپ آمریکا عکس بزرگی از تظاهرات انداخته بود که عمو را درحال سخنرانی نشان میداد. بیکار هم در دانشگاه پلی‌تکنیک، در تظاهرات سراسری یکی از سازمانهای سیاسی چپ بعنوان نماینده کارگران جنوب سخنرانی کرده بود. پس از اعلام تشکیل جوخهای رزمی، عمو در تهران در یکی از این روابط سازماندهی شدو حدود یکسال مرتبا قرار اجرا میکرد. پس از شروع سرکوب سراسری نیروهای سیاسی، عمو به تهران آمد و حتی در خانه مخفی که تمام صاحبش بیش از چند مترمربع نبود، پس از ۶۰ سال زحمت مخفی شد. گاه به کسانی که وضع امنیتی خوبی نداشتند کمک مینمود و از آنها در همین محل پذیرایی میکرد. اما بالاخره در سال ۶۲ دستگیر شد و در شکنجهگاه اوین زیر شدیدترین شکنجه‌فشار قرار گرفت و بخشی از کف پای راستش در اثر ضربات کابل متلاشی شد. او در سر قرار رابطی حاضر شده بود که قبلا بوسیله گروه ضربت دادستانی دستگیر و به ۲۰۹ آورده شده بود. اطلاعات زیادی لو رفته بود. پس از حتی آن رفیق رابط که یک دختر بود نیز اعدام میشود. عمو با همان زخمها حتی در اوین و سپس در دادگاه حاضر شد و بعد به قزل‌حصار برده شد. اما بمحض ورود بسه بند مورد بایکوت رفقای هم‌جوش قرار گرفت. این بایکوت تا حدودی مورد حمایت سایر نیروهای چپ زندان هم قرار گرفت. بنا به گفته خودش وقتی او را از بند ۲۰۹ به بند ۲۲۵ منتقل میکردند در صفی که او و تعدادی از هم‌تأمانش ایستاده بودند، بازجو یا شکنجهگر از هر یک از آنان سؤال میکند که آیا حضری جوخه بنشینی؟ و گفته عمو جواب این افراد کم و بیش مثبت بوده و وقتی بازجو از عمو هم همین سؤال را می‌پرسد، او جواب میدهد: من آدم پیری هستم و جرئت کشتن یک گمشک را هم ندارم. بهر حال همه آنها به بند دیگری منتقل می‌شوند. یکی‌دونفر از کسانی که در آن صف کتایی بودند این گفته او را دهان به دهان در قزل‌حصار میگردداندا عمو را ساکت نگاهداشته و یا مانع از آن شوند که کسی حرف عمو را درباره جواب خودشان به آن سؤال بپور کند. حساب آنها درست بود. آنها نتوانستند با انگشت‌گذاشتن روی نقطه ضعف او در بازجویی‌ها هالتهای از انبام بر عملکرد خود بکشند و این عناصر کسانی بودند که برای بایکوت او بیشترین فشار را وارد می‌آوردند.

عمو بیچاره تظوتنها شده و نقطه انگایی در اسارتگاه نمی‌افت. سراسر دوران پس از بازجویی و ادامه حیات در قزل‌حصار را در حدیلمرروضعی باقی ماند و در داخل بندها هرگز با توابین زندگی و یا آمیزش نکرد ولی بایکوتها همچنان ادامه پیدا کرد. از قزل‌حصار به گوهرشست به هر بندی که میرفت مورد غضب بود و بایکوت بشدت اعمال میشد. عمو در اسارتگاه تنها روزگار میگذراند. در اعتصابات گوهرشست شرکت کرد و از هیچکس کم نیاورد. بالاخره روزی درحالیکه بهراه سایر اسیران در اعتراضی به شرایط

### اطلاعیه هیئت هماهنگ کننده

از طرفی با توجه به عدم وسع مالی انجمن ما در نظر داریم دو کتاب حاضر را پیش فروش کرده و با جمع آوری کمکهای مالی این دو کتاب را به چاپ برسانیم، لذا از تمامی کسانی که مایل به دریافت این دو کتاب هستند تقاضا داریم با هیئت هماهنگ کننده در لندن تماس حاصل نموده و ضمن واریز مبلغ ۲۵ مارک آلان و یا معادل آن به حساب انجمن در لندن ما را در این امر مهم یاری دهند.

هیئت هماهنگ کننده

۹۲/۲/۴

هیئت هماهنگ کننده به خاطر دستیابی به تجربیات غنی جنبش کارگری جهانی در نظر دارد دو کتاب از تجربیات جنبش کارگری انگلستان را ترجمه و چاپ نماید، یکی زندگی ارست بووین از فعالین جنبش کارگری این کشور و بنیان گذار اتحادیه T & G، بزرگترین اتحادیه کارگری انگلیس و دیگری تجربیات بسیار ارزشمند یکی از فعالین عملی جنبش کارگری کارخانجات ماشین سازی انگلستان که به مدت ۲۵ سال در رأس این جنبش قرار داشته و کتاب حاضر نوشته شخصی آلن تورنت است.

## مصاحبه با بی بی سی

دنباله از صفحه ۱

رژیم آنگاه قانون شوراها را به تصویب رساند که طبق آن اولاً کارگران در کارگاههای کوچک زیر ۳۵ نفر نمی توانند شورا تشکیل دهند ثانیاً در صنایع بزرگ چون نفت، گاز، پتروشیمی، ذوب آهن - صنایع سنگین و ... تنها با پیشنهاد وزیر مربوطه می توان شورا بوجود آورد که تاکنون چنین پیشنهادی صورت نگرفته و طبق همین قانون تنها کارگرانی می توانند در این شوراها انتخاب شوند که مسلمان بوده و به ولایت فقیه اعتقاد داشته و این اعتقاد را در عمل ثابت کرده باشند، یعنی اینکه در جهت سرکوب کارگران، جاسوسی در میان آنان و همکاری با رژیم، سرسپردگی خود را به ثبوت رسانده باشند.

از طرفی بنا به آمار خود رژیم، ۱۴ درصد شاغلین در بخش ساختمانی کار می کنند، ۸ درصد در هتلداری و رستورانها، حدود ۳۰ درصد در کارگاههای کوچک زیر ۳۵ نفر و همچنین کارگران صنایع بزرگ، کل کادر آموزش و پرورش و کل کادر خدمات درمانی و بهداشتی کشور حتی فاقه شورا های اسلامی هستند که جمعاً حدود ۸۵ درصد کل شاغلان ایران را در بر می گیرند. می بینیم کسانی که بعنوان نماینده کارگران به کفرانس بین المللی کار می آیند تنها باصطلاح نماینده ۱۵ درصد از شاغلین هستند که تازه این افراد هم منتخب واقعی کارگران ایران نیستند - مگر آقای مشیریان که چند سالی است بعنوان نماینده کارگر در این کفرانس شرکت می کند، یکی از مدیرکل های وزارت کار است. بنابراین اینها که بکفرانس بین المللی کار می آیند به هیچ عنوان نماینده و منتخب کارگران ایران نمی باشند و می بینیم بطور واقعی کارگران ایران فاقد هرگونه تشکّل مستقل و حق اعتصابند و اصولاً از ابتدائی ترین حقوق کارگری صوبه کفرانس بین المللی کار محروم هستند. در این رابطه حدود ۴ سال است که تعدادی از کارگران فعال صنایع و کارخانجات مختلف که بناچار کشور را ترک کرده و در کشورهای مختلف پناهنده شده اند - بدورهم جمع شده و انجمن کارگران تبعیدی را بوجود آوردند تا بتوانند بطور جمعی صدای کارگران ایران را بگوش کارگران سراسر جهان برسانند و حمایت آنان را از خواسته ها و مبارزات کارگران ایران بدست آورند. تاکنون انجمن کارگران تبعیدی توانسته قطعنامه هائی را در ارتباط با محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی در مورد نقض حقوق کارگران به تصویب چندین اتحادیه کارگری در کشورهای مختلف برساند که می توان به قطعنامه و نامه های اعتراضی زیر اشاره داشت:

۱- در انگلستان - اعتراضی نامه دبیر کل امور بین المللی اتحادیه سراسری کارگران انگلستان و اعلام اینکه قصد دارند به حضور نمایندگان حکومت اسلامی در کفرانس بین المللی کار اعتراضی نمایند.

• نامه اعتراضی اتحادیه کارگران خدمات *NALGO* در کفرانس سالیانه این اتحادیه  
• نامه دبیرکل اتحادیه *TUG* کارگران ترانسپورت به سفیر ایران در انگلستان

• اعتراضی دبیر کل اتحادیه کارگران معادن  
• قطعنامه صوبه کفرانس سراسری زنان اتحادیه نعلکو مینی بر بی حقوقی کارگران ایران

۲- سوئد - اعتراضی اتحادیه سراسری کارگران سوئد  
۳- اتریش - نامه اتحادیه سراسری کارگران اتریش به سفیر جمهوری اسلامی در این کشور

۴- نامه اتحادیه سراسری کارگران فنلاند به سفارت جمهوری اسلامی در این کشور

۵- سوئیس - نامه اعتراضی اتحادیه بین المللی کارگران صنایع غذایی سوئیس

به نماینده جمهوری اسلامی در ژنو

۶- آمریکا - نامه ۱۲۴ نفر از فعالین جنبش کارگری این کشور، قطعنامه کارگران خدمات عمومی - اتحادیه معلمان - اتحادیه سراسری کارگران برق، رادیو و وسائل ماشینی

۷- کانادا - نامه فعالین جنبش کارگری کانادا به دفتر حافظ منافع ایران در اتاوا

۸- فرانسه - نامه سندیکای نیروی کار، کمیته همبستگی بین المللی و اتحادیه کارگران فلز به سفیر ایران در فرانسه

انجمن کارگران تبعیدی همراه با فعالین جنبش کارگری ایران - طی این قطعنامه که بتصویب اتحادیه ها رسیده از اتحادیه ها خواسته اند که بخاطر نقض حقوق کارگران در ایران و عدم اجرای صوبات قوانین بین المللی کار در ایران، نمایندگان اعزامی از طرف رژیم جمهوری اسلامی را از کفرانس بین المللی کار اخراج نمایند.

س - می بینیم در ارتباط با اعتراضات و اعتصاب اخیر کارگری، جمهوری اسلامی به بخشی از خواسته کارگران پاسخ مثبت داده است نظرتان در این مورد چیست؟

ج - طی ۱۴ سال که از استقرار رژیم می گذرد، به بهانه های مختلف جمهوری اسلامی با تمام توان هرگونه حرکتی را در کارخانجات از طریق قوای نظامی و سپاه سرکوب کرده در حالیکه اصولاً ورود قوای نظامی به محیط کارگری از نظر قوانین بین المللی کار غیر قانونی است علی رغم همه اینها بگفته مسئول وزارت کار در سال گذشته دوهزار اعتصاب کارگری صورت گرفته - از طرفی تورم سرسام آور در ایران قدرت خرید کارگران را بطرز وحشتناکی پایین آورده - کارگران اجناس را بقیمت دلار می خردند، ولی دستمزدها را برپایه پرداخت می شود می دانیم اکثر اجناسی راهمکه بوسیله کوین قبلاً دریافت می کرده اند، دیگر قطع شده و حالا دیگر باید بازار آزاد خریداری کنند - رژیم بر اثر فشارها و اعتراضات کارگری و تورم شدید در سال گذشته تنها ۳۶/۵ درصد حقوق کارگران افزوده است، که این هیچ مشکلی را از کارگران حل نخواهد کرد و زندگی کارگران روز بروز با بودن چنین رژیمی بدتر شده و از این نیز بمراتب بدتر خواهد شد.

س : می دانید که وزیر کار خودش قبلاً کارگر بوده آیا این نقطه مثبتی برای کارگران نیست؟

ج : تنها کارگر بودن یک فرد دلیل بر خدمت کردن آن شخص به طبقه کارگر نخواهد بود - همین آقای محبوب و پاکمالی بنیان گذار شوراها و بنیانگذاران اسلامی در صنایع هستند که بوسیله همین ها، تعداد وسیعی از کارگران اخراج زندان و اعدام شدند - انجمن کارگران تبعیدی اسلامی بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران اعدامی را که بوسیله همین ها شناسایی و دستگیر شدند در اختیار اتحادیه ها قرار داده است - بنابراین ایشان اگر قبلاً کارگر بوده، به طبقه کارگر پشت کرده و خود را به رژیم سرکوبگر سرمایه داری و کارگرکش اسلامی فروخته و اینکه دشمن طبقه کارگر ایران است - آیا شما می توانید بگویید هیئتار بمردم آلمان خدمت کرد؟ آیا هبران خود فروخته اکثر اتحادیه های غربی که تنها کارشان مهار کردن مبارزات طبقه کارگر این کشورهاست، و خود را به سرمایه داران فروخته اند را می توان خدمتگزار طبقه کارگر نامید؟

س : آیا قانون کار جدید کمی در این موارد به کارگران نمی کند؟

ج : بشکلی می توان گفت این قانون حتی از قانون کار ارتجاعی رژیم گذشته چندکام عقب تر است و حتی از نظر قانونی هم تشکّل کارگری را بر سر میست نشناخته است تا که بخواهد همچون رژیم گذشته آنرا از محتوا خالی نماید - هرگونه اشاره مثبتی هم که این به حقوق کارگران داشت پس از گذشتن از زبردست

## نامه‌ی سرگشاده‌ی انجمن کارگران تبعیدی به کارگران افریقای جنوبی

بیکاری و ... دولت را در مقابل امپریالیسم تضعیف خواهد نمود. پس از گذشت سالها و کسب تجربیات با افسوس زیاد می فهمیم که تحقق بی قید و شرط خواست های ما حقیقتاً " مبارزه واقعی علیه امپریالیزم بوده است. جمهوری اسلامی بخوبی از ناآگاهی کارگران استفاده نموده و سرعت خود را در قدرت تثبیت کرد.

آری در جریان انقلاب ما پادگانها را تسخیر کردیم اما بدلیل توهمات اسلحه را بدست دشمن دادیم و از این طریق رژیم به سرکوب ما پرداخت چونکه ما جرات کرده بودیم که دولت "مقدس" بورژوازی را ناآگاه کنیم. دولت با استفاده از توهم مذهبی جلو چشمان ناباورما، کارگران آگاه و مبارز را از شوراها و کارخانه به دلیل آنکه سلطان نموده و برای تحقق خواسته های مستقیم کارگران پافشاری می کردند، اخراج و یا زندان و - اعدام نمود.

تراژدی زمانی کامل شد که رژیم دولت درهم شکسته شاه را دوباره ترمیم نمود. امروز در جمهوری اسلامی، طبقه کارگر حتی از حقوق پایه ای اعتصاب و تشکلات مستقل کارگری نظیر زمان شاه محروم است، میلیون ها کارگر بیکارند، ساعات کار بسیار طولانی و متوسط دستمزد از یک لیبره استرلینگ کمتر است. در یک کلام، ما کارگران هنوز استثمار می شویم، سرمایه داران استثمار می کنند، ما اسیر فقر بوده و آنها در ناز و نعمت غوطه برند.

رفقا، خواهران و برادران، تجربه به ما کارگران در ایران نشان میدهد که در افریقای جنوبی نیز همان مسیر طی شده در ایران در حال شکل گیری است. جریانات بورژوازی درون "ANC" دارنند همان نقش جمهوری اسلامی را زیر لوای مبارزه با آپارتاید بازی میکنند. این جریانات تلاش دارند که با گرفتن امتیازاتی به نفع بورژوازی سیاه پوست، حالا که آپارتاید باید برود (همچنان که شاه در ایران رفت) از طریق ایجاد توهم در بین کارگران، نظم قدیم را حفظ نمایند.

قصد اینها براین است که آپارتاید در ظاهر برود، ولی آپارتاید واقعی یعنی شرائط فقدان حقوق اجتماعی همچنان باقی بماند. تحت چنین استراتژی است که تمام جریانات بورژوازی خواه مذهبی و یا غیر مذهبی در سطح ملی و بین المللی از تغییرات ظاهری در آپارتاید حمایت مینمایند.

رفقا، خواهران و برادران، نجات ما از نکتت استثمار کار مزدی نظام سرمایه داری فقط بدست ما کارگران ممکن است. ما طبقه کارگر جهانی راهی بجز این نداریم که دستهایمان را همانطور که سرمایه داران - مدتهاست چنین کرده اند، بهم پیوند دهیم. بگذارید امیدوار باشیم که شما صفوف خود را مستقل از تمام جریانات سازماندهی خواهید کرد و بموازات این، آنچنان خواست های اقتصادی دموکراتیک و اجتماعی از کل طبقه بورژوازی خواهید گرفت که مناسب ترین شرایط را برای انقلاب سوسیالیستی فراهم نماید.

هیئت هماهنگ کننده انجمن سراسری کارگران تبعیدی ایران

رفقا، خواهران و برادران، قبل از هر چیز از این فرصت استفاده نموده به اعتصاب عمومی با شکوه شما تریک گفته و یاد کارگرایانیکه در این اعتصاب جانباختند را گرامی میداریم.

ما با علاقه مبارزه شما علیه آپارتاید در افریقای جنوبی را دنبال میکنیم. ما آگاهیم که آپارتاید، تنها بمعنای تبعیض نژادی مبتنی بر رنگ پوست که حقوق دموکراتیک را از شما گرفته و توهین و موقعیت پائین اجتماعی نثار شما کرده نیست، بلکه بموازات این ها آپارتاید محروم نمودن شما از بهره مندی از تولید اجتماعی که شما تولیدکنندگان اصلی آن هستید، میباشد.

صورت گریه آپارتاید را میشود در تحمیل شرایط بسیار سخت استثمار بر شما، وجود بیکاری توده‌ای، فقدان مسکن مناسب، خدمات بهداشتی آموزش، دستمزد مناسب و وجود تبعیض، فقدان ایمنی در کار و سر برآوردن حلسی آبادها نیز دید. بنابراین مبارزه با آپارتاید بخشی از مبارزه طبقه کارگر جهانی از کل مبارزه آنان بر علیه سرمایه خواهد بود.

ما بمثابة بخشی از طبقه کارگر جهان در ایران، بیش از ده سال قبل، به امیدرهائی از همان رنجهای شما، بر علیه حکومت سرمایه داری - ایران قیام کردیم (در جریان انقلاب ما به نشانه همبستگی طبقاتی با شما شیرهای نفت را بروی رژیم آپارتاید افریقای جنوبی و اسرائیل بستیم) در جریان انقلاب ۱۹۷۸ تمام جریانات سیاسی از لیبرال تا رفرمیست های اسلامی با هدف خفه نمودن انقلاب سعی کردند با دولت شاه و حاسیان جهانیش معامله نمایند و ارتش شاه را که به بیرحمی ارتش افریقای جنوبی است، برادر خوانند.

بهر رو علیرغم خواست شوم اینها، انقلاب به حکومت شاه خاتمه نداد و ضربه مهلکی بر ماشین سرکوب دولت سرمایه داری وارد ساخت، ما کارگران حتی قبل از قیام شوراها کنترل کارگری را وسیعاً در سراسر ایران تشکیل دادیم - که بیانگر مطالبات و خواسته‌های ما از جمله کنترل بر تولید، توزیع و اداره کارخانجات بود. اما بخشی از طبقه سرمایه داری ایران تحت ایدئولوژی اسلام، که مستقیم و غیر مستقیم از طرف جریانات سیاسی غیر کارگری پشتیبانی میشد، با هدف مهار کردن طبقه کارگر و خرد نمودن انقلاب بقدرت رسید. اما بدلیل عدم وجود تشکل مستقل کارگری، عدم وجود سازمانها و احزاب سیاسی کارگری و - توهماتی که اکثریت کارگران به رژیم اسلام داشتند حرکت ما محتوم به شکست بود.

در ابتدای انقلاب که توازن قوا بنفع ما بود، رهبری رژیم اسلامی به چابکدستی پرداخته و فریاد میکردند که طرفدار توده‌های محروم در ایران و جهان هستند. خمینی ریاکارانه میگفت دست کارگران را می بوسد و خدا نیز کارگر است، اما درست در همان زمان به پاسداران دستور می دادند که بکارگران و توده‌هاییکه منازل سرمایه داران فراری را اشغال کرده بودند حمله کرده، آنها را دستگیر و به قتل برسانند، همینطور به روی تظاهرات کارگران بیکار آتش گشوندند. در خلال تمام این صحنه ها به کارگران می گفتند که اعتصاب نکنید، طالباتتان را پس بگیرید. چونکه اعتصابات و راهپیمائی های ما برای خاطر دستمزد، تامین شغلی، حق

چنین رژیمی کارگران هیچگاه نمیتوانند به یک زندگی ابدآل و انسانی دست یابند. تنها راه، مبارزه دائمی و اعتصابات سراسری کارگری است که قادر خواهد بود این رژیم را به عقبنشینیهای در ارتباط با مسائل کارگری وادارد و از این طریق رژیمی را که منتخب و بدست خود کارگران اداره شود روی کار آورد. در سطح خارج از کشور هم باید از طریق فشار اتحادیه‌های کارگری و همه کارگران برای اخراج این رژیم از کنفرانس بین‌المللی کار، ماهیت ضد کارگری این رژیم را برملا کرده و او را در تمام جوامع کارگری منزوی نمود.

شورای مصلحت حذف گردیده است. من فکرمی کنم از نظری قانونی و بی حقوقی کارگران ایران در مقام اول نسبت به بقیه کارگران جهان قرار دارند و در این قانون نمی توان هیچ جنبه مثبتی در جهت منافع کارگران یافت. س: بطور کلی در مورد بی حقوقی و عدم وجود تشکلات مستقل کارگری چه کاری می توان انجام داد؟ ج: بایمان به اینکه جمهوری اسلامی ایران هیچ عنوان خود حاضر به قبول قوانین مترقی کارگری و اجرای آن در سطح کشور نخواهد بود، بآبودن

## گزارشی از پنجمین مجمع عمومی سراسری انجمن

پنجمین مجمع عمومی عادی انجمن در روزهای اول و دوم اوت

۱۹۹۲ برگزار شد.

در این گردهمایی بعد از تعیین هیئت رئیسه، معرفی حاضرین و قرائت ۳ نامه از افرادی که در جلسه حضور نداشتند، تصمیم گرفته شد که به ترتیب پیرامون اصول و مبانی و هویت انجمن و نظرات اعضا درباره آنها، تجارب علی اعضا در طی یکساله گذشته، گزارشات واحدها و اعضا به مجمع عمومی صحبت شود و در انتها برنامه کار یکساله آتی انجمن مطابق با پیشنهادات ارائه شده به تصویب برسد.

بحثهای روزاول جلسه عمدتاً حول مبانی انجمن و بیان تجارب علی اعضا متمرکز شد. در روز دوم برنامه پیشنهادی هیئت هماهنگی و همچنین پیشنهادهای سایر اعضا برای سال آینده انجمن مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و موارد زیر به تصویب رسید:

- کیفیت آن و سعی در بالا بردن تیراژ آن.
- انتشار منظم نشریه، در فاصله هر دو ماه یکبار.
- تلاش بیشتر جهت تصویب قطعنامه پیشنهادی انجمن در مورد اخراج جمهوری اسلامی از کنفرانس بین المللی کار. تلاش برای ایجاد و گسترش روابط انجمن با اتحادیهها و سایر تشکلات کارگری در کشورهای مختلف، شرکت فعال در مبارزات روزمره کارگران و کسب حمایت بین المللی از مبارزات کارگران ایران.
- تشدید فعالیت تمام واحدها در کشورهای مقیم برای ثبت رسمی انجمن بعنوان یک نهاد رسمی کارگری و بدست آوردن مرکز و امکاناتی برای گسترش فعالیتهای انجمن.
- کوشش برای استفاده بیشتر از وسائل و امکانات ارتباط جمعی رسمی و غیر رسمی در کشورهای مقیم.
- بدست آوردن یک ارزیابی از کم و کیف کارگران مهاجر ایرانی در کشورهای مختلف بوسیله واحدها و تلاش برای ایجاد راههایی برای گسترش مناسبات با این کارگران و جذب و جلب فعالین در میان آنها.
- تدوین و ارسال گزارش واحدها و اعضا به هیئت هماهنگی و گزارش هیئت هماهنگی به اعضا و واحدها در فاصله هر ۳ ماه یکبار.
- تعویض مسئولیتها چه در سطح واحدها و چه در سطح عمومی جهت رشد و ارتقا همگانی اعضا با توجه به امکانات و تواناییها.
- تلاش جهت توزیع هر چه بیشتر نشریه و جمع آوری مبلغ نشریات و مشخس کردن یک مرکز در هر کشور جهت دریافت مرتب نشریه.
- ایجاد واحد سراسری آلمان.
- بعد از تصویب برنامه کار علی انجمن و بررسی و برخورد به گزارشات، در پایان نشست دو روزه هیئت هماهنگی و اعضای هیئت تحریریه انتخاب شدند.

- برگزاری سمینارهای کارگری در فاصله هر ۶ ماه یکبار.
- تدارک یک بولتن درونی برای مباحثات اعضا انجمن و طرح نظرات آنها زیر نظر هیئت هماهنگی.
- انتخاب افرادی بعنوان پیک جهت ارتباط با سایر کارگران و ترغیب آنها به همکاری با انجمن.
- تاکید بیشتر روی تلاش اعضا در نوشتن نظرات خود پیرامون مسائل مربوط به جنبش کارگری و نوشتن تجارب مبارزاتی خود.
- تدارک و برنامه ریزی جهت برگزاری یک سمینار با شرکت محققین و نویسندگانی که نظرات خود را پیرامون جنبش کارگری منتشر کردهاند؛ از جمله آقایان: آصف بیات، آبراهیمیان، لاجوردی خسروشاکری، ایرج اتابکی و...
- جمع آوری متون و ادبیات کارگری.
- تقویت نشریه انجمن (کارگر تبعیدی) از طریق بالا بردن

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی تشکیلی است مستقل، که به هیچ حزب، سازمان و یا فردی وابسته نیست، عضویت در آن داوطلبانه و آزاد بوده و هر کارگری با دارا بودن هر نوع اعتقادات سیاسی و یا مذهبی در چارچوب اساسنامه و پلاتفرم انجمن میتواند در آن عضو شود و در جهت اهداف آن فعالیت نماید.

"کارگر تبعیدی" (نشریه انجمن) نشریاتی است مستقل و ناشر افکار انجمن و عقاید نویسندگان آن، که در چارچوب اهداف انجمن منتشر می‌گردد.

این انجمن ضمن آنکه برای همکاری با احزاب و سازمانها با احتیاط به استقلال آنها آمادگی دارد، در عین حال هیچ نوع بهربرداری غیر مسئولانه و خارج از چارچوب پلاتفرم و اساسنامه انجمن را که به استقلال و پرنسیب آن لطمه وارد نماید، برای هیچ فرد و یا گروهی مجاز نمی‌شمارد.

## نکاتی درباره

## "مانور" رژیم

## در مورد تشکلات کارگری

رفیق "یدالله" در مقالهای تحت عنوان "مانور جدید رژیم اسلامی در مورد تشکلات کارگری" در کارگر تبیعی شماره ۱۵ به مسائلی انگشت گذاشته است، که لازم است کلیه کارگران فعال و پیشرو پیرامون آن به مباحثه بپردازند و روایای کوناگون مسئله را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند. رفیق "یدالله" در مقاله مزبور ابتدا چند پرسش را طرح می‌نماید که "آیا وضع جدیدی" برای "تشکلهای کارگری" ایجاد شده است، "آیا در ماهیت رژیم تغییری حاصل شده؟" "آیا رژیم واقعا" قصد دارد وجود تشکلهای مستقل کارگری را تحمل کند؟" آنگاه به سئواللات مزبور پاسخ منفی میدهد و سعی میکند دلایل "مانور" رژیم را توضیح دهد. او در توضیح این مسئله بر روی دو مسئله انگشت می‌گذارد اول: از آنجا که جمهوری اسلامی احتیاج به سرمایه‌گذاری در صنایع دارد و خواهان "تشویق سرمایه‌داران خارجی" برای سرمایه‌گذاری در داخل است، بنابراین ضروری است ایران را جزیره ثبات نشان دهد. دوم: از آنجا که سرکوب خشن کارگران تاکنون نتیجه نمانده است، رژیم به "مانور" جدیدی دست زده که با عقب نشینی در برسمیست شناختن تشکلهای کارگری مشخص میشود، تا از این طریق به شناسایی رهبران کارگری پرداخته و زمینههای سرکوب کارگران را فراهم آورد. آنگاه رفیق یدالله به کارگران رهنمود میدهد که "وظیفه اصلی کارگران مبارز و آگاه در این مقطع این است که فریب حرکت ظاهری رژیم را نخورند... کمیتهای مخفی خود را حفظ و توسعه دهند... به هیچوجه کاندید نمایندگی نشده... با درایت و حفظ شدید مسائل امنیتی... کمیتهای مخفی را هر چه بیشتر گسترش داده... با کارخانجات دیگر مرتبط کرده... با ایجاد تشکلات مستقل و علنی... نطفه‌های اولیه یک تشکل سراسری و پایدار" را بوجود آورند. بررسی مقاله رفیق یدالله اما نشان میدهد که هر چند وی بر روی مسئله خوب متعزز شده است، معینا در بررسی مسئله مزبور و ارائه رهنمود پیرامون آن مسئله فنی-امنیتی را برجسته نموده است، و بجای تحلیل شرایط عمومی مبارزه و تغییرات حاصله از آن را که باید مبنای تحلیل قرار میداد، به "نوطنه" رژیم در قبال جنبش کارگری پرداخته و مسئله را بیشتر از این زاویه طرح نموده است. طرح مسئله تشکل کارگری قبل از اینکه مانور رژیم محسوب گردد، ریشه در یک رشته دلایل عمیقتری دارد که میتوان رئوس آنها را به شرح زیر عنوان نمود.

الف - سیاست اقتصادی رژیم: هر چند جذب سرمایه‌های خارجی جزئی از سیاست رژیم را تشکیل میدهد، با این وجود اساس سیاست اقتصادی رژیم بر "کار ارزان" طبقه کارگر استوار است که با تمهیداتی نظیر تشدید انضباط کار به تشدید استثمار طبقه کارگر می‌پردازد.

ب - پایان جنگ ایران و عراق نیز به سهم خود جز عوامل مثبتی است که زمینههای اتکا به خود را در درون طبقه کارگر رشد میدهد، هاله "همه با هم علیه دشمن بعثی" را بمکنار می‌زند و روبرویی نبرد

طبقاتی را به پیش صحنه می‌آورد. در این دور نرد طبقاتی روحیه "دفاع ملی" را تحت الشعاع قرار خواهد داد، و مبارزه کارگران جنبه مستقیمتری بخود خواهد گرفت. کارگران نفت در حرکت اخیر خود این وضعیت را آنجا که می‌گویند ما تا کون بخاطر جنگ صبر نمودیم به خوبی منعکس می‌نمایند.

ج - شکل گیری یک قشر از کارگران پیشرو که ده سال مبارزه در شرایط سرکوب را تجربه کرده، منطق آن را کشف نموده، و توانستند پیشرویهای قابل ملاحظه‌ای را در مبارزات کارگری انجام دهند. دهه ۴۰ جذب دهقانان کنده شده از روستا در ساخت طبقه، تأثیرات کد کننده‌ای در سازمانیابی طبقه کارگر داشته است، اکنون پس از سه دهه از استقرار، آنها هیولای سرمایه‌داری را با پوست و استخوان خود بهتر در می‌یابند. خصوصا" پس از پشت سر گذاشتن انقلاب بهمین، تجارب حاصله از آن نقش مثبتی در تشکل یابی طبقه کارگر خواهد داشت. (در این رابطه به مقاله با ارزش آصف بیات در کنکاش مراجعه شود.)

ه - تغییر صف بندی در کارخانهها: بعد از آتش بس و با اعلام سیاست بازسازی اقتصادی در جناح مدیریت و شوراهای اسلامی و انجمنهای اسلامی شکاف قابل ملاحظه‌ای پیدا شده، که جهت آن کاهش اقتدار شوراها و انجمنهای اسلامی است. این امر تأثیرات معینی بر روی نیروهای مزبور به جای خواهد گذاشت که سازمانیابی طبقه کارگر را بیش از گذشته مساعد خواهد نمود. اگر عوامل فوق را در یک مجموعه مورد بررسی قرار بدیم، آنگاه روشن میشود، که این مانور رژیم نیست که زمینههای مساعد تشکل سراسری را فراهم نموده است، بلکه خود "مانور" رژیم را می‌بایست بر بستر این شرایط عمومی مورد ارزیابی قرار داد. بعبارت دیگر یک رشته عوامل پایهای باعث شده که این "مانور" به رژیم تحمیل گردد.

نکته دومی که در نوشته رفیق "یدالله" برجسته است، رهنمودهای ناظر بر این شرایط است. اگر بخواهیم رهنمودهای وی را در یک جمله خلاصه کنیم، باید بگوئیم که هیچ تاکتیک ویژه و جدیدی از این شرایط استنتاج نشده است. شرایط جدیدی که برای سازمانیابی طبقه کارگر ایجاد شده، ضرورتا" باید با تاکتیکهایی که منطبق بر این وضعیت است پاسخ بگیرد. در همین رابطه رهنمودهای ارائه شده بیشتر معطوف به فعالیت مخفی طبقه کارگر است، و مسیر سازمانیابی سراسری طبقه از گسترش فعالیت هستمهای مخفی کارخانه به کارخانه و از پائین مشخص شده است. در حالیکه بنا به ارزیابی فوق که شرایط مساعدی را نسبت به دور قبل برای طبقه کارگر ایجاد کرده، این حلقه‌ها می‌بایست با حلقه‌های دیگری تکمیل گردد، و از قضا انرژی بیشتری برای آن اختصاص یابد. لزوم توجه به فعالیت علنی و اختصاص انرژی اصلی برای آن، تلاش برای استقلال سازمانیابی، استفاده از تضادهای رژیم، ابتکار از بالا همگی محورها و بازوهای دیگری هستند که در این دور می‌توانند مورد استفاده کارگران قرار گیرند. نگاهی به تاریخچه جنبش کارگری کشورمان نمونه‌های جالبی از این ابتکارات کارگران را به نمایش می‌گذارد. بعنوان مثال تشکیل "شوراهای مرکزی سندیکاهای کارگری ایران" در سال ۱۹۲۲ بسیار آموزنده است. این نوع ابتکارات متناسب با شرایط مشخصی جامعه‌مان می‌تواند در سازمانیابی سراسری طبقه کارگر بسیار راهگشا باشد. و یسا نحوه تشکیل شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران در اردیبهشت ۱۳۲۳ نیز در همین راستا قرار دارد.

## متن سخنرانی ۰۰۰ در ششمین کنگره سراسری کنفدراسیون کارگران ترك مقیم اروپا (ATIK)

حضار محترم!  
دوستان ارجمند!  
و گرامی رفقای کارگر!

يك بار دیگر ضمن ابراز صمیمانه‌ترین شادباشها به شما، به مناسبت برگزاری این کنگره، موفقیت کنگره شما و پیروزی تمام انقلابیون و کارگران پیشرویی را که در جهت رهائی طبقه کارگر از ستم سرمایه‌بازره میکنند، آرزومندیم.

قبل از هر چیز، باید بگویم، ما نه تنها با علاقه، بلکه بنا به يك وظیفه طبقاتی و انقلابی، مبارزات شما را چه در ترکیه و چه در اروپا و ۰۰۰، دنبال میکنیم و خود را به مثابه بخشی از طبقه کارگر جهانی، شریک مبارزات تمام کارگرانی میدانیم که برای رهائی طبقه خود به هر شکل و امکان میسر، علیه بورژوازی و حکومت‌های آنتان مبارزه میکنند. بنا به همان دلایلی که گفتیم من از طرف "انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی" در کنگره شما رفقای کارگر شرکت کردم. پس در اینجا لازم است که مختصری راجع به "انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی" صحبت کنم و علت بوجود آمدن چنین تشکلی در خارج از ایران و اهداف و پلاتفرم آن را برای شما بازگو کنم. (بطور اختصار انجمن معرفی و پیرامون اهداف و پلاتفرم آن صحبت میشود.)

حال من سخنانم را با اشاره به "گزارش سیاسی از اوضاع جهان" که از سوی هیئت اجرایی قرائت گردید دنبال میکنم. در گزارش سیاسی شما از هر جایی و از هر کشوری سخنی رفته بود و به اوضاع و مسائل آنها اشاره شده بود. غیر از این که در همسایگی دیوار به دیوار شما است. جالب اینکه يك رفیق کارگر (ناماینده کارگران ۰۰۰۰) ضمن نقد گزارش سیاسی، به مسائل و اوضاع کشورهاییکه از نظر وی باید به آنها نیز اشاره میشد و در گزارش نیامده بود، به رفقای تهیه کننده گزارش انتقاد کردند و به عنوان مثال هم گفتند که "جایگاه اتوبویی ۰۰۰ در این گزارش خالی است و به مسائل و اوضاع جاری تر آن کشور در گزارش اشارهای نشده است." دیگر رفقای سخنران و ناماینده هم هر يك به نواقص و کمبودهای گزارش اشاره کردند. متأسفانه آنها هم ایران را از یاد بردند. واقعا "موجب تعجب و تأسف است که در گزارشی چنین مطمئن و مطول از هر دری و از هر کشوری سخن گفته شود ولی راجع به ایران، اوضاع آن و وضع کارگران در آنجا حتی يك کلمه هم اشاره نشود. از مبارزات کارگری در ایران طی چهارده سال حکومت سیاه و ضد کارگری جمهوری اسلامی و خلاصه اینکه طی این چهارده سال بر طبقه کارگر ایران چه رفته است، چیزی گفته و نوشته نشود. چرائی این مسئله و نقیصه را شاید ۰۰۰ (اشاره به يك مثل ترکی که با خنده و کف زدنهای پراکنده حضار در تأیید انتقاد بود.)

رفقا! حال بیانیم سر مطلب دیگر. برای چه ما اینجا جمع شدیم؟ چه میخواهیم و این همایش کسترده برای چیست؟ مگر نه اینکه ضرورت يك مبارزه متشکل و يك پارچه جهت پیشبرد اهداف طبقاتی مان ما را به اینجا فراخوانده و جمع کرده است؟ اینکه ما چرا و برای چه از زادگاه خود از ترکیه، ایران و ۰۰۰ خارج شدیم. همه ما کبابیش به این مسائل و علل آگاهیم. ولی اینك مسئله من و حرف من این است که در حال حاضر و به هر دلیل و جهتی که باشد، در این کشورها زندگی و کار میکنیم. در اینجا (آلمان) و سایر کشورهای اروپایی

حتی آمریکا، کانادا، استرالیا، ژاپن و ۰۰۰ ما کارگران نیروی کار خود را می‌فروشیم و جز آن هم هیچ نداریم. حال این فروش و بازار کار کجا باشد مهم نیست. ترکیه، ایران، آمریکا، آلمان و ۰۰۰ ما از سوی بورژوازی استثمار میشویم. حتی آنها بخاطر اینکه بتوانند نیروی کار ما را هر چه ارزانتر بخرند هر روز طرحی و برنامه‌ای می‌ریزند. هر ۱۰ سنت و ۱۰ فنینگ و ۰۰۰ چانه میزنند و ۰۰۰.

پس بدین جهت، يك مبارزه متحدانه و منسجم نیز علیه بورژوازی و کارفرمایان ضرورت پیدا میکند که ما خواهان آن بوده و خود را پیش قدم در آن راه میدانیم. همچنین شرکت در چنین مبارزاتی متحدانه و دوشادوش و دست در دست تمام کارگران را يك وظیفه برای خود میدانیم.

رفقای کارگر! تنها اتحاد و یکپارچگی و دوشادوش یکدیگر بودن - از هر طلیت و نژادی - میتواند مقاومت و مبارزات ما را در مقابل یورشهای سرمایه داران و حکومت‌های حامی آنها تضمین کرده و ما را به پیروزی برساند. با مبارزه پراکنده چه میشود کرد؟! مبارزات و حرکت‌های پراکنده در برابر یورشهای کسترده و جهانی بورژوازی، اروپای متحد، راسیسم جهانی و ۰۰۰ نه تنها کارساز نیست، بلکه گاه "به ضرر طبقه ما هم تمام خواهد شد. و حتی بورژوازی از آن بعنوان ابزار تفرقه و افتراق علیه خود ما استفاده خواهد کرد، که ما و شما بارها شاهد آن -

بودیم. پس بیایید متحدانه مبارزات و حرکت‌های خود را علیه دشمنانمان هر چه کستودمتر و منسجمتر کنیم. دست در دست هم صفوفمان را فشرده‌تر و حلقه‌های پیوندمان را محکمتر کنیم. "بیرلیک، موجدلیسه، ظفر".

"کارگران جهان متحد شوید" يك شعار است. میتوان آن را با صدای بلند فریاد زد. میتوان آنرا بر سر در هر اتحادیه، سندیکا و مکان تجمع کارگران حلق نمود. میتوان آن را با خطی درشت در پارچهای سرخ نوشت و بالای سر هئیت رئیسه هر کنگره و مجمع کارگری آویخت و یا اینکه این شعار و رهنمون را در سراقاز و اختتامیه هر اعلامیه و بیانیه و ۰۰۰ با خطی زیبا و خوش نوشت. اما در عمل چه؟! آیا باید همانطور در روی کاغذ، سر در، پرچم و ۰۰۰ بماند؟! نه رفقا این شعار تا زمانیکه به عمل در نیاید، ما آنرا در عمل و پراتیک مبارزاتی خود بکار نبرده و پیاده نکنیم، و از همه مهتر اینکه در عمل به آن پای بند نباشیم، به هیچ دردی نخواهد خورد و حتی صنار ارزش نخواهد داشت.

همانطور که گفتیم شما به هر علتی از قبیل مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی و یا بیکاری روز افزون، ساعات کار طولانی در مقابل دستمزد کم، به علت اختناق و خفقان حاکم بر مؤسسات تولیدی یا به علت فرار از جو پلیسی و اعمال خشونت در کارخانه‌ها و محلهای زیست و کارتان از سوی حکومت فاشیستی ترکیه، خلاصه به هر علتی که شما مجبور به ترك زادگاه خود شده و به اروپا و سایر کشورها مهاجرت کرده‌اید، حال میخواهید "کارگر مهاجر" باشید و یا اینکه از سوی سرمایه‌داران اروپایی و افکار عمومی در خدمت آنها "کارگر مهمان" نامیده شوید، شما نیروی کار خود را همانند سایر کارگران می‌فروشید. استثمار شدن خود را از طرف سرمایه‌داران و کارفرمایان با گوشت و پوست لمس میکنید و ۰۰۰ من میخواهم بگویم که ما هم مثل شما هستیم و بنا به دلایل مختلف که عموماً "جنبه سیاسی داشته مجبور شدیم که به خارج مهاجرت کنیم. در گذشته در ایران و حال در این کشورها از

سوی سرمایه‌داران استثمار می‌شویم. پس يك دشمن مشترك داریم آنها هم کاپیتالیسم. علیه آن باید متحدانه مبارزه کنیم.

اتحاد مبارزاتی ما میتواند جنبه گستردگی را سازماندهی کند و ضمن پیشبرد اهداف کلی طبقه، مسائل و مشکلات هم طبقه‌ایها و کارگران کشورهاییکه از آنجا آمدیم را به گوش سایر رفقایمان برساند. بعنوان مثال در حال حاضر چه بر کارگران ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی می‌گذرد. یا اینکه آنها دارای چه مشکلاتی هستند را می‌توان به گوش سایر رفقایشان در اقصا نقاط جهان رساند. همانطوریکه من بعنوان يك نفر از آنها برای شما بازگو می‌کنم؛ شما هم می‌توانید به گوش سایر رفقای کارگر و سایر هم طبقه‌ایمان برسانید. حال درون سندیکا، و یا هر اتحادیه‌ای که هستید، یا هر طریق دیگری را که خود بهتر می‌شناسید. شاید که، و باشد که، این گونه همکاریها و هم‌دوشیها در شرایط فعلی یکی از بهترین کمکهای ممکن در دفاع از مبارزات کارگران ایران باشد.

رفقا از هر دری سخن گفتن، و از اوضاع سیاسی هر کشوری، از جنگ داخلی در آمریکا مرکزی، از جنگ خلیج، نظم نوین بوش، از اوضاع روسیه، از اوضاع اروپا، آمریکا، ترکیه وکلا" سراسر دنیا، صرفاً نوشتن و سخن راندن کافی نیست. در اینجا راجع به همه اینها سخن رفت ولی متأسفانه راجع به مسائل کارگری و تحت فشار قرار گرفتن و استثمار شدن هر چه بیشتر کارگران در این کشورها چیزی گفته نشد. از تأثیرات جنگ خلیج که عواقب دردناک و فاجعه باری را به دنبال آورد، از تأثیرات و عواقب سنگین اقتصادی و هزینه های سرسام آوری که مصرف این جنگ شد. و حتی سرشکن شدن این هزینه‌های سرسام آوریدوش کارگران کشورهاییکه دولتهای آنان در این جنگندنیفیع بودند کمتر سخن رفت. من نمی‌خواهم زیاد به این مسائل اشاره کنم. شما می‌توانید بحث های صرفاً "آکادمیک بکنید. این مربوط به خود شماست. به سیاست و مشی شما و یا آتیک. ولی من می‌خواهم از این فرصت بدست آمده که خود را در میان جمع کثیری از رفقای کارگر میبینم استفاده کنم و راجع به مسائل کارگری در ایران و مشکلات رفقای کارگران صحبت کنم. رفقا آیا شما از مسائل و اوضاع کارگران ایران باخبرید. آیا میدانید در حال حاضر آنها چه وضعی دارند و در تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، دارای چه حق و حقوقی هستند؟ از موجودیت و یا از عدم موجودیت تشکلهای مستقل کارگری در ایران خبر دارید؟ و من این همه اسناد و مدارکی که همراه خود آوردم می‌خواستم جـول بی‌حقوقی کارگران ایران بیشتر صحبت کنم. که متأسفانه وقت کافی برای این کار از پشت این تریبون نیست. ولی نسخهای از این مدارک و اسناد را به رفقای کمیته اجرائی که انتخاب میشوند میدهم که آنرا هر طوری که صلاح میدانند در اختیار شما بگذارند. و یا در نشریه و ارگانهای مربوطه انتشار دهند.

حال بطور خلاصه می‌گویم که: کارگران ایران از داشتن حق تشکل مستقل که کلیدی‌ترین مطالبه کارگری است برخوردار نیستند. و تأسیس و ایجاد هرگونه تشکل مستقل از سوی کارگران ممنوع میباشد. آنها نه تنها نمیتوانند اتحادیه و یا سندیکا و یا هر تشکل صنفی دیگری را مستقل داشته باشند، بلکه دور هم جمع شدن و مشورت‌های دوستانه و رفیقانه چه در محیط کار و چه در محل زیست آنها نیز ممنوع است. و عواقب چنین کارهایی زندان شکنجه و اعدام است. طبق قانون کار رژیم جمهوری اسلامی تنها شوراهاى اسلامی کار و انجمنهای اسلامی آزادند. که آنها هم از سوی خود رژیم تأسیس و اداره میشوند. و مراکز جاسوسی و خرجینی علیه کارگران مبارز و پیشرو و همه آن دسته از کارگرانی هستند که از حق و حقوق خودشان دفاع میکنند.

کارگران ایران نه تنها حق داشتن تشکل مستقل را ندارند. که

دور هم جمع شوند تا مسائل و مشکلات خود را حل کنند، پیرامون مسائل صنفی خود حرف بزنند، در مورد دستمزدها کم خود، ساعات کار و کم کردن آن، بالا بردن دستمزدهایشان مشورت کنند، بلکه حق هیچ گونه اعتراضی را هم ندارند.

کارگران ایران حق اعتصاب ندارند. سازماندهندگان هر گونه حرکت اعتراضی و اعتصابی در کارخانهها و مراکز تولیدی کوچک و بزرگ تحت تعقیب قرار گرفته، دستگیر و روانه زندان و میدانهای تیر و اعدام میشوند من لیست اسامی حدود پانصد و پنجاه رفیق کارگر را که توسط جمهوری اسلامی اعدام و تیرباران شدهاند را اینجا دارم که در اختیارتان قرار میدهم.

بند بند قانون کاری که آخرین بار از تصویب مجلس گذشت و مورد اجراست نه تنها به نفع کارگران نیست بلکه در جهت استثمار شدن هر چه بیشتر آنان و هر چه محکتر شدن زنجیرهای اسارت و بندگی سرمایه به پای آنان است.

دستمزده تعیین شده از سوی رژیم و وزارت کار کفاف زندگی کارگران را نمیدهد. به همین خاطر کارگران مجبورند که تن به ساعات کار اضافی در کارخانه بدهند، و یا به دیگر مشاغل جنبی متوسل شوند.

ساعات کار در هفته، طبق قانون کار رژیم ۴۴ ساعت در هفته است که این ساعات در مراکز تولیدی کوچک و کارگاهها و بخشهای ساختمانی به مراتب بیشتر و طاقت فرساتر است. تعطیلات رسمی يك روز در هفته است. اکثر کارگران در سطح کارخانهها و در محیطهای کاری از نداشتن امکانات بهداشتی و ایمنی رنج می‌برند و به امراتی کوناگون دچار و مبتلا میشوند. و طبق آمارهای رسمی دولتی، ماهانه چندین نفر از کارگران دچار سوانح کاری شده، نقض عضو پیدا کرده و یا جان خود را از دست میدهند.

يك نکته را هم بگویم که کارگران ایرانی طی سالها مبارزه حتی در دوره شاه و رژیم قبلی دارای سندیکا و اتحادیه بودند اما با بر سر کار آمدن رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی حتی آن اتحادیههای فرمایشی و زرد هم برچیده شد. (در این لحظات هیئت رئیسه پایان وقت سخنرانی را اعلام میکند و از سخنران میخواهند که در عرض چند دقیقه سخنانش را جمع‌بندی کند.)

رفقا شما میدانید که هر ساله کنفرانس بین المللی کار (ILO) در ژنو برگزار میشود. و از هر کشوری نمایندگان از طرف اتحادیهها و به این کنفرانس میروند. اما از ایران چه کسانی به این کنفرانس میروند. خبر دارید؟ از ایران آیا يك نماینده واقعی از سوی کارگران به این کنفرانس می‌رود؟ نه! از ایران کسانی به این کنفرانس میروند که نمایندگان دولت، کارفرمایان و نمایندگان بورژوازی حاکمند. نمایندگان ارتجاع‌اند. کارگزاران سرمایه و ضد کارگری و از تدوین کنندگان قانون کار ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی‌اند. از مهرها و چهره‌های سرکوبگر و شقاند که هر يك به گونهای چه مستقیم و چه غیر مستقیم نقش مهمی را در سرکوبی کارگران و مبارزات آنها داشتند و دارند. بعنوان مثال به هفتاد و هشتمین کنفرانس ILO در سال گذشته هیئت ۳۵ نفری از طرف رژیم فرستاده شده بودند، که همه آنها از چهره‌های شناخته شده ضد کارگری در ایران هستند.

حالا رفقا! اگر شما بر این شعار که: " کارگران جهان متحد شوید" ایمان و باور دارید، ما از شما درخواست کمک میکنیم. کمکی به نفع کارگران ایران و در حمایت از مبارزات آنها. شمائی که خود را علیه هرگونه بهره‌مکشی و استثمار انسان از انسان میدانید، ما از شما میخواهیم که علیه استثمار شدن کارگران در ایران و علیه بی‌حقوقی آنان اعتراض کنید. و با افشای این بی‌حقوقیها و تضییقاتی که جمهوری اسلامی به کارگران



## قطعه نامه پیشنهادی

بحث حول مسائل مربوط به جنبش کارگری و چاپ نتایج این مباحث در نشریه، انعکاس فعالیت واحدهای انجمن و جنبش کارگری دیگر کشورهای بصورت گزارش و همچنین بررسی دوروی مبارزات کارگران ایران و مبارزات کارگران دیگر کشورها در حد امکان ضروری میباشند. انجام این اقدامات در عین حال در گرو گسترش فعالیت کنونی انجمن میباشند.

۲- تنها امکان بروز نظرات، انتقادات، توصیهها و ملاحظات اعضا انجمن، نشریه کارگر تبعیدی است. لذا مطالب اعضای انجمن بدون هیچگونه قید و شرطی در نشریه به چاپ خواهد رسید.

۳- کسانی که عضو انجمن نبوده اما در مورد مسائل مختلف جنبش کارگری مطالب سیاسی، اقتصادی، تاریخی، تحقیقی، ادبی یا هنری دارند بدون توجه به تعلق ایدئولوژیک آنان، میتوانند مطالب خود را در ستون مخصوصی زیر نظر هئیت تحریریه در نشریه به چاپ برسانند.

۴- هر شماره نشریه حداقل میبایست حاوی اخبار اساسی کارگری ایران و جهان، ترجمه مطالب ارزنده کارگری، یک موضوع بحث انجمن و در حد امکان یک مطلب تحقیقی باشد.

واحد انگلستان و هئیت هماهنگ کننده

یکی از اصیلترین و مهمترین وسایل ارتباط و سازماندهی واحدهای انجمن، رشد سیاسی و تثویک اعضا انجمن، متحقق کردن هدف والای ما یعنی ایجاد و تحکیم یک جنبش مستقل و انقلابی کارگری و همچنین نماینده و شاهد گویای فعالیت انجمن و میزان درجه جدیت این فعالیت، نشریه کارگر تبعیدی است. فقط یک نشریه جدی قادر به تحقق اهداف بالا بوده و نباید انتظار داشت یک نشریه ضعیف تأثیری در جهت تغییر ایجاد نماید.

نشریه ما از آنجا که در حال پیمودن قدمهای اولیه فعالیت خویش است، نواقص زیادی دارد. آنچه از اهمیت اساسی برخوردار است امثال تلاش انجمن برای برطرف نمودن این نواقص است. هئیت هماهنگ کننده انجمن در یک جلسه مشترک با اعضای واحد انگلستان این موضوع را به بحث گذاشتند که چگونه بحث بصورت قطعنامه زیر در اختیار نشریه و از آن طریق کل واحدهای انجمن قرار میگیرد.

### قطعه نامه

۱- ارتقا بار سیاسی و تثویک نشریه جزو وظایف فوری ماست. برای تحقق این هدف ارسال مطلب از سوی اعضا انجمن، اجرای میزگرد

هم که اتحاد کارگران ضعیف بوده و یا حرکتی اعتراضی آنان پراکنده بوده، کارفرمایان، سرمایهداران و حکومتی حامی آنها نه تنها تن به خواست کارگران ندادند بلکه با استفاده از عوامفریبی و دامن زدن به تفرقه آنها، حتی دستاوردهای مبارزاتی آنها را نیز که قبلاً به آن رسیده بودند باز پس گرفتند. نمونه این گونه موارد بسیار است.

در پایان، من بعنوان یک کارگر عضو "انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی" و همچنین از طرف نشریه "کارگر تبعیدی" ارگان این انجمن، از شما رفقای کمیته اجرایی و دست اندر کاران نشریات و هئیت تحریریه نشریه "Mücadele" (ارگان ATIK) درخواست میکنم که با ما همکاری کنید. مسائل و حرفهای ما را که همانا حرفهای کارگران ایران و در دفاع از حقوق آنان است در نشریاتتان انعکاس دهید. جمع بندی تجارب مبارزاتی آنان را که طی سالیان دراز چنه در ترکیه و چه در خارج بدست آوردهاید در اختیار ما بگذارید. که ما بتوانیم با ترجمه آنها از آنها استفاده کنیم. چرا که شما سوابق بیشتری در اروپا نسبت به ما دارید. و سالهاست که در اروپا کار و مبارزه میکنید. مسلماً تجارب شما نسبت به ما در اروپا بیشتر است. گزارشات و اخبار مبارزاتی خود را چه در اروپا و چه در ترکیه، برای ما بفرستید. نشریه کارگر تبعیدی حتماً آنها را انعکاس خواهد داد.

با تبریک و درودهای مجدد به شما، سخن را کوتاه میکنم اگر چه هنوز حرفهای بسیاری پیرامون مسائل، مشکلات و بی حقوقی کارگران ایران و مبارزات آنها تحت حکومت خفقان و استبداد "اسلام" و "سرمایه" باقی است، اما من امیدوارم که همکاری و پیوند ما در آینده هر چه بیشتره هر چه مداومتر و مستحکمتر باشد. مجال سخن نیز در آینده باقی است. چرا که راه مبارزه ما راهی طولانیست است، راه مبارزه طبقه کارگر.

هر چه مستحکمتر باد پیوند مبارزاتی کارگران  
هیجدهم ماه آوریل سال ۱۹۹۲ - فرانکفورت

ایران تحمل کرده است، به رفقای کارگرتان در ایران کلمه و باری رسانید با افشا سیاستهای ضد کارگری و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با منوع کردن اتحادیهها و هر گونه تشکلهای مستقل کارگری در ایران، از خواست برحق کارگران ایران در این رابطه دفاع کنید تا آنها با ایجاد چنین تشکلهای مستقلی بتوانند نمایندگان واقعی خود را، بجای نمایندگان وابسته به رژیم جمهوری اسلامی و نمایندگان سرمایه داران و سرکوبگران به کنفرانس بین المللی کار (ILO) بفرستند.

رفقا همانطوریکه گفتیم ما توقع زیادی از شما نداریم. فقط میخواهیم که صدای اعتراضی کارگران ایران را به گوش سایر رفقا و هم طبقهای ایشان در هر جایی که هستید برسانید. با هر امکانی که دارید از آنها حمایت کنید. مسائل و مشکلات و خواستهای آنها را به داخل اتحادیهها و سندیکاهایی که در آن عضو هستید ببرید. و در آنجا مطرح کنید. سایر همکارانتان را به یاری بخوانید. شما نمایندگانی هستید که از کشورهای مختلف به اینجا آمدهاید. مسلماً با اتحادیههای کارگری و نیروهای مترقی و کلا با تعداد بیشتری از رفقای کارگر در آنجا رابطه دارید. شما مسائل ما را به آنها انتقال دهید.

رفقا! ما آن گونه فکر نمیکنیم که چون دیگر از زادگاه خود خارج شده و در اروپا و سایر کشورها زندگی میکنیم، فقط مسائل اینجا را داریم. نه! تازه آغاز کار و اول مبارزتان در عرصه دیگر است. اینجا عرصه دیگر از مبارزه و به میدان آمدن ما شروع میشود که اگر بر این اعتقاد و باوریم که تنها طبقه ما به آخر انقلابی، طبقه کارگر است و میتواند "برابری" و "آزادی" را به مفهوم واقعی به ارمغان بیاورد، پس متحدانه مبارزه کنیم و دست در دست هم، در هر جایی که هستیم این خلقهای پیوند را در جهت تداوم مبارزتان تا رسیدن به پیروزی، هر چه محکمتر و گسست ناپذیرتر کنیم.

هر جایی که طبقه کارگر متحدانه حرکت کرده، بورژوازی در برابرش عقب نشینی کرده است و تن به خواست کارگران داده است. در جایی

## پیشنهاد رژیم به نفتگران اعتصابی

اعتصاب کارکنان پالایشگاههای تهران - اصفهان و شیراز که سه از دهم ژانویه شروع شده بود در تاریخ ۲۷ ژانویه ۹۲ با دریافت ۵۰ درصد افزایش دستمزد برای کارگران و ۸۰ درصد برای کارمندان و پیشنهاد اینکه کارگران ناراضی میتوانند به کارگزینها مراجعه و فرم گزینند شدن را پر کنند به پایان رسید.

می‌دانیم که دولت عراق به دستور صدام چند سال قبل با اعلام اینکه دیگر در این کشور طبقه بنام کارگر وجود ندارد تمامی تشکیلات کارگری را منحل اعلام نمود و کارگران آن کشور را از نظر قانونی به درجه کارمندی ارتقا داد.

اینک رژیم اسلامی میخواهد جا پای صدام گذاشته و راه رفته در عراق را دنبال کند، این رژیم بیش از یکدهه است که آنچه در توان داشت برای مقابله با اعتراضات و سرکوب طبقه کارگر به کار برده است، در روزهای پیروزی انقلاب با تیراندازی به سوی صف کارگران در اصفهان و کشتن یکی از کارگران هدف اصلی خود را نشانه گرفت، در این مدت به انواع شکردها و دیسمها روی آورد که این طبقه را مهار کند، از تعطیل کردن کارخانجات به بهانه جنگ، اخراج وسیع کارگران، و اعدام



واحد انجمن در لندن از چند ماه پیش تدارک اول ماه مه را با چند گروه و اتحادیه آغاز و در کنفرانس منجستر همراه "حزب کارگران انقلابی" کمیونی جهت برگزاری اول ماه مه بوجود آورد که بنام کمیسیون همبستگی بین المللی اتحادیههای نام گذاری گردید.

در همین رابطه نامهای خطاب به کارگران انگلیس برای برگزاری اول ماه نوشته شد که در نشریه بین المللی اتحادیهها به چاپ رسید و تبلیغ زیادی جهت برگزاری اول ماه مه گردید. در این روز همراه با کارگران ترک مقیم لندن که همه ساله این روز را در لندن با راهپیمائی جشن می‌گیرند و دیگر گروههای مختلف انگلیسی که حدوداً ده هزار نفر بودند راهپیمائی بزرگی صورت گرفت. بعد از ظهر در مرکز آموزشی ترکهای مقیم لندن جشنی از طرف انجمن و حزب کارگران انقلابی برگزار شد. در این جشن گروه کثیری شرکت داشتند و نماینده انجمن حدود نیم ساعتی در مورد مبارزات کارگران ایران در سال گذشته، وضع کارگران انگلیس و لزوم حمایت از اعتصابات کارگران آلمان سخنرانی کرد.

در روز دوم ماه مه از ساعت ۶ بعد از ظهر جشنی به مناسبت اول ماه مه در یکی از سالنهای لندن برگزار گردید که حزب کمونیست کارگری ایران، راه کارگر، و کارگران ترک و کرد و شیلیاییهای مقیم لندن و بولیویاییها نیز شرکت نموده بودند، که با برنامههایی از قبیل موزیک و آواز اسپانیائی، بولیویائی، ترکی و کردی همراه بود. در این برنامه نماینده واحد انجمن در لندن پیامی به مناسبت اول ماه مه داد و در این پیام از کارگران انگلیس خواست که دست از این اتحادیه گرایی وقانون گرای بردارند و با باز کردن زنجیر اسارت اتحادیه گرایی و قانون گرائی که بیژوازی به دست و پای طبقه کارگر پیچیده، نبرد خود را برای برچیدن بساط ننگین بیژوازی آغاز کنند.

و زندانی کردن کارگران مبارز تا اعلام اینکه همه کارگرد و خدا هم کارگر است و اینکه اصولاً طبقه بنام کارگر وجود ندارد و حتی در نظر داشت نام کارگر را به کار پذیر تبدیل کند و قانون کار را بر باب اجاره بنا نهد.

اما دیدیم که مبارزات کارگران طی یکدهه تمامی سنایی رژیم را خنثی کرد و او را ناچار کرد که به مسائلی تن در دهد. از بزرگترین پیروزیهای این دوران مبارزاتی طبقه کارگر ایران می‌توان به تصویب قانون کاری هر چند ارتجاعی از طرف دولت اشاره کرد. پس از یازده سال مبارزه، رژیم ناچار شد تمامی فتوهای امامش را پس بگیرد و بپذیرد که در این کشور هم همانند سایر کشورها، دو طبقه وجود دارد، یکی کارگران که تولید کنندگان و دیگری سرمایه‌داران که خورنده.

موضوع دیگر که از اهمیت خاصی در این دوره مبارزه برخوردار است، تثبیت اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارگران و قبولاندن آن به رژیم قسرون وسطائی است. رژیم ناچار شد بپذیرد که در سطح جهان نیز دو طبقه در حال مبارزه دائمی با یکدیگرند، و انترناسیونالیسم کارگری را علیرغم ذهنیت کور و واپسگرایی خود پذیرا شد، و از تلاشی خود برای اسلامی کردن طبقه جهانی کارگر دست برداشت.

اینک با توجه به اینکه دیگر حنای اسلامی برای کارگران رنگش را از دست داده. رژیم از در دیگری وارد شده و میخواهد به مرور کاری را که صدام حسین در عراق کرد در ایران پیاده کند، در سال گذشته با کارمندان کارگران دحانیات از شدت مبارزه در این بخش کارگری کاست و اینک در نظر دارد همین کار را در صنعت نفت پیاده کند و کارگران را از زیر چتر قانون کار بیرون آورده و با اعلام اینکه کارمندان هستند، آنان را شامل قوانین استخدام کشوری نماید و با آنان همچون کارمندان ثبت احوال و دارائی و بیمه و غیره رفتار نماید.

رژیم از این مسئله غافل است که مبارزات یکپارچه کارگران و کارمندان نفت در انقلاب و با استفاده از آن تجارب، اعتصاب یکپارچه و متحدانه آنان در هنگام حمله وحشیانه آمریکا به کویت و عراق سد جدائی میان کارگر و کارمند را خرد کرده و کارمندان نیز همچون کارگران دریافتانند که دیگر چون گذشته تفکر نماینده کارفرما بودن را به دور بریزند و هرگاه که ايجاب کند دست به اعتصاب و اعتراض زده و با کارگران اعلام همبستگی نمایند. رژیم تحمیل کارگران پالایشگاه اصفهان و کارگران مجتمع فولاد مبارکه را در جلوی درب نوب آهن اصفهان بخاطر حمایت از خواستههای کارگران نوب آهن فراموش کرده. اومیخواهد کارگران تجربه شدهها را دوباره تجربه کنند و فکر می‌کند می‌تواند با چنین حربیهائی مبارزات کارگران را فرو نشاند و چند صباحی دیگر به حکومت ننگین چماق و سرکوب خود ادامه دهد.

اما با اطمینان به اینکه نفتگران با تکیه به تجربیات خود همواره پرچم مبارزه را برافراشته نگ خواهند داشت، در آینده نه چندان دور با حرکت یکپارچه خود جواب دندان شکنی به این ترفند رژیم خواهند داد.

نفتگر تبعیدی

مرگ بر رژیم ضد کارگری

جمهوری اسلامی!

## گزارش خلاصه‌ای از مبارزات کارگری اخیر در آلمان

کشور آلمان در ماه مه امسال صحنه یکی از وسیع‌ترین و مهمترین مبارزات اتحادیه‌ای و سیاسی بعد از جنگ بود.

وسعت و اهمیت به لحاظ درگیر شدن بخشهای مختلف تولیدی و خدماتی در مبارزه و به لحاظ کثرت جمعیت اعتصابی و معترض، شامل کارگران صنعت فلز، کارگران چاپ و کارکنان بخش خدمات عمومی (رفتگران، رانندگان اتوبوس و وسایط نقلیه شهری دور و نزدیک، کارکنان پست، بیمارستانها، مهد کودکها، ادارات، بانکها، آتش نشانی، تکنسینها، تعمیر کاران، مهندسين، بازیگران تاتر و حتی کارگران تعمیر گاههای پلیس و مأمورین انتظامی فرودگاهها) تنها در ماه مه بیش از ۴ میلیون نفر از مزدبگیران آلمان به اعتصاب و اعتراضات خیابانی دست زدند. هزاران عضو جدید به اتحادیهها پیوستند (۱). تجربهای که بیش از هر زمان دیگری ضرورت و اهمیت وجودی اتحادیهها را به عنوان ارگان مبارزاتی حال و آینده کارگران به نمایش گذاشت. خواستههای سیاسی جهت کنارهگیری حکومت Kohl و یا حذف موشک جنگی پر خرج Jäger 90 از لیست تولیدات آلمان، این بار نه بر پرچم سازمانهای سیاسی منزوی از صحنه اجتماعی، بلکه بر پرچم اتحادیهها و کارگران نقشی دلنشین داشت.

کارگران و کارکنان بخش خدمات عمومی با مبارزه جوی و جنب و جوشی بیسابقه با تشکیل کمیتههای اعتصاب، جلسات مبادله اطلاعات و تجربیات، چاپ و پخش روزنامههای ویژه اخبار اعتصاب در کنار شکل گیری جمعیتهای حمایت از اعتصابیون، و ظرف سازمان مناسب برای ادامه حرکتش را بی میریخت. حدود دو هفته تظاهرات پیاپی خیابانی سبب گردید که سخنرانان اتحادیهها روز به روز در حملههایشان به دولت و کارفرمایان رادیکال تر سخن بگویند و لویه تیز حمله را متوجه احزاب دولتی و سیاستهای اقتصادی شان نمایند.

یازده روز اعتصاب کارکنان خدمات عمومی با خواست ۹/۵ درصد اضافه دستمزد برای سال ۹۲ یکی از بزرگترین اعتصابات ۲۰ ساله اخیرشان بود. اعلام آمادگی برای اعتصاب از طرف ۸۸/۹ درصد کارگران بخش خدمات عمومی، ۹۶/۶ درصد رانندگان اتوبوس و قطار ۹۵/۴ درصد کارکنان پست و ۷۴/۷ درصد اتحادیه کارمندان، جرقه اعلام مبارزه به دولتی بود که تصور میکرد قادر است "چرخش در سیاست اضافه دستمزد" را به مزدبگیران تحمیل نماید. اما ورود صد هزار نفر به اعتصاب در دوم ماه مه، ۲۷۰ هزار در چهارم ماه و ۴۰۰ هزار در ششم ماه مه و پیوستن صد هزار کارگر فلز و چاپ با اعتصابات اخطاریشان به صف مبارزین، سرانجام حکومت Kohl را که حاضر نبود از ۴/۸ درصدی که بارها سرسختانه بر آن تاکید کرده بود نرمای کوتاه بیاورد، به عقب نشینی واداشت. هر دو طرف پیشنهاد هیئت میانجی ۵/۴ درصد را پذیرفتند. (این درصد اضافه دستمزد برای مزدهای رده پایین و متوسط از اول ماه مه و برای حقوقهای بالا از اول یونی پرداخت میشود. با اضافه یکبار پرداخت ۷۵۰ مارک برای

(۱) لازم به گفتن است که از سال ۱۹۹۰ تعداد اعضای اتحادیه سراسری کارگران DGB از ۴/۱ میلیون به ۱۲ میلیون نفر رسیده است. تقریباً اکثر اعضا جدید از شرق آلمان به اتحادیه پیوستهاند. اما در خود غرب نیز اتحادیه توانست در روزهای پرتلاطم مبارزاتی‌اش عدای را بخود جذب نماید. مثلاً تنها در عرض چند روزه اول اعتصاب کارکنان خدمات عمومی ۱۴۰۰۰ عضو جدید به اتحادیه ÖTV پیوستند تا عزمشان را در مبارزه بر علیه سیاست دولت برای پایبندی نگذاشتن دستمزدها مادیت ببخشند.

ماههای ژانویه تا آوریل به دسته اول و ۶۰۰ مارک به دسته دوم.) نماینده اتحادیه ÖTV مونیکولف ماتیس در اجتماع ۵ هزار نفره کیل تحت تاثیر روحیه مبارزجویانه کارکنان اعتصابی که با شنلای قرمز اعتصابشان در تظاهرات اول ماه مه شرکت کرده بودند. اعلام داشت که در برابر سیاست "چرخش در دستمزد" دولت و کارفرمایان ساکت نخواهند نشست و بر علیه هر اقدام تفرقه افکنانای (استفاده از اعتصاب شکنان) که بخواهد به احساس همبستگی قوی بین مزدبگیران شرق و غرب و بین همکاران آلمانی و غیر آلمانی لطمه بزند با تمام قوا خواهند ایستاد.

این اتحادیه برای جلب حمایت افکار عمومی از اعتصاب کارکنانش که زندگی روزانه را شدیداً مختل کرده بود. به انتشار اطلاعیههای پیاپی و نشر و پخش اخبار لحظه به لحظه اعتصاب دست زد. در این اطلاعیهها با اشاره به میزان ۵ درصد تورم و گرانی و ۲ درصد رشد اقتصادی آمده بود که کارکنان خدمات عمومی از سال ۸۸ تا ۹۰ خود را کنار نگذاشته و اضافه دستمزدی مطرح نکردهاند. در حالیکه دولت با زیاد کردن مالیاتها حدود ۵۰ میلیارد مارک از جیب کارکنان و ۲۰ میلیارد مارک از بانک فدرال به کبسه خود ریخته است و حالا نوبت آن رسیده که آنها نیز حق خود را بگیرند.

اما با وجود مخالفت ۵۵/۹ درصد از کارکنان خدمات عمومی با نتیجه مذاکرات طرفین، خانم ماتیس اعتصابات را تمام شده اعلام کرد و اذعان داشت که اگر چه این نتیجه برای اعضای اتحادیه اش قابل قبول نیست اما به هر حال آنها توانستند در برابر سیاست دیکته دستمزد از طرف دولت و کارفرمایان بایستند و مانع از به اجرا آمدن این سیاست شوند.

نارضایتی کارگران و کارکنان اعتصابی بدان حد بود که حتی رسانه‌های گروهی نیز در صاحبهای چند باره با ولف ماتیس وی را بدلیل اینکه با این توافق، ارزیابی غلطش را از افکار عمومی و خواست اعضا اتحادیهها به نمایش گذاشته تشویق به کنارهگیری و استعفا نمودند. لازم به تذکر است که ایشان بعد از پایان اعتصاب با اکثریت ضعیفی یکبار دیگر به نمایندگی این اتحادیه انتخاب شد. در رهبری ۹ نفره این اتحادیه ۵ نماینده جدید حضور دارند.

ما نیز در انجمن کارگران تبعیدی واحد هانوفر در حد امکان خود، اگر چه بسیار ناچیز، کوشیدیم با شرکت در تظاهرات همبستگی با اعتصابیون، فرستادن دو پیام حمایت از اعتصاب و خواستههای اعتصابیون شرکت در جلسات اطلاعاتی اتحادیه و دنبال نمودن جریان اعتصاب و مسایل مطرحه در آن از نزدیک شاهد قضیه باشیم. اما متأسفانه بنظر شخصی من بدلیل موقعیت اجتماعی‌مان (در رده ارتش بیکاران قرار داشتن سوسیال هیلفه بکیر بودن، مشکل زبان داشتن و یا اصلاً خود را متعلق به این اجتماع ندانستن و در نتیجه قاطعی نشدن با اجتماع کارگران و مزدبگیران این جامعه) رابطه‌مان نیز با مبارزات در این جامعه فقط در حد ابراز همبستگی باقی میماند و عمیق‌تر نمی‌شود. به امید از سر راه برداشتن مشکلات و شرکت فعال در حیات اجتماعی این جامعه.

جمعیت ۱۵۰۰ نفره مراسم اول ماه مه در ESSEN را با توجه به وضع هوای فوق العاده بد امسال در سراسر آلمان که با رگبار و طوفان شدید همراه بود. باید مرهون جنبش اضافه دستمزد دانست. اول ماه مه که کارکنان اعتصابی ÖTV در آن حمایت و همبستگی رفقای کارگراشان

از اتحادیه‌های چاپ و فلز را تجربه کردند. اشتاین کولر نماینده اتحادیه فلز سخنان اصلی مراسم بود که به انتقاد از شعار اول ماه مه DGB (Teilen Verbindet) (۲) یعنی که از سهم خود برای کارگران شرق آلمان کنار بگذاریم تا بینمان پیوند بوجود بیاید) پرداخت و گفت همبستگی است که پیوند بوجود می‌آورد (Solidarität Verbindet) او در قسمتهایی از صحبتش با وضوحی بیشتر از گذشته به انتقاد از سیاست مالیاتی دولت که خود سبب گسترش فقر میشود پرداخت: ۰۰ از ۹۰ میلیارد مارکی که دولت در برنامه مالی اش برای پرداخت هزینه اتحاد و آلمان پیش بینی نموده ۷۳ میلیارد آن یعنی بیش از ۸۰ درصد آنرا از طریق مالیات غیر مستقیم از جیب مزدبگیران تامین می‌کند. تنها در سال ۹۱ مالیات بر دستمزد از ۱۸۱ میلیارد به ۲۱۴ میلیارد مارک رسیده است یعنی ۱۷ درصد زیاد شده است، در حالیکه مالیات بر داراییها از ۳۰ میلیارد به ۳۱/۵ میلیارد مارک رسیده یعنی فقط ۵ درصد اضافه شده است. ۰۰۰ دیگر وقت آن رسیده که دولت به این سیاستهای ناعادلانه خود مبنی بر کشیدن تمامی بار بر دوش مزدبگیران جامعه پایان دهد. دولت و کارفرمایان در غرب آلمان - به هر طرفی که بر میگردند صحبت از ضرورت سیاست صرفه جویی می‌کند و می‌گویند ما زبان از حد درآمدمان خرج می‌کنیم، من می‌گویم مزدبگیران هر روز زیادتر صرفه جویی می‌کنند این آقایان پولدارها هستند که باید به این روش خود پایمان ببخشند که از جیب ما خرج کنند. ما اجازه نخواهیم داد که کارفرمایان برای ما تعیین تکلیف کنند. ما می‌دانیم منظور کسانی که از سیاست تعیین دستمزد متناسب با سطح بارآوری تولید" دم می‌زنند، در واقع سیاست تعیین دستمزد نیست که برای آنها سودآور باشد. ۰۰۰ آقایان کارفرمایان آشکارا از سیاست "چرخش در تعریف" می‌گویند و هدفشان به زیر کشیدن دستمزد واقعی کارگران است. بعد از فروری سوسیالیسم موجود و یا به زبان دیگر آماده شدن زمینه برای چرخش در رود رویی با مزدبگیران و کارگران ۰۰۰ مسئله مهمی که در این جنبش اضافه دستمزد به آن فکر می‌کنند اینست که چطور می‌توان اتحادیهها را بعد از فروری سیستم رقیب در بلوک شرق تا حد مرگ، ضعیف نمود. ۰۰۰ فاصله بین بالاییها و پایینیها زیادتر میشود. در شهرهای بزرگ غرب آلمان از هر ۱۰ نفر یک نفر به صف فقرا تعلق دارد. در شرق آلمان بزودی از هر سه نفر یک نفر آن فقیر خواهد بود. هر روزه منزلت و شان انسانهایی که مجبور میشوند در اداره اجتماعی (Sozialamt) نیازمند بودنشان را به اثبات برسانند زیر پا لگد مال میشود. ۰۰۰ هر انسانی حق دارد که زندگی انسانی و آزاد از هر مضیقه و فقر داشته باشد. هر انسانی حق کار، حق آموزش و حق مسکن دارد. این حقوق روز به روز بیشتر از او گرفته میشود. ۰۰۰

کلوس سویکل نماینده دوم اتحادیه فلز نیز در ۲۵ آوریل در اجتماع پیش از ۲۰۰۰ نفر از اعضا شورای کارخانجات و نمایندگان معتمد

(۲) مایر نماینده DGB "روز اول ماه مه را سنتی خوب اعلام کرد که در آن اتحادیهها پیامشان را به اطلاع عموم میرساند و همراه با اعضای خود از هر کسی که بخواید با آنها تماس و مشترکا جشن بگیرد استقبال می‌کند. روزی که در آن اتحادیهها از محدوده مسایل خود با فراتر می‌گذارند و با کسانی پیوندی خورند که علایق و امیدها، مشکلات و نیازهای خود را با آنها در میان می‌گذارند." او بر این زمینه نتیجه گرفت که باید روز اول ماه مه ۹۲ را با اختصاص سهمی از مال خود به این انسانها خود را با آنها پیوند بدهیم. وی بصورت فردی شعار Teilen Verbindet را شعار اول ماه مه اسامی اعلام نمود.

این شعار در سطوح مختلف اعضای اتحادیه اعتراضات زیادی را موجب گردید.

اتحادیه فلز در منطقه وویرتال که به مباحثات تعرفه ۹۲ اختتامی داشت اعلام کرده بود که اتحادیه با تمام قوا بر علیه این قصد دولت مبنی بر تامین بیشتر هزینههایش از جیب مزدبگیران مبارزه خواهد کرد. اما این مبارزه فقط مبارزه اضافه دستمزد نخواهد بود. صاحبان مؤسسات بزرگ تولیدی از مدتها پیش تلاش می‌کنند که کارگران متشکل را ضعیف نمایند تا "چرخش در سیاست اجتماعی و تعرفه" ای خود را بهتر به پیش ببرند. اما اتحادیه با اجازه نخواهد داد حقوقی را که بر اثر سالها مبارزه به دست آمده، پس بگیرند. او خاطر نشان کرد که اگر کارگران از این امتحان موفق بیرون نیایند، معلوم نیست که بعدها چه چیزهای بیشتری را هم به او تحمیل کنند. وی از اعتصابات کارکنان بخش خدمات عمومی و از اتحادیهشان ÖTV در مقابل تحریکات رسانهای گروهی (که اشاره می‌کردند احماقانه است که اتحادیه بخاطر ۷ درصد این چنین هرج و مرجی را در سراسر کشور بوجود آورد) دفاع نمود اما هشدار داد که اتحادیه نباید از درصد اضافه دستمزدی که خود ابتدا تعیین کرده کوتاه بیاید. و گرنه در معرض حمله تبلیغاتی رسانها نیز قرار خواهد گرفت. در همان جلسه نامهای به حمایت از مبارزات ÖTV از جمله نوشته شد که "آنچه را که تاکنون بدست آوردیم از طرف هیچکس به ما هدیه نشده. امروزه هم وضع فرقی نکرده و ما در این مبارزه در کنار شما هستیم." نشریه اتحادیه فلز نیز که با نزدیک شدن پایان مهلت قرار داد تعرفه برای ۴ میلیون فلز کار در پایان ماه مارس، اذهان را برای طرح ۱/۵ درصد اضافه دستمزد آماده میکرد و با اشاره به سقوط سطح دستمزد واقعی فلزکاران در سال ۹۱ در غرب آلمان به میزان ۱/۲ درصد و در شرق آلمان به میزان ۲/۷ درصد، هشدار میداد که در قرار داد تعرفه سال ۹۲ این کمبود باید جبران گردد. دلایلی که از جمله در توجیه ۹/۵ درصد اضافه دستمزد آورده میشد این بود که میزان افزایش سود کارفرمایان از سالهای ۸۰ به امروز دو برابر میزان افزایش دستمزدها بوده است. اینکه در این اضافه دستمزد منطق غیر قابل انکار اقتصادی نهفته است و در آن گرانی و تورم از یک طرف و بارآوری تولید از طرف دیگر. در نظر گرفته شده. در عوض اتحادیه کارفرمایان فلز اعلام نمود که حاضر نیست به چیزی بیشتر از ۳/۳ درصد تن در دهد. در نتیجه فلزکاران با شروع اعتصابات اخطاریشان با خواست ۹/۵ درصد اضافه دستمزد و بعلاوه به حمایت از خواستههای کارکنان بخش خدمات عمومی به خیابانها آمدند. در همان هفته اول ۱/۵ میلیون کارگر فلز در غرب آلمان در تظاهرات و اعتصابات شرکت کردند. درست یک هفته قبل از اتمام مذاکرات اتحادیه فلز اعلام کرد. که از ۶ درصد حتی یگنم نیز عقب نخواهد نشست و در حالیکه آمادگی کامل فلزکاران خبر از ادامه مبارزه و شروع اعتصابات سراسریشان از ۲۵ ماه مه میداد اتحادیه فلز در روز ۱۸ ماه مه اعلام نمود که بر سر قراردادی ۲۱ ماهه با ۵/۸ درصد اضافه دستمزد برای سال ۹۲ و ۳ درصد برای ۹ ماه سال ۹۳ به توافق رسیدند. نکتهای که در نتیجه مذاکرات، فلزکاران را بسیار برآشفته نمود و سبب نامه‌های اعتراضی فراوانی به نماینده اول اتحادیه گردید، مدت ۲۱ ماهه اعتبار این قرار داد بود. نکتهای که طی سالها تجربه مکررا" بر آن تاکید میشد و آن اینکه "نبايد اجازه داد که کارفرمایان مهلت قرار داد را فراتر از یکسال تعیین کنند. سه درصدی که برای سال ۹۳ در نظر گرفته شده. اگر چه بهایی است که اتحادیه برای کم شدن یکساعت از کار کارگران به آن تن در داده ولی ما فقط دست خود را با این سه درصد بستیم، در حالیکه اصلا" نمی‌توانیم میزان گرانی و تورم سال آینده را پیش بینی کنیم، چه بسا که این اضافه دستمزد تا فنیگ آخر آن تحت الشعاع تورم خنثی گردد. ۰۰۰

از طرف دیگر تعیین اضافه دستمزد بصورت درصدی و نه پیشنهاد مبلغ معینی پول، هیچگاه برای مزدبگیران رده‌های پایین شغلی جوابگو

ساعت کار در هفته، مخالفت با Deregulierung و بر علیه کمبود مسکن بود.

لازم به تذکر است که Deregulierung حرف رمزبست که برای پس گرفتن تمامی حقوق اجتماعی، اتحادیه‌های و سیاسی که شمره سالها مبارزه مزدبگیران است، بکار می‌رود. در اقدامی که توسط دولت در ۲۴ یونی امسال صورت گرفت، مقرر شد که کارفرمایان حق دارند دستمزد و مقدار پولی که برای تعطیلات پرداخت می‌شود و یا مدت تعطیلات را در صورت بروز "شرایط اضطراری" پایینتر از حد توافق اتحادیه کارگری و کارفرمایی بکشند. مثلاً "حالتی از این شرایط زمانبست که اعتصابات غیر قانونی در می‌گیرد. بعلاوه قرار است که در تاریخ ۱۷ یولی دولت Kohl تعهد خود را نسبت به ماده ۹۶ سازمان بین‌المللی کار پس بگیرد که زیر آثرا همراه ۱۵۰ کشور دیگر امضا کرده است. این ماده تاکنون این کشورها را موظف می‌کند که ارائه کار به جویندگان کار در محدوده وظایف ازگانه‌های دولتی باقی بماند و برای جوینده کار هزینه‌های در بر نداشته باشد و به واسطه‌های خصوصی اجازه چنین فعالیت‌هایی داده نمیشد.

بحثی که در هفته گذشته در هیئت دولت بالا گرفته بود یعنی Karenztag مربوط به حقوق دوره بیماریست که طبق قانون کار تا ۶ هفته بیماری، دستمزد کامل پرداخت می‌شود. حقوق دوره بیماری شمره ۱۶ هفته اعتصاب و مبارزه سالهای ۵۶ و ۱۹۵۷ است. در صورت تصویب این قانون ("حقوق روز اول بیماری پرداخت نشود و یا اینکه بجای آن یکروز از تعطیلات فردی که بعلت بیماری سر کارش حاضر نشده حذف گردد") اجرای آن برای سال ۹۶ در نظر گرفته شده است. اتحادیه فلز دولت را در صورت تصویب آن به تجربه پاییزی داغ تهدید کرد. روز سوم بولی بیش از ۱۰۰ هزار فلز کار در مهلت استراحتشان بر علیه این اقدام دولت یا تظاهرات کردند، یا به دو ساعت اعتصاب اختطاری دست زدند و یا بدور هم گرد آمدند و اعتراضشان را در ایالت‌های Baden-Württemberg, Niedersachsen, Nordrhein Westfalen نشان دادند. بعلاوه ۴۰ هزار تن از کارگران ۵ کارخانه فولکس واگن VW مخالفت خود را با حمل‌شماره‌های بر علیه حکومت KOHL ابراز نمودند. این اعتراضات از آنجا که بیرون از محدوده موضوعات قرارداد تفرقه و علیه قوانین مصوبه دولت صورت می‌گیرد جنبه‌های سیاسی داشته و از نظر قانون اساسی، اعتصابات سیاسی و در نتیجه غیر قانونی بشمار می‌رود. تاکنون حکومت KOHL از عکس‌العمل در برابر این اعتراضات خودداری کرده و پای قوای انتظامی را به میان نکشیده است.

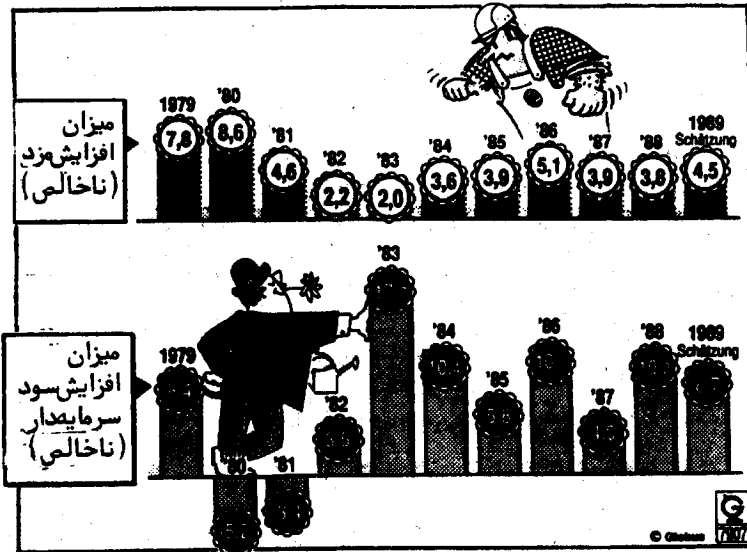
هزینه‌هایی مثل مالیات بر مصرف، هزینه‌های روز افزون دوا و درمان و بیمه و گران شدنهای دائمی نخواهد بود. نتیجه اینکه فلزکاران با خود را به اتحادیه‌شان بعنوان مدافع حقوق خود رفته رفته از دست می‌دهند. بنا به دلایل ذکر شده عده‌ای از نمایندگان معتمدین صنعت فلز در برنامه‌ای با رد نتیجه مذاکرات خواستار ایجاد دمکراسی بیشتر در اتحادیه فلز، یعنی لزوم شرکت وسیعتر توده‌های اتحادیه در تصمیم‌گیری و اعطای کارآیی قانونی به معتمدین و شرکت دادنشان در مذاکرات قرارداد تفرقه و بالاخره در نظر گرفتن نیازهای واقعی و مولفه‌های اجتماعی و تعیین اضافه دستمزد از طرف اتحادیه شدند.

صد هزار کارگر چاپ که خواهان ۱۱ درصد اضافه دستمزد بودند (در برابر پیشنهاد ۳/۲ درصدی کارفرمایان) به دنبال یک هفته اعتصابات اختطاری با توافق اتحادیه‌شان بر سر ۵/۸ درصد اضافه دستمزد به اعتصاب خود پایان دادند. شرحی که در زیر می‌آید خلاصه گفتگویی است که در یک تجمع اعضا "اتحادیه بین اعتصابیون در گرفت؛ ابتدا یکی از همکاران حاضر در جلسه، گفت که توافق اتحادیه فلز (۵/۸ درصد برای ۹۲ و ۳ درصد برای ۹۳ یعنی روی هم رفته ۴/۴ درصد برای مدت ۲۱ ماه به همراه کاهش یک ساعت کار در هفته) خیانت به کارگران چاپ است. همکار من تر او اظهار داشت از زمانی که او کار می‌کند یعنی از اوایل سالهای ۵۰ تاکنون در همه اعتصابات شرکت داشته است. اما نمی‌فهمد که چرا نباید اعتصاب کارگران خدمات عمومی، کارگران فلز، کارگران چاپ و کارکنان بانکها در یکزمان و با هم صورت بگیرد و چرا مبارزات تکه تکه و جدا از هم است؟ بقیه هم که این حرف او را تایید می‌کردند گفتند که نمی‌فهمند چرا وقتی که آنان در اینجا دست از کار می‌کشند در محل چاپ روزنامه اشتوتگارت کار همچنان جریان دارد. چرا ما همکاری مشترکمان و رد و بدل اطلاعات را به یکدیگر بهیچ‌سود بخشیم. حتی همینجا در کارخانه خودمان هم زنان قسمت بسته بندی و ارسال را در بخش فروش کارخانه از ما جدا کردند تا اعتصابمان را تضعیف کنند...

(و من در همینجا پرنانتری باز می‌کنم و می‌پرسم که چرا نباید مبارزات افزایش دستمزد که خواستی مشترک در شرق و غرب آلمان است، مشترکاً انجام گیرد؟ مگر نه اینکه قدرت کارگران در اتحادشان است) یک نفر دیگر از حاضرین به توضیح این نکته پرداخت که امروزه با بکارگیری کامپیوتر و وسایل الکترونیک، سرمایه‌داران و کارفرمایان ارتباطات بین‌المللی دارند، پس مبارزه ما نیز موفق پیش نخواهد رفت مگر اینکه همکاری عملی مشترک بین اتحادیه‌ها و همبستگی بین‌المللی فزاینده از مرزهای کشورها برقرار گردد.

حرارت بحث زمانی بالا رفت که یک نفر این سؤال را مطرح کرد که اصلاً "اعتصاب برای دستمزد بیشتر دیگر معنا و مفهومی دارد؟ آیا نباید در درجه اول با گران شدن و بالا رفتن مالیاتها مبارزه کرد؟ اکثریت قریب به اتفاق حاضرین نفی لزوم مبارزه برای دستمزد را رد کرده و استدلال می‌کردند که قیمتها و مالیاتها در هر صورت اضافه خواهند شد. بعلاوه بر لزوم اعتصاب و مبارزه بر علیه این سیاست دولت که سنگینی بار هزینه‌های جامعه را بر دوش افراد رده‌های پایین اجتماعی قرار میدهد تاکید شد. آخرین همکاری که صحبت کرد، خاطر نشان نمود که باید تجربه بدست آمده در این دور از مبارزه را در دور بعدی بکار گرفت. باید با همکاران خود بحث و تبادل نظر نمود و آنانی را که امسال با ما در اعتصاب همراهی نکردند برای شرکتشان در دور بعد قانع نمود.

اول ماه مه در فرانکفورت با شرکت ده هزار نفر برگزار شد. شعاری که از جمله بر پرچم اتحادیه‌ها جلب نظر می‌کرد شعار ۳۵ -





تقسیم عادلانه!

اول ماه مه در هانوفر با حدود ۲۰ هزار نفر با شعارهای اضافه دستمزد، برکناری حکومت KOHL و حذف موشک جنگی Jäger 90 برگزار گردید. سخنرانان هنگامی که بر علیه سیاست ضد کارگری انداختن سنگینی بار هزینهها بر دوش مزد بگیران و لزوم ادامه اعتصاب کارکنان خدمات عمومی تا رسیدن به خواستههایشان سخن گفتند مورد تشویق شرکت کنندگان در مراسم قرار گرفتند. اما تأیید برگزاری ناپسگاه جهانی EXPO 2000 با سوت و سخره حاضرین مواجه شد.

انجمن کارگران تبعیدی واحد هانوفر نیز همچون چند سال گذشته بر مبنای اهداف اعلام شدهاش (یعنی: حساس نمودن و جلب افکار جامعه کارگری و اتحادیهها به مسائل و مشکلات کار و زندگی کارگران ایران که خود منتج از حضور عملی و فعال در این جوامع میباشد و شرکت در مبارزات جاری جهت ابراز همبستگی عملی با این مبارزات) اسامی نیز در حد امکانات خود در حمایت از خواستههای شخص اعتصابیون، اعلامیه حقوقی کارگران ایران و لزوم مبارزه مشترک کارگران آلمانی و غیر آلمانی در تظاهرات اول ماه مه شرکت کرد. به علاوه میزی نیز از طرف DGB به انجمن داده شد و این برای مسامحانه بود که علیرغم یاری نکردن هوا و نداشتن چادروسرپناه، بهتر از سالهای گذشته توانستیم پیامان را به گوش شرکت کنندگان در مراسم برسانیم. اطلاعاتی در حمایت از اعتصاب کارکنان خدمات عمومی، قطعنامههای اعتراضی چند اتحادیه از کشورهای اطریش، انگلیس، آمریکا، کانادا و فرانسه که نبود حق تشکل مستقل و حق اعتصاب و قانون ارتجاعی کار و اعدام کارگران مبارز را محکوم کرده بودند در مجموعه‌ای تحت عنوان "اتحادیهها بر علیه حکومت اسلامی" به همراه اسامی ۵۴۶ تن از کارگران اعدامی در معرض دید شرکت کنندگان در تظاهرات گذاشته شد. جزوات و اعلامیههایی "دربارۀ خانه کارگر جمهوری اسلامی" گزارشی از زندگی و کار و مبارزه جامعه کارگری ایران"، و اخبار دو اعتصاب

اخیر کارگران صنعت نفت در ایران نیز در اختیار علاقمندان آلمانی قرار گرفت.

بعد از ظهر همانروز هم جشن ماه مه با همیاری و همکاری دوستان کمیته همبستگی در جمع ایرانیان علاقمند برگزار شد. توره این فعالیت مشترک: "بیانیه اول ماه" و "فرازهایی از مبارزه کارگران ایران در سال ۱۳۷۰" (که در همین شماره نشریه به چاپ میرسد) بعلاوه پیام اول ماه مه به زبان آلمانی خطاب به کارگران و اتحادیهها و ارسال آن برای نشریات کارگری و نشریات انقلابی، که در چندین نشریه نیز به چاپ رسید.

امضا: س

### فرم اشتراك نشریه

برای اشتراك نشریه کارگر تبعیدی با آدرس زیر تماس بگیرید:

آدرس متقاضی

نام:

آدرس:

شهر:

کشور:

Verein der Iranischen  
Arbeiteremigranten  
u. Flüchtlinge  
Am Judenkirchhof 11 C  
D- 3000 Hannover 1

#### حق اشتراك سالانه

برای ۶ شماره در آلمان ۱۵۶۰ مارك

- سایر کشورها ۱۶۸۰ مارك

تمام قیمت ها با محاسبه هزینه پستی است.

بهای اشتراك خود را به شماره حساب زیر واریز و رسید آنرا به آدرس بالا ارسال کنید:

شماره حساب: KONTO Nr. 3404160

کد بانکی: B.L.Z 53051396

Kreissparkasse Badsoden-Salmünster  
W, Germany

## از شوراهای اسلامی چه خبر؟

خبر این است، مجمع نمایندگان کارگران مناطق ۲۰ گانه کارگران شهرداری تهران برای بازگویی خواسته‌های کارگران بیدار معاونت اداری مالی شهرداری تهران رفتند.

موضوع اصلی این است که پس شورا و جامعه اسلامی در شهرداری چه بروزشان آمده و چگونه است که رژیم حاضر به پذیرش انتخاب نماینده در شهرداریها شده است و از شوراهای در این بخش چشم پوشیده است. آنها که به نحوه کار شهرداریها آشنائی دارند بخوبی به سرکشی کردن مردم از طرف مأموران شهرداری آشنائی دارند و نقش "نایبها" را در شهرداری بیاد می‌آورند. صرفنظر از نزدیکی کلان در سطح شهرداری و مسئولین بالای شهرداریها و زدوبند آنان با پیمانکاران عمده و غیره، به خوبی می‌دانیم که علم کردن گروهی به نام انجمن و شورا و جامعه اسلامی در شهرداریها اصولاً به نفع کارمندان عالیرتبه شهرداری نمی‌باشد. چرا که حداقل قضیه این خواهد بود که انجمن و یا شورای اسلامی در ظاهر برای فریب کارگران زحمتکش بایستی به ظاهر نقش پاک و منزه به خود گیرند و این طور وانمود کنند که با هر گونه فساد و دزدی - مخالفند ولی در شهرداری با توجه به مزد پائین، کارمندان ناچار می‌شوند که از طرق دیگر کمبود درآمد خود را جبران کنند و این دیگر برای همه مردم مشخص است چه در رژیم شاهنشاهی و چه در رژیم ملا شاهی که گرفتن جواز ساختمان، جواز مغازه، سند پایان کار، اجازه کار تعمیرات ساختمانی هر کدام قیمت خاصی دارد و بایستی مأموران شهرداری را دید. حال اگر همین مأموران بخواهند برای فریب کارگران در پز به ظاهر اسلامی هم حرکت کنند اصولاً برایشان نمی‌صرفد و مسئولین شهرداری بهتر میدانند که اصولاً فاتحه اسلام و شورا و جامعه اسلامی را در شهرداری بخوانند و خودشان را از این قیودی که

اساسنامه‌های شوراهای اسلامی بدانها تحمیل می‌کند آزاد کنند و برای بهتر سرکشی کردن مردم در این بخش کارگری این تشکلات فرمایشی را به کناری بگذارند. اما ناچار شده‌اند راثر فشار کارگران و مبارزات آنان قبول کنند که در شهرداریها کارگران نماینده‌ای جهت بازگو کردن مسائلشان انتخاب کنند و جمع نمایندگان ۲۰ گانه شهرداری، از خود هیئت مدیره‌ای داشته باشد که دبیر آنها بازگو کننده مسائل کارگران باشد. ما اطمینان داریم که بر اثر فشار و مبارزه کارگران در آینده شاهد از- بین رفتن شوراهای اسلامی در کارخانجات مختلف و انتخاب نمایندگان کارگران خواهیم بود.

### درخواست مجمع نمایندگان کارگران شهرداری تهران برای رفع مشکلات مطرح شد

کارگران مناطق ۲۰ گانه و سازمانها و ادارات تابعه شهرداری تهران مطرح شد که اهم این مشکلات نیز عبارتند از: ۱- عدم پرداخت پاداش ۶ ماهه اول سال جاری علیرغم تاکید مکرر شهردار محترم تهران به کارگران شغل در واحدهای مختلف حوزه معاونت فنی و عمرانی پس از گذشت نزدیک به ۱۰ ماه از سال جاری ۲- عدم تصویب و اجرا آیین‌نامه جدید مشاغل کارگری با وجود اجرا طرح طبقه‌بندی از اواخر سال ۱۳۶۶.

بخش اقتصادی - در دیدار اعضاء هیئت مدیره مجمع نمایندگان کارگران شهرداری با معاونت اداری مالی شهرداری تهران برخی از خواسته‌های کارگران مطرح شد.

به گزارش دبیر مجمع نمایندگان کارگران شهرداری تهران، اهم درخواستهای مطرح شده در این دیدار عبارت بودند از: ۱- اعطای وام ضروری به کارگران ۲- پرداخت تفاوت ناشی از اجرای طرح طبقه‌بندی

رسالت - ۷۰/۱۰/۲۳

## "روابط اقتصادی با وجود نقض حقوق بشر در ایران - اعتراض در پوتسدام و برلین"

متن زیر ترجمه یکی از گزارشهایی است که در روزنامه Neues Deutschland آلمان نوین، شماره ۱۷، بولی ۹۲ به دنبال تظاهرات بر علیه سفر ولایتی در برلین، به چاپ رسید.

### "وزیر خارجه ایران از برلین گریخت"

حمید رضا آرست تا عبدالله بیوسه ۵۴۶ تن از کارگران ایرانی هستند که توسط رژیم ج ۱۰۰۰ اعدام شدند. این لیست توسط انجمن کارگران تبعیدی در مقابل شهرداری سرخ برلین پخش شد.

با شعار "دیپلماسی آلمان، حامی آدمکشان ایران" حدود ۵۰ ایرانی مقیم برلین و چند تن آلمانی تظاهراتی ناگهانی در اعتراض به سفر ولایتی وزیر خارجه ایران برگزار کردند.

براساس اظهارات تظاهر کنندگان پلیس آنان را مورد حمله قرار داد. علیرضا اصغریان یکی از شرکت کنندگان در تظاهرات توسط پلیس بر روی زمین کشیده شد. رها و مین از اعضا "کمیته زنان بر علیه اعدام در ایران" لگهای کبود دست و موهای کنده شده خویش را به ما نشان دادند. فرمانده عملیاتی پلیس حمله به این تظاهرات آرام را که بگفته او "غیر قانونی و اعلام نشده بود"، توجیه نمود.

همزمان با این تظاهرات ولایتی سفرش را قبل از موعد مقرر متوقف نمود و با لیموزین ضد گلوله‌اش به فرودگاه تگل برلین گریخت. اتوموبیل اشرافی وی صبح همین روز در مقابل قصری در پوتسدام بوسیله تخم مرغ و سنگ و بطری خالی آسیب سطحی دیده بود. دو ایرانی که به گفته

خودشان از هواداران سازمان مجاهدین هستند در تلفنی به خبرگزاری dpa مسئولیت این عمل را به عهده گرفتند.

ولایتی پس از مذاکرات با کهل صدراعظم آلمان و کینکل وزیر امور خارجه در بن برای گفتگو با نخست وزیر ایالت بورگ به پوتسدام رفت.

آقایان در مورد سرمایه گذارهای ایران در کارخانه‌های تأثیر سازی Pneumant Furstenwald در فورستن‌والد، کارخانه

تهیه آبیوه در Werneuchen و همچنین کارخانه ساخت جرتقیل TAKRAF در Eberswalde ابرز والده و تولید پیولاد در Eisenhüttenstadt بشرط آنکه کروپ در آنجا حاضر به سرمایه

گذاری باشد، به توافق رسیدند.

حال جای تردید است که دو فعال سندیکا لیست ایرانی به نامهای زاهد منوچهری و سعید ساعدی که در زندانهای ایران بسر می‌برند از این توافقات راضی باشند. دو سال پیش اتحادیه سراسری کارگران اتریش ÖGB بر علیه سرکوب و تعقیب فعالیت سندیکایی و اعدام سندیکالیستهای ایرانی به سفارت ایران در اتریش اعتراضی نموده است.

تظاهر کنندگان در مقابل شهرداری سرخ، دولت آلمان را متهم نمودند که بنا به محاسبات اقتصادی از دولت رفسنجانی بعنوان "دولتی میانسه رو

و نوگرا" استقبال نموده است در حالیکه این دولت براتب بدتر از رژیم شاه سیاست ترور و سرکوب را اعمال میکند.

ترجمه از انجمن کارگران تبعیدی برلین

## گزارش از شرکت سهامی خاص پوشند

از صفحه ۱

کارخانه و افزایش تولیدات آن چرخهای پیشرفته از فرانسه وارد کردند و جای دوخت کت و شلوار را دوخت شلوارهای مدل فرانسوی گرفتند. و به موازات آن شیوه کار طوری است که هر کارگر قسمتی از کسار را انجام می دهد به این ترتیب کارها با سرعت بیشتری انجام می گیرد. بقول معروف شکل کار زنجیرهای است. شلوارهای برش شده داخل جعبههایی قرار گرفته، روی خط (تسمههایی که در حرکتند) قرار می گیرند و خط تولید روشن می شود. در کنار خط تولید دستگاههایی که قسمتهایی از کار را انجام می دهند قرار گرفته است. در عرض کمتر از یک دقیقه جعبهها به دست دوزنده می رسد و دوزنده موظف است که در آن یک دقیقه کار مربوط به خود را با دقت و سرعت انجام داده و شلوارها را درون جعبه انداخته تا تولید متوقف نگردد. در غیر اینصورت شلوارها تلمبار شده و خط تولید متوقف می گردد. هرچه سرعت خط بیشتر میشود کارگر مجبور است سریعتر کار کند و عملاً کارگران به جزئی از ماشین تبدیل می شوند، آنقدر با سرعت کار می کنند که لحظهای فرصت برای نگاه کردن به اطراف خود را نمی یابند، چون باید چهار چشمی مواظب دستان خود باشند تا زیر سوزن و دستگاه نرود. اگر کارگر لحظهای غفلت کند ناگهان دستش زیر سوزن مانده و سوراخ می شود. وقوع چنین حوادثی در کارخانه عادی است. چون بلافاصله تنها کاری که می کنند کارگر را به اتاق کوچکی می برند که در آن یک شیشه ساوین و مقداری چسب زخم قرار دارد. چسبی بروی زخم گذاشته و کارگر را بدون اینکه استراحتی بکند، مجدداً به سرکارش باز می گردانند. در کنار خط تولید همیشه تعدادی کارگر وجود دارد که کارهای متفرقه را انجام می دهند این کارگران آموزشهای لازم برای کار با دستگاهها را قبلاً فرا گرفتند هر وقت برای کارگری مسلطای پیش می آید و مجبور می شود چند دقیقه ای محل کار خود را ترک کند، این کارگران راپشت دستگاه می نشاندند، تا خط تولید متوقف نگردد. کارفرما این کارگران را برای چنین مواقعی و بویژه زمانی که کارگران غیبت می کنند و یا به دلالی به مرخصی می روند، آموزش داده است. در فواصل کار نیز کارگران بجز برای خوردن یک لیوان چای آن هم بعد از ده دقیقه فرصت هیچگونه استراحتی را ندارند. تولید روزانه به طور نرمال ۲۵۰ عدد شلوار می باشد اما کارفرما با افزایش سرعت تسمه های خط و از سوی دیگر با پرداخت مبلغ ناچیز برای اضافه تولید (ماهانه کمتر از ۴۰۰ تومان) تولید روزانه را به ۴۵۰ عدد شلوار افزایش می دهد کارفرما با چنین شیوههایی کارگران را به شدیدترین شکل استثمار می کند کارخانه فاقد هر گونه امکانات بهداشتی محیط کار است. به همین دلیل اکثر کارگران به خاطر آلوده بودن هوای سالن کارگاه به پسرز پشم پارچهها که در هوا معلقند، دچار بیماریهای تنفسی، ریوی و رمانتیسمی می شوند. حتی هواکشی برای تصفیه هوا وجود ندارد. در طول ۸ ساعت کار تمام دربهای سالن بسته است و کارگر مجبور است به مدت ۸ ساعت این هوای آلوده را تنفس کند. از دیگر بیماریهای رایج در بین کارگران آرتروز کردن بخاطر پائین بودن مقاوم سرکارگران بروی چرخها، ضعیف شدن چشمها و دیسک کم می باشد. از رستوران و غذا در کارخانه خبری نیست، به همین دلیل کارگران باید غذای خود را شبها در خانه آماده کرده و فردا ظهر آن را در فرصت کوتاهی (نیمساعت) که برای خوردن نهار به کارگران داده می شود صرف کنند. در عرض نیمساعت کارگر باید غنایش را گرم کرده بخورد، ظرف آن را شسته و چای را داغ داغ روی غذا، با عجله بنوشد. بعد از نیمساعت بلافاصله بوق کارخانه بصدا در می آید و کارگر بدون اینکه

استراحتی کرده باشد به سرعت باید به سالن کار برگردد. حتی کارگران از داشتن سرویس برای رفت و آمد به محل کار محرومند. کارگر مجبور است مسافتی طولانی را با بچهای که در بغل دارد، در سوز سرمای زمستان و گرمای تابستان ببیند. به همین دلیل اکثر کارگران یا بیست دقیقه تاخیر کارت می زنند این تاخیرها در طول ماه حساب شده، حتی ۵ دقیقه آن از حقوق کارگران به عنوان دیرکرد کسر می شود. اکثریت کارگران شرکت بجز ده نفر را، زنان و دختران جوان تشکیل می دهند. میانگین سنی آنها ۲۸ سال می باشد. دختران جوان برای کله به خانواده و یا سرو سامان دادن به زندگی آینده (تهیه جهیزه) و زنان برای کله به همسرانشان درتأمین حداقل زندگی، مجبورند نیروی کارشان را به نازلترین قیمت بفروشند به همین دلیل و بویژه به خاطر زن بودنشان حداقل دستمزد به آنها پرداخت می شود. اینها از حداقل امکانات بهداشتی، ایمنی، و سایر امکاناتی که در اکثر کارخانهها وجود دارد برخوردار نیستند. بطور کلی قانون کاری که فعلاً مرسوم است در اینجا اجرا نمی گردد. حداکثر دستمزد کارگرانی که ۱۰ سال سابقه کار دارند ۲۰۰ تومان می باشد و کسانی که ۵ سال سابقه کار دارند ۱۱۲ تومان دریافت می کنند. کارگران تازه استخدام شده نیز پایه حقوقشان مبلغی است که دولت تعیین می کند. از عیدیهای تصویبی جمهوری اسلامی نیز خبری نیست. هر سال عید کارتهایی به قیمت ۱۵۰۰ تومان به کارگران به عنوان عیدی می دهند که کارگر فقط می تواند از تعاونی کارخانه خرید کند. به این شکل کارفرما هم اجناس بنجل را به کارگران می فروشد و هم پول عیدی کارگران را به جیب می زند. طی سالیهای اخیر اعتراضات متعددی علیه شرایط غیر انسانی کار صورت گرفته است که شکل اعتراضات خوبودی داشته است. مثلاً وقتی کارگران در غنا خوری یا در محافل دوستانه جمع می شدند، راجع به مشکلات خود بحث می کردند، و راجع به کمبودها تصمیم می گرفتند تا در مجمع عمومی که هرچند وقت یکبار برگزار می شد مطرح کنند. یکی از این اعتراضات بخاطر دفاع از کارگری بود که بجرم اختلال در امر تولید و بی انضباطی در کار (اختلال در کار تولید یکی از اشکال مبارزات منفی کارگران می باشد) در سال ۶۶ اخراج شده بود، کارگران برای بازگرداندن کارگر اخراجی دست به اعتصاب می زدند. این اعتصاب ۴ ساعت ادامه می یابد و با دخالت پاسداران و هجوم آنها به کارخانه و تهدید کارگران به اخراج، اعتصاب شکسته می شود. اما کارفرما نیز مجبور میشود کارگر اخراجی را به سر کارش برگرداند. مورد دیگر، اعتراضی به لباس کار بنجلی بود که به کارگران می دادند. کارگران ضمن اعتراضی جمعی از تحویل گرفتن لباسها خودداری کردند. به طوری که کارفرما مجبور شد لباسهای بهتری به کارگران بدهد. چندین مورد نیز اعتراضی حول افزایش دستمزد صورت گرفته است. اما کارفرما به بهانه نوپا بودن کارخانه و ورشکستگی و تهدید به اخراج و بیکارسازی کارگران از توجه به آن سرباز زده است. تحمیل خرید میز و صندلی برای غذاخوری (قبلاً کارگران روی زمین می نشستند و غذا می خوردند) و همینطور خرید تخت برای کودکان شیرخوار کارگران، از جمله خواستههایی بود که کارگران به آن دست یافتند. کارفرما نیز در مقابل با شناسایی و اخراج کارگران پیشرو سعی کرده اعتراضات کارگران علیه شرایط غیر انسانی کار را سرکوب نماید. بطوری که معمولاً طی سال چندین کارگر پیشرو شناسایی و اخراج می شوند. با همه اینها مبارزه همچنان ادامه می یابد. بویژه که در چنین شرایطی کارگران به مبارزات منفی روی می آورند. مثل خراب کردن دستگاهها، شکستن سوزنها، کم کاری و ... که منجر به توقف خط تولید و درگیریهایی بین کارگران و سرپرستان می گردد.



## نقطه نظرات و تجربیات يك كارگر سياسی

نوشتن اعلامیه عليه رژيم و به نفع كارگران بوديم. آن زمانه كتاب اقتصاد نيكي تين تازه انتشار يافته بود و ما هر دو آنرا مطالعه ميكرديم و به "تئوري ارزش" يي برده بوديم. اعلامياتي بر همين اساس نوشتيم و پخش كرديم، چون اعلاميه حاوي محاسبه سرانگشتي از كارخانه بود در همانجا پخشاش نموديم. سپس به فكر مخفي كاري و مسئله دست خط و اثر انگشت و غيره افتاديم. بهمين خاطر به دنبال امكاناتسي براي تكثير، كه خطرات را کاهش دهد افتاديم.

از همان بدو ورود به كارخانه روحيه مبارزه جوشي و اعتراض شديداً در من عمل مي نمود. براي كار كردن در قسمتهای ديگري ما را به بيگاري ميبردند. يعني تا كار قسمتي كه در آن كار ميكرديم تمام ميشد، بلافاصله ما را براي بيگاري ميبردند. بيش از بيگار به اين كار تن در ندادم. بهمين دليل با مديريت قسمت درگير شدم. پس از آن با ساير كارگران صحبت كردم كه اين كارها وظيفه ما نيست و نيز در مورد برخي مسائل رفاهي هم با آنها به بحث و گفتگو ميپرداختم. آنها فكر ميكرند عليرغم اينكه درست است ولي نميتوان به چنين خواستهاي دست يافت. بالاخره اعتصابي براي اضافه دست مزد آغاز شده و بالا گرفت، مسئله سود ويژه هم بيكي ديگر از خواستها تبديل شد. در اين مقطع بگونهای خود به خودي و ناگاه نسبت به تجارب ساير كارگران ايران و جهان با چند تن از كارگران صبحها قبل از شروع كار گرد هم جمع ميآيم و نقشههاي لازم را مورد بحث و گفتگو قرار ميديديم و مبتني بر نتايج بدست آمده، تقسيم كار کرده و هر كه در قسمت خوش حضور مي يافت و وظائف خوش را يي ميگرفت، و طی روز هم تمامی کارهای ضروری جدید و نیز اخبار گوناگون از قسمت را بلافاصله بهديگر اطلاع ميديديم. بالاخره اعتصاب با موفقيت كامل پايان پذيرفت و برخي خواستهای رفاهي قسمت ما هم پذيرفته شد و اين موضوع تاثير بسيار خوبي در مناسبات ما گذاشت. زيرا كه تازه آنها دريافتند كه خيلي چيزها را با زور ميتوان گرفت، با مبارزه بايد جلو رفت و با خواهش و تني كار از پيش نخواهد رفت. و ما نيز بعداً " يي برديم كه اجتماع مخفي و محدود ما جهت سازاندهي اعتصاب همانا كميته اعتصاب بوده است. بهرروي طرحهای عملي ارائه شده منجر به موفقيت و دلگرمي كارگران شد و اعتماد خيلها به رهبران غيرمشخص و نيمه مخفي جلب گرديد. از آن پس با بسياري از كارگران رفت و آمدهاي فعالتري پيدا كردم. خيلي از كارگران در مورد مشكلات خود و خانوادههايشان به درد دل و مشورت ميپرداختند. و نيز مبادله كتاب طی پروسهای بيك امر عادي مبدل شد، كتابهاي مختلفی را هر كس ميخواند و بر سر مضمونش به بحث ميپرداختيم. و اهـ

نكتهاي نه جالب ولي، در عين حال فراموش نشدني را براي تان بگويم: سر از پا نميشناختم، بهر نري ميزدم تا چيزي ياد بگيرم و يا چيزي ياد دهم. پس از مطالعه كتاب اقتصاد نيكي تين با مفهوم و رابطه ارزشي، ارزش اضافه، كار اضافي و كار لازم، مزد و بها و سود و استثمار آشنا شده و هر روز به محاسبه ميپرداختيم. بالاخره با چند تن از كارگران رابطه بسيار خوبي پيدا کرده و هر روز بجز در كارخانه در منزل به بحث و گفتگو مي نشستيم. آنچنان بحثهاي مذبور مورد قبول واقع شده بود كه دو تن از كارگران مدتها در فكر بودند كه "چه بايد كرد؟" بالاخره روزي يكسري مسائل را طرح كردند و قاطعانه به نتايجي كه رسیده بودند جامعه عمل پوشيدند. فكر ميكنيد چكار كردند؟ تشكلات برزند؟ اعلاميه نوشته توزيع کنند؟ و يا ... هان چه فكر ميكنيد؟

نه هيچيك از اين تصميمات را نكرفته بودند، ولي در عين حال تصميم گرفته بودند كه از آن پس اجازه ندهند كسي آنها را استثمار

دنيازه ارسفحه ۱

اناري - دادگاه و زندان و سند ساختمان، ... آنها را يي ميگرفت ما هميشه شاهد بوديم كه بستگمانی كه رعايا بودند محكوم و مجرمند و به زندان افكنده ميشوند. ولي آن زمانه دركي از مبارزه نداشتيم. در همان دوران فقر را با تمام وجود احساس ميكردم. روزي را كه پس از تعطيلات عيد نوروز - زمانيكه كلاس هفتم بودم - راهي مدرسه شده بودم و چند تن از همكلاسيهايم كه مرا مسخره ميكرند و به يقينه پيراهن من ميخنديند هرگز فراموش نميكنم. آن روز از تمام فتودالها و اربابان نفرت عجيبي پيدا كردم زيرا كساني كه مرا به مسخره ميگرفتند عمدتاً " بچه فتودالها بودند و شايد هم مرا كاملاً" مي شناختند. آري، عليرغم آشنائي و درك مسئله فقر و بيچاري، ولي هرگز به رهائسي از فقر و فاقه اجتماعي نمياندشيديم. به كتاب علاقه مند شدم و به مطالعه آثار هدايت، چوبك و اشعاري از نيبا و اخوان، فروغ و شاملو، شفا و ... روي آوردم. گاهي اوقات كتابها را آينه اوضاع اجتماع پيرامون ميديدم. سپس با آثار صمد بهرنگي آشنا شدم و جملكي را با تمام وجود ميخواندم. به خيلي از دوستانم توصيه ميكردم كه اين كتابها را بخوانند. در همان دوران مجالس بزرگداشت جهان پهلوان تختي برگزار ميشد، من در اين مجالس و تظاهرات شركت فعال داشتم. رفته رفته در خود كينه و نفرتي عميق نسبت به رژيم شاه احساس مي نمودم. كتاب مادر گوركي را در سالهاي ۴۹-۴۸ بود كه خواندم و برادرم در موردش يكسري توضيحاتي براي من داد. بيشتر از هر كس زندگي كردن را از وي آموختم. برادرم در مورد خيلي مسائل براي من صحبت ميكرد و خيلي چيزها به من ياد داد. در همان دوران چند تن از همشهرهاي ما به جوخههاي اعدام سربه شدند كه بسي درروحيه من مؤثر و كينام را فزوني بخشيد. خلاصه بطور اتوماتيك و خود بخودي به ميلغي فعال عليه رژيم مبدل گشته بودم. محافل وسيعي ايجاد و يا رابطه برقرار کرده بوديم. البته تمامی محافل مذکور صرفاً "ند رژيم شاه بوديم ولي هيچگونه ايدئولوژي و يا سياست خاصي دنبال نميكرديم. بيشتر بحثهاي ما راجع به بي عدالتي و ظلم و ستم موجود از جانب رژيم و غيره بود. انشاهای تند و تيزي همراه دوستانم، هر كس در باب خاصي مي نوشتيم. و سر كلاس ميخوانديم. پس از مرگ صمد انشائي درباره صمد و هدايت و عليه سانسور براي امتحان نوشته بودم كه خيلي دلم ميخواست سر كلاس قرائت كنم. ولي متأسفانه معلم انشا روز بعد مرا صدا زد و گفت " پسر جان كلمات بوي قرمه سبزي ميدهد، ديگر از اين انشاهای ننويس، بتو نمره بيست دادم و انشا را سوزاندم". يكسري كارهاي هم با كلك دوستان انجام ميديديم. بعنوان مثال قاب عكسهاي داخل مدرسه را كه شامل عكس شاه، فرج و ... بود يواشكي پائين كشيده و نابود ميكرديم.

پس از پايان خدمت سربازي، در يكي از شركتهای جنوب بكار مشغول شدم و از آنجا به شهر ديگري و به كار نجاري مشغول شدم. سپس به تهران آمده و در يكي از كارخانجات كاري دست و پا کرده و مشغول شدم. طی اين دوران ديگر با خيلي از آدمهاي مختلف آشنائي پيدا کرده بودم و در ضمن ديگر هيچگونه تعلق خاطر يي به مذهب نداشتيم. در حقيقت خويشتن را از قيد و بند مذهب رهانيدم، و يكي از زمينههاي تبليغ خود به خود نظرات ضد مذهبي شده بود. بهمين لحاظ اشعار خيام را همراه كارگران همكارم ميخوانديم. و در شهرهاي مختلف هم روابطم رفته رفته كاناليزه شد و عمدتاً با تيبهاي غير مذهبي رابطه فعالتري پيدا كردم. با چند تن از همكاران و نيز دوستان ديگرمان فعاليت سياسي را آغاز كردم. در كارخانه همراه يكي از دوستانم درصدد

نماید. و بدین منظور یکی وانت بار خریده بود و دیگر میخواست برای خودش کار کند. آقای خود و نوکر خودش باشد!؟ و دیگری هم کاری مشابه وی! آری همیشه با خودم میگفتم عجب شاهکاری کردی! آخر این هم شد کار فلانی؟ هر چه رشتنای پنبه شد. تو بودی چکار میکردی؟ من بالاخره باین نتیجه رسیدم که باید صورانه تر و در عین حال با هدف مشخصتر کار انجام شود. باید نشان داد که به طور فردی نمیتوان از شر استثمار رهایی یافت بلکه مبارزای اجتماعی لازم است. که بلافاصله پس از آن نتایج بهتری حاصل گشت ولی بهرحال اشتباهاتی گوناگون پیش آمده و خواهد آمد ولی از آنها نباید بسادگی گذشت!

باشد باز هم از خاطرات برایتان بگویم، اما اینبار از نکات مثبتاش، ولی اجازه بفرمائید قدری در مورد رهبران عملی صحبت کنم. رهبران عملی از دید خیلی از جریانات و حتی برخی پیشروان کارگری عمدتا" به کارگران مبارز چپ اطلاق میگردد. در حالیکه به نظر من چنین نیست، رهبر عملی چپ، راست و فلان و بهمان نیست بلکه کارگری است که در جریان عمل مبارزه، سایر کارگران توانائیهای وی را شناخته و او را بعنوان راهبر و سازمانده و یا سخنگوی خویش بطور ضمنی میپذیرند. و بنابراین چنین افرادی در میان کارگران پایگاه داشته و در روند مبارزه عملی و حتی پیش از آغاز مبارزه به رهنمودها و نظراتشان توجه میگردد. این افراد خواه مذهبی و یا غیر مذهبی باشند، هیچ تفاوتی نمیکند. در زمان شاه خائن همچنانکه بالاتر توضیح دادم در اولین اعتصاب با چند تن از کارگران هر روز جلسه داشتیم. یکی از آنان مذهبی بود و نقش فعالی هم در پیشبرد امور عهده داربود. ایشان پس از قیام از فعالترین عناصر انجمن اسلامی بود و یکپسری کارهای ضد انقلابی هم انجام داد. ولی تقریباً" پس از سالهای ۶۱ از کردهای خویش کاملاً" پشیمان شد و به ترک انجمن اسلامی مبادرت ورزید. و از آن پس تا زمانیکه من از ایشان خبر داشتم کاریش بکار چیزی نبود. این علیرغم قبول مذهب اما دیگر توهمی نسبت به ج ۱۰ نداشت.

یک مسئله مهم دیگر در رابطه با رهبران عملی عبارت از آنست که خلیفها با چنین افرادی در جامعه ما اساساً" برخوردهای اخلاقی و مذهبی نموندند. و مبتنی بر چنان قضاوتی برخیا اخ بودند و کاری بکارشان نداشتیم. مثلاً" بخاطر اینکه دختر بازی میکردند و یا بالعکس اگر خانم بودند و دوست پسر داشتند و یا... چنین بینشی عقوبت مانده و کاملاً" مذهبی است و در عین حال قاطبی کردن خصوصیات فردی و اجتماعی کاراکترهای مبارز کارگری است. در حالیکه عملکردهای اجتماعی افراد را نباید بر مبنای برخی خصوصیات فردیشان نفی کرده و یا بالعکس بر بها داد. در یکی از کارخانهها زمانهای بسیار قدیم کبری خانمی همکار ما بود و خلیفها دید خوبی نسبت به ایشان نداشتند و من هم مجموعاً" کاریش بکارش نبود. ولی وقتیکه جریان عمل پیش آمد چقدر مورد توجه و علاقه من قرار گرفت. زیرا که چون شیخی حکم صادر میکرد و به کارگران نهب میزد که دستگاهها را خاموش کند و بسا آنها صحبت میکرد و بسیاری از کارگران حرفهای ایشان را از دل و جان پذیرا میشدند. وی هم زمان کار کردن و هم زمانی که در حال هدایت اعتصابیون بود بسیار جدی، باوقار و با پرنسیب بود. حال چرا باید مسائل اخلاقی و شخصی وی برجستهتر از هر چیز دیگرش تجلی مییافت؟ آری او زمان اعتصاب در حالیکه بسیار دلسوز و مهربان بود بجای خود خشونت هم بخرج میداد. او بطور خود بخودی دریافته بود که همه را همیشه نمیتوان بطور اقلان سازمان داد. زیرا اعتصاب شکن نمیتواند در برخی موارد تأثیرات منفی بس عمیقی در روند اعتصاب داشته باشد. و... جهت اطلاق رهبر عملی بیک کارگر، هیچگونه محدودیت ایدئولوژیک سیاسی وجود ندارد. هر کارگری و در برخی موارد حتی کارکن غیر

کارگر- سرپرست، مهندس، فورمن و... میتواند در مقاطعی هدایت کننده و عهدمدار رهبری اعتصاب و مبارزه باشد. کاراکتر مورد بحث ممکن است مذهبی، غیر مذهبی و حتی سلطنت طلب و یا ممکن است چپ و یا کمونیست باشد. این من نیستم که رهبری را تعیین میکنم و یا اینکه خود خویشتن را کاندیدای هدایت و رهبری عملی جنبش کارگری مینامیم. که این خود جنبش زنده و فعال و در حرکت است که عناصر فعالش را معرفی می نماید. آنهم نه، یک روزه بلکه در دراز مدت. در یک اعتصاب معین و یا یک پروسه مبارزاتی کارگری یکسری شخصیتهای فعال از طرف کارگران اتوماتیک وار پذیرفته شده و مورد اعتماد آنها واقع میگردد. یعنی در حقیقت بطور ضمنی رأی بیشتری از سایرین میآورند. در حالیکه عملاً" رأی گیری صورت نپذیرفته است. و چنین شخصیتهایی هستند که سیاست پیش برد اعتصاب و مبارزه را تعیین میکنند. اینک، از کاراکترهای مورد بحث چه کس، با چه موقعیتی در کارخانه و قسمت و یا با چه ایدئولوژی خاصی، با چه دیدگاه و بینش و... چنین رأی و نقشی را ایفا می نماید بستگی به عوامل گوناگون و متفاوتی دارد. که ما ذیلاً" برخی از این عوامل و تعیینات را بر می شماریم:

- ۱- شرایط اجتماعی - اقتصادی کشور معین، چگونه و در چه سطح و وضعیتی است.
  - ۲- کارگران از چه سابقه مبارزاتی برخوردارند.
  - ۳- درک کارگران از مبارزه چیست و درباره مبارزاتشان چگونه می اندیشند.
  - ۴- کارگران با چه هدف و یا اهدافی مبارزه میکنند.
  - ۵- کارگران چه می خواهند و از که می خواهند.
  - ۶- کارگران چه درکی از موقعیت و شرایطی که در آن قرار گرفته اند دارند.
  - ۷- و در نهایت رشد ذهنی و عینی کارگران نقش تعیین کننده را دارد. و بر این مبنا در شرایط مختلف اشخاص معین بطور خودکار انتخاب میشوند که:
- (۱) در روند زندگی مشترک تا حدود معینی اعتماد کارگران را به خود جلب کرده اند.
  - (۲) جهت تلاطم اعتماد در مقاطع گوناگون تا چه حد در برابر خواستهای کارگران وفاداری و قاطعیت بخرج دهند.
  - (۳) اهداف مبارزه و اعتصاب چه باشد.
- بطور مشخصی از سال ۶۰ تاکنون با چنین معجونی مدام روبرو بودیم. برخی موارد کسانی در رأس مبارزات و اعتصابات قسمت و یا کارخانهای قرار گرفتند که سلطنت طلب و یا حتی همچنانکه پیشتر گفتم عضو بسیج کارخانه و یا خانواده شهید و... و یا کارگران چپ و کمونیست بودند.
- حال با توجه به اینکه رهبران عملی جنبش کارگری از سوئی مبارزان - حقوق صنفی و آتی کارگران و از سوی دیگر سازماندهندگان مبارزات آتی طبقه کارگر میباشند، رابطه ارگانیک و زندگانی فی مابین ایندو وجود دارد. رهبر عملی که با اهداف دراز مدت و برای رهایی طبقه کارگر و بشریت مبارزه میکند، در صورتی شایسته چنین نامی خواهد بود که یک مبارز صنفی بسیار خوب و لایق هم باشد. چرا که سازماندهی کارگران برای یک انقلاب اجتماعی درگرو آن است که طبقه کارگر دارای تشکیلات صنفی خاص خود باشد، و از طریق مبارزات صنفی است که کارگران پی به بسیاری از چیزها میبرند. تا از طریق تشکیلات و تدارک مبارزه و رشد و گسترش آن مبارزات کارگری بصورت طبقاتی متباز گردد.
- (۱) که در مورد کارگران اگر یقه سفید نباشند اساساً" در اثر ناآگاهی است و میباید با وی کار آگاهانه صورت پذیرد. و در مورد غیبه کارگرها باید کاری کرد که توهم کارگران نسبت بوی از بین برود و این تنها راه پیشبرد صحیح کار است.

نپذیرفته بودند بسی شگفت انگیز می نمود که چگونه ما حدود زمان اعتصاب را پیش بینی کرده بودیم. و بحثهای پر جوش و خروشی حول و حوش اینکه اعتصابی آگاهانه هدایت و رهبری شد بالا گرفته بود و باور کنید که بهمین دلیل چندین شب تا دیر وقت خواب به چشم نمی آمد و از خوشحالی واقعا " در پوست نمی گنجیدیم. زیرا این شاید هم سرمین بار بود که آگاهانه و با نقشه و برنامه ای خاص به استقبال اعتصاب و یک حرکت مبارزاتی می رفتیم. و بنظرم چنین کارهایی واقعا " برایم هر کسی شادی آفرین باشد!

بزم من شکست. و یا پیروزی اعتصابات تأثیرات خاصی و متفاوتی بر رهبران عملی و توده های کارگری میگذارد. شاید تأثیر پیروزی مشابه و حتی یکسان باشد. اما تأثیر شکست بدون تردید چنین نخواهد بود. زیرا کارگران در هر زمان و بهر شکلی مبارزه را آغاز نمیکنند بلکه انرژی زیادی جهت سازماندهی یک اعتصاب باید صرف گردد. بنابراین اگر اعتصابی شکست بخورد و به خواستهای موجودش نتواند دست یابد احتمال دارد منجر بدان شود که تا مدتها دیگر کارگران حاضر به اعتصابی مجدد نشده و مبارزه برای احقاق حقوقشان به تعویق بیفتد. زیرا قدری ممکن است مأیوس گردند. بویژه که روی سخن با جامعه ایران و مبارزات کارگری در ایران است. چرا که بطور معمول بر اعتصابات گوناگونی که به دراز کشیده میشود معمولاً تلفات مختلفی عارض میشود. و چه بسا که در روند اعتصاب تعدادی از کارگران مبارز و پیشرو دستگیر شوند. این قضیه از دوسو زیانبخش است از طرفی کارگران از پیشروان و رهبران عملی محروم میشوند - در کوتاه مدت - و از سوی دیگر اگر مبارزه ادامه یابد با یک خواست تحمیلی و انحرافی به حرکت ادامه خواهد داد. همچنانکه در بسیاری کارخانجات پس از دستگیری پیشروان، اگر مبارزه استمرار یافته و خاتمه نیافته باشد عمدتاً هدف کارگران اعتصابی به آزادی رفقای دربانشان مبدل گشته و پی گرفته شده است. تازه در بهترین حالت از خواستهای قبلی خود میگذرند و جهت آزادی دستگیر شدگان مبارزه را ادامه میدهند. چرا بهترین حالت؟ زیرا گاهی اوقات در چنین مواردی کارگران چنان مرعوب شده اند که دیگر حاضر به هیچگونه واکنش و عملی نشده اند. ولی مجموعاً در کثیری موارد مبارزه برای آزادی رفقای دستگیر شده ادامه یافته است. و در بیشتر موارد ادامه اعتصاب تأثیر بسزایی در وضعیت دستگیر شدگان داشته است. کما اینکه مواردی را سراغ داریم که رژیم صد درصد کارگر زندانی را به عنوان یک فرد تشکیلاتی "گروهکی" مورد شناسائی قرار داده و دستگیری کرده اما علیرغم این موضوع بخاطر پایداری کارگران در ادامه مبارزه - البته عمدتاً - چنین جریاناتی در رابطه با رهبران فعال و یا نمایندگان انتخابی فعال کارگران مصداق دارد - جهت آزادی وی رژیم مجبور به عقب نشینی شده و ایشان را آزاد ساخته است. اما بعدها خارج از محیط کار مبارزت به دستگیری او نموده است. بنابراین رهبران عملی در آغاز باید توان کارگران را جهت اعتصاب، پیروزی و شکست آن و چشم انداز آینده مبارزه، تلفات احتمالی در طی مبارزه و دست آوردهای آن کاملاً مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند این امر هم مسئله بسیار پیچیده و حساس و ظریفی میباشد. پیش بینی تلفات قدری مشکل و در برخی موارد غیر قابل درک است. زیرا در بسیاری موارد بخاطر عدم شناخت رهبران عملی از همدیگر و رعایت پارای مسائل امنیتی از جانب آنها، هر يك نمیتواند به دیگران با دیدی واقعی برخورد نماید. اما بهر روی کارگر مبارز غیر سیاسی حتی اگر دستگیر هم شود مشکلات زیادی نخواهد داشت چون مدت بازداشتی زیاد طول نخواهد کشید. همچنین رهبران عملی که آگاهی سیاسی لازم را ندارند، پس از شکست اعتصاب تا حدودی تحت تأثیر جو حاکم مأیوس میگردند. بویژه اگر طی و بعد از اعتصاب چیزهایی را از دست بدهند. بعنوان مثال. فعالین عملی اعتصابات با فکر، جیت ری و جهان جیت کرج که دستگیر و یا تهدید

ولی بالعکس این موضوع ضروری و در عین حال حتمی نخواهد بود. زیرا، یک کارگر مبارز و صنفی کار میتواند شایستگی انجام وظایف خویش را داشته باشد ولی توان حضور در تشکیلات سیاسی را نداشته باشد و یا تالیلی باین کار از خود نشان ندهد. بهمین لحاظ پیشنهادم به تمامی رهبران عملی فعال، تلاش در جهت ایجاد تشکلهای صنفی کارگری در ایران میباشد. و نیز نباید اهداف دراز مدت و نهائی طبقه کارگر را پشت گوش انداخته و به فراموشی سپرد!

از خاطرات بگویم، هر کارگر مبارزی خاطرات تلخ و شیرین بسیاری دارد. منم گوشه هایی از اینها را نقل میکنم. پس از کسب استقلال از خانواده و با هدف تشکیل زندگی جدید، در یک شرکت آمریکائی که ۷۰۰۰ کارگر داشت بکار مشغول شدم. شرایط کار بسی دشوار و طاقت نرسان بود. در مناطقی کوهستانی و در بیابان کار و زندگی میکردیم. در کوی کارگران که دارای خوابگاه بود می خوابیدیم و صبحانه و نهار و شام را در رستوران شرکت میخوردیم. وضع غذاها اسفناک و غیر قابل خوردن بود. با کارگران راجع به چگونگی غذا، ایاب و نهاب از خوابگاه به محل کار که چند کیلومتر بود و محل کار به رستوران و نیز بالعکس راه با تریلی صورت می پذیرفت و نیز رفتار غیر قابل قبول رئیس و رؤسا که آمریکائی بودند به بحث و گفتگو می نشستیم. ولی چنان می اندیشیدم که هیچ تأثیری ندارد. مأیوس شده بودم و فکر میکردم چرا این کارگران از ابتدائی ترین حق و حقوق خود حاضر نیستند دفاع کنند. اما پس از مدتی که من آنجا را ترک کرده بودم و در تهران کار میکردم. خبر یک اعتصاب جانانه را از شرکت مضمور شنیدم. که این قضیه نیز مرا به فکر و اندیشه واداشت. که ظلم و ستم دوام نخواهد آورد، دستکش میکن است تحمیش زیاد باشد ولی بهرحال ظرفیتش محدود و بالاخره طاقتش طاق خواهد شد و دست بعمل مستقیم خواهد زد.

بهر روی پیروزی اعتصاب تأثیر مثبت و خوبی در روحیه هر کسی خواهد گذاشت. آیا تا بحال به این قضیه فکر کرده اید که ما چرا نباید قادر به پیش بینی وقایع گوناگون مبارزاتی باشیم؟ آیا تاکنون اندیشیده اید که چرا ما عمدتاً پس از وقوع جریانات تازه دوزاریمان میافتد و متوجه اوضاع می شویم. این مسائل مرا سالها بخود مشغول میداشت. همیشه با خود می گفتم چرا ما نمیتوانیم زمان وقوع اعتصابات را از پیش حدس بزنیم و یا تعیین کنیم. چرا همیشه با عمل انجام شده روبرو می شویم. چرا همیشه اعتصابات حالتی ناگهانی و غیر مترقبه و غافلگیر کننده دارند، چرا همه چیز با جرقهای و خارج از انتظار شروع میشود. بالاخره همیمن چند سال پیش مسائلی در کارخانه بوقوع پیوست. اوضاع و احوال منجر به فشار بیش از حد به تمامی کارگران شد. و هر روز هم تغییراتی علیه کارگران صورت میگرفت. برخی رفقا و همکاران فعال حکم به اعتصاب میدادند و در این باره فراخوان به جلساتی میدادند ولی مشورت در این باره به نتیجه ای نمیرسید. زیرا تعدادی بر آن بودند که باید اعتصاب کنیم. البته اعتصاب قبلی ما تازه خاتمه یافته بود. من نظرم این بود که دعوت به اعتصاب موقتیت آمیز نخواهد بود. بالاخره دوستان قبول نکردند و تبلیغ برای اعتصاب مجدد، برای اعتراضی به عدم دریافت عیدی و پاداشی را پیشنهاد میکردند. من و تعدادی دیگر به بی پایه بودن این تز رأی دادیم. بالاخره هیچیک از طرحهای ارائه شده از جانب آنها مورد قبول ما واقع نگردید. اما ما بر آن بودیم که پول را بگیریم و اعتصاب را هم برای حداقل دو ماه بعد پیش بینی کردیم. و دلایل مادی چنین نظری را هم کاملاً مستدل و مبرهن می نمودیم. در عمل درست همچنانکه ما پیش بینی میکردیم اوضاع پیش رفت و تقریباً بسا چند روز اینور و آنور اعتصاب شکل گرفت و انجام شد. البته طی این مدت فعالیتهای تبلیغی و تهییجی لازم حول محورهای که زمینه ها پیش وجود داشت صورت پذیرفت. این موضوع واقعا " مرا و تعدادی دیگر را به شغف آورده بود و برای آن دسته از رفقا که قبلاً نظر ما را

خوبش را ارائه می‌نمایند، نظرخواهی عمومی درباره وظایف انجام شده و صورت پذیرفته انجام بگیرد و نیز کارگران هم،

- (۱) مشکلات و معضلات و خواسته‌های خوبش را مطرح کند.
- (۲) هرگونه انتقاد و یا رهنمودشان را ارائه نمایند.
- (۳) پیشنهاد شان را مطرح کند.
- (۴) در مورد کارهای انجام نشده نمایندگان را مؤاخذه نمایند.

گذشته از همه اینها بدنال راه حلی می‌گشتم که کارگران را با حق و حقوقشان بیشتر آشنا کند. اگر مدیر و یا هر فرد دیگری داخل کارخانه اشکال تراشی میکرد و ایجاد و موانعی جهت پیشبرد امور نمایندگان و مسائل کارگران می‌نمود را به مجمع دعوت نموده تا خود کارگران حضوراً از وی توضیح بخواهند. اینها در مجموع به نظرم مهمترین کار نمایندگان در تمامی مقاطع گسترش رابطه فعال فی‌مابین خود با توده‌های کارگر میباشد. زیرا ماهی بدون آب دوامی نخواهد آورد! نماینده‌ای که از توده‌ها جدا شده و رابطاتی با آنان ندارد بدون تردید نخواهد توانست موقعیت نمایندگی را بطور واقعی حفظ نماید و وظیفه نمایندگی خوب نه مبارزه برای بدست آوردن حقوق کارگران از بالاتر بلکه سازماندهی کارگران جهت مبارزه است. او کسی است که توان به حرکت در آوردن کارگران را دارد. خویشتن را یک تنه جایگزین توده‌های کارگری که بوی رای نادانند نمی‌نماید. دائماً آنها را به میدان مبارزه می‌کشاند و آنها را فعال در عرصه مبارزه نگه میدارد. مبارزه را از حالت فردی و با کمیته‌های کمتر به مبارزات جمعیت ارتقا میدهد. حتی تقسیم کارهای گوناگونی برای پیشبرد اهداف کارگران سامان میدهد. و از توانائی‌های توده‌های کارگر استفاده لازم را می‌نماید. در مواردی که لازم است جهت گرد آوری اطلاعات لازم آنها را بسیج میکند، و از هر کسی باندازه توانائی‌اش در جهت ارتقا مبارزه یاری میطلبد! در حالیکه عمدتاً نمایندگان کارگران خویشتن را جایگزین جملگی کارگران می‌نمودند و همه کارها را میخواستند یک تنه پیش ببرند و بدینگونه پشت خود را خالی می‌نمودند. نماینده قییم نیست، پدر سالار نیست و قهرمان میدان مبارزه هم نباید باشد. بلکه در بهترین حالت یک سازمانده برجسته و یک مبلغ توانمند است. که براحتی کارگران را تبلیغ و تهییج کند تا برای احقاق حقوق پایمال دشمنان به میدان آیند و نگارند که حشاش پایمال شود. در بسیاری موارد پس از چند روز اعتصاب، کارفرما منبوحانه یکسری قول و قرارهای صوری میدهد و خواهان قطع اعتصاب بطور موقت میشود. و در اغلب موارد نیز پس از شکستن اعتصاب به هیچگاه از قول و قرارها پابند نیست. و نتیجه شکست اعتصاب میشود. چنانکه کارگران پس از بازگشت به کار براحتی مجدداً دست به اعتصاب نمی‌زنند و برای قبول یا عدم قبول چنین شرایطی مهمترین عامل برآورد و پیش بینی صحیح نمایندگان در مورد عدم پابندی کارفرما به آنچه را که با آیندش موکول می‌کند و از سوی دیگر توجه به روحیات و شرایطی است که کارگران در آن بسر می‌برند. یعنی اگر اکنون احتمال ادامه اعتصاب وجود دارد و در عین حال پس از قطع اعتصاب، اعتصاب جدیدی نمیتواند بوقوع بپیوندد بهتر آنست که اعتصاب حتماً تا رسیدن قطعی به خواسته ادامه یابد. و یا اینکه ممکن است پیش بینی شود که اعتصاب مجدداً امکان پذیر است خوب معلوم است که نمایندگان تصمیمشان بر آن خواهد شد که فعلاً قطع اعتصاب را در دستور قرار دهند تا مذاکرات را به پیش ببرند. و...

در محیط کارخانه شاهد کار کودکان نبودم. ولی در کارگاه بطور معمول به بدترین وجهی کودکان را تحقیر می‌کند و هیچگونه شخصیتی برایشان قائل نیستند. بگونه‌ای که کمتر صاحب کاری یا استاد پیدا میشود که بطور معمول با لحنی آرام شاگرد را مخاطب قرار دهد. و در عین حال بدلیل اینکه هیچگونه قانونی در ارتباط با کار آنان وجود ندارد از حقوق صنفی خاصی هم برخوردار نیستند و اکثریشان بیمه

به دستگیری و غیره شده بودند عمدتاً مأیوس شده بودند، بگونه‌ای که حتی پس قیام ۲۲ بهمن هم کاری بکار چیزی نداشتند و بیشتر به دنبال بدست آوردن امتیازات فردی بودند. و در جاهای مختلف گاهها با دیگران به بحثهای مختلفی می‌نشستند و توصیه میکردند که "خودت را جلو چشم نیانداز، سری که درد نمیکند چرا دستمال می‌بندی و....." مجموعاً آیه یأس سر میدادند.

و اما در مورد رابطه‌ها و بحثها پیرامون مبارزات جاری، گذشته از خانواده تقریباً اکثر دوستان، در و همسایه را هم تا حد ممکن در جریان اعتصابات و مبارزات جاری کارخانه قرار میدادم. و از هر کس که توانی جهت یاری به ما داشت از این طریق کمک میگرفتم. و متقابلاً هم در جریان مبارزات جاری بسیاری از کارخانجات قرار داشتم. بهمین دلیل در بسیاری موارد بطور جمعی به نتایج گوناگون رسیده و عملاً به پیشبرد اعتصاب همت گماردیم. بویژه در یکی از مبارزات خارج از محدوده نیز با پیش بینی‌های لازم توانستیم تظاهرات وسیع و گسترده‌ای را به کمک دوستانمان سازمان دهیم. و مبتنی بر آن رژیم را به عقب نشینی وادار کنیم. طی آن تظاهرات بسیاری از کارگران به قدرت لایزال توده‌ها پی برده و به مبارزات جمعی و نیز همیاری پس از آن امیدوار شدند!

جالبترین تیپهای کارگری به نظرم آن کسانی هستند که بیشترین ارتباط را با سایر کارگران همکار و محیط پیرامون خوب دارند. دلسوز برای همه و در عین حال به مشکلات و معضلات دیگران اندیشه می‌کنند. آتمهائی که به موقع شوخ طبع، شاداب و با روحیه اند و در عین حال به وقت خودش هم جدی و ساعی در حل مسائل و مشکلات! کمتر حرف و بیشتر عمل می‌کنند. برخیا درست عکس‌اند، زیادی حرف می‌زنند و هیچگاه حاضر به آن نیستند که دست به عمل معینی بزنند. چنین اشخاصی باید بویژه صبور، بردبار، متین و آرام، فکور و صاحب اندیشه دلسوز و مهربان، در جریان عمل جسور و سحر و پیگیر، همانقدر به فکر منافع خوبش باشند که به فکر دیگرانند.

یک خصیصه مهم و خود ویژه که عامل تأیید، و استمرار در جهت حفظ جایگاه یک کارگر پیشرو و رهبر عملی جنبش کارگری میباشد عبارتست از اینکه نه تنها رابطه وسیع و گسترده با توده‌های کارگر داشته باشد مهتر اینکه گوش شنوا داشته و همیشه آمادگی گوش فرا دادن به سخنان به درونلای آنان و اندیشیدن درباره مشکلات جملگی کارگران را در خویشتن تقویت نماید. بگونه‌ای که اگر امروز کارگری پارای از مشکلاتش را با وی در میان گذاشت پس از دو ماه اگر مجدداً وی را - کارگر مزبور را - دید بلافاصله برایش قضایا تداعی گردد و مسئله مورد بحث قبلی را مجدداً پی بگیرد. چنین تیپ کارگری جزو بهترین تیپهای رهبران عملی است. کسانی که بیشتر خود حرف می‌زنند و کمتر گوش شنوا دارند و در عین حال فقط در جریان عمل هر آنچه را که دارند در طبق اخلاص می‌گذارند، متأسفانه کمتر در دراز مدت موفق خواهند بود. اما آتمه‌های صبور و دلسوز که مسئله کارگران مشکل خود و شادی آنان را از آن خوبش می‌نهند و هر زمان آمادگی شنیدن و گوش فرا دادن به سخنان کارگران بوده و در عین حال زمینه‌چینی‌های مصاحبت‌هایی را ایجاد می‌کنند در زندگی مبارزاتی خوبش حتماً موفقتر خواهند بود. که چنین ویژگی در نزد روشنفکران ما متأسفانه بسیار کم یافت میشود آنان بیشتر خود را عالم دهر دانسته و تا کسی لب‌به سخن می‌گشاید اینها انتهای حرفش را فهمیداند و دیگر نیازی نیست که حرفی بزند بلکه کافی است نسخه‌های ایشان توجه شود تا همه مشکلات خود به خود حل و فصل گردد. در میان خود کارگران چنین تیپهائی نادر و استثنائی‌اند.

من هیچگاه نماینده کارگران بگونه‌ای رسمی نبودم. ولی اگر نماینده میشدم نمایانم چکاری از دستم بر می‌آمد، اما احتمالاً بیشترین تلاش را میکردم که حداقل ۲ ماه یکبار مجمع عمومی برگزار گردد تا زمینه گفت و شنود ایجاد شود. و در عین حال که نمایندگان گزارش کارهای

شد که کثیری از آنان به منافع اجتماعی - سیاسی خویش آگاهی یابند و مبارزه فعال اجتماعی را برای دستیابی به حقوق دمکراتیک خویش سامان دهند. در کارخانجات هم اگر زنان کارگر همراه مردان در جهت حقوق برابر کارگر زن و مرد به مبارزه برخیزند می‌توانند از حقوق دمکراتیک خویش دفاع بنمایند. در حال حاضر ظاهر قضیه چنان است که دستمزد کارگر زن و مرد - به لحاظ حقوق پایه - مساویست. اما کارگر زنی که سالهای سال مشغول کار است از مزایای چندانی برخوردار نمی‌گردد و کم‌کم پس از گذشت چند سال، کارگری ساده باقی می‌ماند در حالیکه کارگران مرد پس از مدتی از یکسری مزایای شغلی متفاوتی برخوردار میشوند. یعنی اگر دو نفر کارگر زن و مرد هم‌زمان به مثابه کارگر ساده استخدام شوند پس از گذشت ۵ سال حقوق آنها دیگر برابر نخواهد بود بلکه دستمزد کارگر مرد همراه با مزایای مختلف بیشتر از خانمی است که باوی و همراه او استخدام شده است.

و اما من طی ۱۸ سال گذشته و در کارخانجات مختلفی کار کرده‌ام. و تنها در یکی از کارخانجات حدود ۵ سال سابقه داشته و در سایرین زمانهای کمتری کار کرده‌ام. در اولین شرکت با مدیر قسمت بر سر یکسری حقوق صنفی بگونه‌ای درگیر شدم و منجر به اخراج شدم. در کارخانه بعدی بعلت آنکه درصد فراگیری کارهای فنی بودم، اجباراً در کارخانه را ترک کردم، اگر چه مدیر تولید از من بسیار راضی بود و حتی قول سرپرستی و پستهای مهمتری را بمن کرد ولی من نپذیرفتم و کسار در آنجا را رها نمودم. و سایر جاها را نیز هر يك بسه دلایل خاصی مجبور به ترکشان شدم.

نمی‌شوند. بنابراین هر چند سالی را هم که در مغازه‌های گوناگون و کارگاههای متفاوت به کار اشتغال داشته باشند جزو سابقه کارشان محسوب نمی‌گردد و ضمناً هر حادثهای که برایشان پیش آید اگر کارفرما خرج بیمارستان و دارو و درمانشان را بدهد این خود به امکانی دیگر برای زبان درازیشان - کارفرما را - مبدل می‌گردد. و همه اینها در گرو آنست که اتحادیه‌های سراسری کارگری در ایران تشکیل گردد تا تمامی کارگران و کارگران کارگاهی را نیز زیر پوشش خویش داشته باشد تا پاره‌ای از مشکلات آنها حل و فصل و گردد.

و حال درباره اوضاع و احوال زنان کارگر:

در جامعه ما هنوز که هنوز است برای خانها حق و حقوق خاصی به مثابه يك انسان آزاد قائل نیستند. این نه تنها گناه رژیمهای حاکم که دیدگاهی عمومی نیز میباشد. گرچه دیدگاههای حاکم نیز نشات گرفته تبلیغ و ترویج رژیمهای مرتجع حاکم میباشد. ج. ا. در ارث که خانها را نصف مردان سهم کرده و در خون بهای تصادفات هم به همچنین. حال از نظر اجتماعی هم خانهای کارگر تحقیر می‌گردند. چه از جانب مردان و چه از جانب خودخانها. در بسیاری از کارخانجات سرپرستها مدیران و "سگ و کره و شغال" در صدد سوء استفاده از هر خانمی که آب و روئی دارد هستند. هر يك بنحوی به فکر ایجاد زمینه‌های خاصی هستند که ایشان را در تنگای ویژه‌ای قرار دهند تا بتوانند او را در اختیار گیرند. به نظرم مسئله زنان که نیمی از جامعه را تشکیل میدهند اساساً زمانی تا حدود حداقل بورژوازی حل خواهد

سؤالاتی که جوابگویی و پرداختن به آنان جهت تدوین يك گزارش کارگری مفید است:

- ۱) لطف بفرمائید توضیحاتی درباره سابقه کارتان بدهید.
- ۲) از چه زمانی و تحت تاثیر چه عواملی مبارزه را آغاز کرده‌اید؟
- ۳) بیشترین تأثیرات را چه کسانی در آگاه شدن شما داشتند، داخل محیط کار، خارج از محیط کار خانواده و فامیل، دوستان، رفقا و همکاران.
- ۴) با رهبران اعتصابی مختلف چگونه برخورد کرده و چه دیدی نسبت به آنان دارید و داشتید؟
- ۵) اکنون چه دید و پیامی برای، رهبران عملی جنبش کارگری دارید؟
- ۶) خاطرات مهم و یا نکاتی جالب اگر طی دوران زندگی مبارزاتی‌تان دارید لطفاً "بازگو نمائید."
- ۷) چه زمانهایی طی دوران مبارزه خود از خویشتن خشنود و راضی بودید و چرا؟
- ۸) ابتدا چه عوامل و گروه‌گانه‌ای شما را به مبارزه ترغیب نموده؟
- ۹) شکست و یا پیروزی اعتصابات گوناگون تاکنون چه تأثیری بر شما داشته است؟
- ۱۰) به نظر شما شکست یا پیروزی در مجموع بر رهبران بیشتر مؤثر واقع میگردد یا بر توده‌های کارگر؟
- ۱۱) شما چه زمان، چگونه، از مبارزات کارگران سایر کارخانجات مطلع میشدید و آیا تا حالا توانستید کمکی به اعتصابیون دیگر کارخانجات بنمائید؟ چگونه؟
- ۱۲) خانواده (همسر، پدر، مادر، برادر و خواهر و فرزندان ۰۰۰) از مبارزات جاری کارخانه شما تا چه حد مطلع گشتند؟ و آیا به شما در این مورد کمکی کردند، چگونه؟
- ۱۳) بازرترین شخصیت‌های مبارزات کارگری از نظر شما چه تپیهائی هستند و یا بودند؟
- ۱۴) آیا تاکنون بمثابه نماینده وارد عمل شدید (در کارخانه)؟ چه کارهایی انجام دادید؟
- ۱۵) چه فعالیت‌هایی جهت متشکل شدن صنف خود نمودید؟
- ۱۶) يك نماینده خوب چه وظایفی دارد چه اهدافی را باید دنبال کند، و دارای چه خصایلی است؟
- ۱۷) يك نماینده خوب طی دوران نمایندگی چه کارهایی باید انجام دهد؟
- ۱۸) چه وظایفی برای يك کارگر پیشرو قائل‌اید؟
- ۱۹) ابتدا از چه نوع کاری کارگری را آغاز کردید و حدوداً از چند سالگی؟
- ۲۰) به نظرتان با کودکان و نیز با خانها در محیط کار چگونه برخورد میشود؟
- ۲۱) کل جامعه چه دیدی نسبت به کارگران زن دارند؟
- ۲۲) آیا در کارخانجات مختلفی کار کرده‌اید، چرا؟
- ۲۳) چه زمانی نمایندگان و یا رهبران عملی و یا خود کارگران باید موقتاً اعتصاب را قطع کرده و با کارفرما وارد مذاکره شوند تا مجدداً پس از چند روز و یا ۰۰۰ دوباره اعتصاب را از سر بگیرند.

## پیدایش و رشد اتحادیه‌های صنفی - کارگری در بریتانیا - ۵

### "پس از جنگ جهانی دوم تا حاکمیت تاجریسم"

دهه ۱۹۵۰ و پایان جنگ جهانی دوم که دوران رشد و توسعه اتحادیه‌ها بود، مبارزات بسیار شدیدی جهت ایجاد شکل بویزه در صنایع مهندسی (فنی) و تولیدات در جریان بود.

دهه ۱۹۶۰ مصادف با حاکمیت حزب کارگر و مبارزات پردامنه کارگران با دولت کارگری برای دستیابی به خواسته‌هایشان بود و میتوان این دهه را پرشادترین دوران متشکل شدن کارگران نامید. جنبش نمایندگان کارگاهها که مهمترین جنبش اتحادیه‌ای بریتانیاست در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ گسترش یافت و به صورت جنبشی بس عظیم در آمد.

دهه ۷۰ بویزه اوائل این دهه از دوران حاد مبارزاتی طبقه کارگر بریتانیاست، اعتصابات که تعداد بسیاری از آنها سیاسی و ضد دولتی بودند موجب تلف شدن ۲۳ میلیون روز کار گردید. حکومت حزب کارگر از سال ۷۴ تا ۷۶ تحت قانون "مزد و حقوق" به اتحادیه‌ها حمله کرد. پس از آن حکومت محافظه کار تاجر اتحادیه‌ها را تحت حمله شدید قرار داده و قوانین ضد تشکل و اتحادیه وضع نمود. حزب محافظه کار با بیکار نمودن توده‌ای کارگران و تعطیل و از بین بردن صنایع طبق استراتژی خود مبنی بر از بین بردن طبقه کارگر صنعتی در بریتانیا، ضربه‌های شدیدی بر جنبش طبقه کارگر وارد نمود. در همین حین در جنبش کارگری و "حزب کارگر" که وظیفه‌ای جز خودش خدمتی به سرمایه‌داری ندارد خط "واقع بینی جدید" که در واقع تعظیم در مقابل حکومت محافظه کار تاجر بود مطرح گردید. اعتصاب عظیم و پرمقاومت معدنچیان ذغال سنگ و سپس چاپچی‌ها و موقعیت بسیار مشکلی که اکنون اتحادیه‌ها با آن دست بگریبانند بوجود آمد. شکست هر دوی اعتصابات عدم حمایت واقعی "حزب کارگر" و اتحادیه سراسری انگلستان (T.U.C) بود.

حال اجازه بدهید کمی هم در مورد صفت خودروسازی در بریتانیا صحبت کنیم که رشته اصلی من بوده است.

#### صنعت خودروسازی در بریتانیا

یکی از بخشهای صنعتی بسیار عظیم در بریتانیا صنعت خودرو سازی است. زیرا بریتانیا مثل آمریکا یکی از اولین کشورهای است که این صنعت در آن بوجود آمده.

کارخانه‌هایی مانند مورس MORRIS واقع در آکسفورد، در اوائل قرن بیستم آغازگر این صنعت بودند. شرکت مورس اولین کارخانه بزرگ تولید خودرو در انگلستان بوده است. در آغاز سالهای ۱۹۵۰

کارگران این بخش متشکل نبوده، بلکه نیروی کارگری جدیدی بودند. کارگران معادن، بنادر، چاپچیان، دریانوردان، پست و راه آهن - تماما" در اواخر قرن ۱۹ و تا اوائل قرن ۲۰ متشکل گردیده بودند.

کارگران در صنایع سنگین مانند فولاد و آهن نیز قبلا" متشکل شده بودند. تشکلات کارگران خودروسازی در زمان جنگ بسیار محدود بود.

کارگران ماهر متشکل بودند و کارگران پخش تولید که نیمه ماهر بودند و بزرگترین بخش را تشکیل میدادند هنوز متشکل نبودند. صنعت خودروسازی در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۶۰ بسیار وسیع بود و حدود

یک میلیون کارگر را در خدمت داشت و با نیروی کار دیگر بخشها ۷ میلیون کارگر در تولید قطعات مشغول بکار بودند. کارگران این صنعت

در اواخر دهه ۵۰ شروع به ایجاد تشکل نمودند و یک رشته اعتصابات بوقوع پیوست. اعتصاب بزرگی در کارخانه کاولی COWLY که من در آن کار میکردم صورت گرفت این اعتصاب در سال ۱۹۵۶ برای برسمیت شناساندن اتحادیه صورت پذیرفت. سال بعد اعتصابی در "لانگ بریج" LONG BRIDGE کارخانه بزرگی در حوالی بیرمنگام به وقوع پیوست.

تا سالهای دهه ۶۰ کارگران تولید نیز متشکل گردیده و در اکثر کارخانجات خودروسازی تا سال ۱۹۶۵ صددرصد کارگران در اتحادیه‌ها متشکل شده بودند. در کارخانهای که من در آن کار میکردم کارگران تا سال ۱۹۶۶ مطلقا" هیچگونه تشکلی نداشتند.

من در سال ۱۹۵۹ شروع به کار نمودم. ۲۵ سال در آنجا کار کرده و به مدت ۲۰ سال نماینده کارگاه بودم. مدت ده سال نیز نماینده اصلی کارگاههای مختلف این کارخانه بودم. زمانیکه کار را شروع کردم حدودا" ۱۵ درصد متشکل بودند. در سال ۱۹۶۶ بر اثر فشار کارگران، قراردادی با مدیریت بسته شد که صد درصد کارگران را عضو اتحادیه می‌شناخت. بر مبنای این قرارداد تنها کارگرانی که از طریق اتحادیه معرفی میشدند میتوانند در کارخانه‌جات مشغول کار شوند. به هر حال تا اواسط دهه ۱۹۶۰ با اینکه اتحادیه برسمیت شناخته شده بود و همه کارگران نیز عضو آن بودند ولی رابطه اتحادیه و مدیریت بسیار خصمانه و حاد بود. در این حین جنبش نمایندگان صلی کارگاه در صنعت خودروسازی بسیار سریع رشد کرد و تبدیل به جنبش عظیمی شد.

لیلاند بریتانیا در سالهای ۶۰ بنا نهاده شد و من در استخدام این شرکت بودم در این سالها انغام شرکت‌های خودروسازی صورت پذیرفت و ۱۵ شرکت تولید کننده در اوائل سال ۶۰ به ۵ تولید کننده بزرگ تبدیل شدند. این شرکتها که در تصاحب بریتانیا بودند همه تا سال ۱۹۶۸ در مجتمع لیلاند متمرکز یافتند و به مجتمع غول آسانی مبدل شدند. در این مجتمع حدود ۲۰۰ هزار کارگر کار میکردند که کارخانه من هم جز این مجتمع بود، این مجتمع شامل ۵۵ کارخانه بزرگ بود که ۱۵ نوع خودرو تولید میکرد. در محل کار من، کارخانه "کاولی" با ۲۷ هزار کارگر مشغول تولید خودرو بود.

جنبش نمایندگان اصلی کارگاهی در لیلاند ۳۰۰۰ نماینده انتخاب کردند که از ۱۵ اتحادیه گوناگون بودند. نمایندگان منتخب کارگاهی در این مقطع حرکت مستقل خود را جدا از اتحادیه‌های رسمی پیش می‌بردند و از خصلت مبارزاتی بالایی برخوردار بودند. اتحادیه‌ها

رسمی در این مجتمع از اتحادیه‌های مختلف که نمایندگی صنفهای گوناگون بودند بوجود آمده بود. مثلا" کارگران تولید بوسیله چند اتحادیه متشکل شده بودند مانند، اتحادیه انغام شده مهندسان (A.E.U)، اتحادیه عمومی حمل و نقل (T.G.W.U) و اتحادیه کارگران فلز کار صفحه

(S.M.W) بدین ترتیب هیچ اتحادیه‌ای به تنهایی نمیتوانست مدعی شود که نمایندگی خودروسازی را بر عهده دارد و روی این اصل نبی حس در دست جنبش نمایندگان اصلی کارگاهها بود.

جنبش نمایندگان اصلی کارگاهها، در اواخر دهه ۵۰ شروع به تشکل "کمیته‌های متصل نمایندگان کارگاهها" که شامل نمایندگان همه اتحادیه‌ها

می‌شد کرد. و این کمیته‌ها بودند که می‌توانستند مدعی نمایندگی همه کارگاه‌ها باشند. این نمایندگان بطور کلی نفوذ خیلی زیادی روی کارگران نداشتند و تمامی کارگاه‌ها زیر نظر این نمایندگان اداره میشد. چرا که آنان همیشه در کارگاه بوده و رابطه تنگاتنگی با کارگران داشتند. نظام پرداخت دستمزد در اکثر صنایع در آن مقطع به شکل نظام پرداخت "قطعه کاری" بود یعنی برای هر قطعه‌ای که ساخته میشد دستمزد خاصی پرداخت می‌کردند. هر چه بیشتر قطعه تولید می‌کردید دستمزد بیشتری پرداخت میشد. نمایندگان کارگاه‌ها همواره برای بالا بردن نرخ دستمزد با کارفرما درگیر بودند و این باعث ایجاد رابطه دائمی با کارفرما میشد. از همین طریق کارگران می‌توانستند به ماهیت اصلی نمایندگی کارگاه‌ها پی ببرند. هر چه نماینده در يك کارگاه فعالیتز بود و نرخ "قطعه کاری" بالاتر، مورد قبول و تأیید بیشتر کارگران بود. چنین وضعی قدرت بسیار زیادی به نمایندگان میداد. نمایندگان در کارخانه، در کمیته مختلط نمایندگان "کمابین" جمع بودند و "کمیته مجتمع لیلاند" ترکیبی از نمایندگان کارخانجات مختلف بودند، که بوسیله کارگران همان کارخانه انتخاب میشدند. با توجه به اینکه این کمیته‌ها از طرف کارفرما و اتحادیه برسیست شناخته نمی‌شدند، اما به خاطر قدرت زیادی که داشتند و تمامی کارگران را به حمایت از خود بسیج کرده بودند، دولت و اتحادیه‌ها ناچار در عمل با آنان وارد مذاکره میشدند و نه با اتحادیه‌های رسمی. در سالهای ۶۰ و اوائل ۷۰ نقطه اوج و مبارزه جوش جنبش "نمایندگان کارگاهی" در خودروسازیه بود. در کارخانه محل کسار من ۳۰۰ نماینده وجود داشت که از خصلت مبارزاتی بالائی برخوردار بودند و این نمایندگان هر اتحادیه عمده، از میان خود ۳ نفر نماینده انتخاب کرده بودند. که مسئول مذاکره با کارفرما و دادن فراهوان برای نشستهای عمومی نمایندگان کارگاهی باشند و در آن زمان این ۳ نفر نماینده بالاترین قدرت کارگری در مجتمع لیلاند بودند. در اواخر دهه ۶۰ دو مسئله عمده در حال شکل‌گیری بود، (درباره کارخانه خودم بعداً صحبت می‌کنم) در حقیقت این دوروند در کارخانهای مختلف خودروسازی شبیه هم بود.

قدرت عظیم "نمایندگان اصلی کارگاهها" برای کارفرمایان و مدیریت و همچنین اتحادیه‌ها مشکل بزرگی ایجاد کرده بود. مدیریت خواستار طرد کردن جنبش نمایندگان بود، زیرا آن را مانع رقابت در بازار جهانی کار، بالا بردن بازدهی کار، و در اختیار داشتن کامل کارگران می‌دید.

در اواخر دهه ۶۰ در کارخانه محل کار من نمایندگان قدرت بسیار زیادی داشتند، البته آن را نمی‌شد کنترل کامل کارگری نامید، اما شامل عناصر بسیار مهمی از کنترل کارگری بود. اختیار استخدام و اخراج تعیین محل کار هر کارگر، میزان بازدهی کار، تعداد کارگران مورد نیاز هر کار مشخی و اصولاً مسائل این چنینی می‌شد. مثلاً اگر کارفرما مشخی میکرد که فلان کار ۲۰ کارگر لازم دارد و نمایندگان می‌گفتند ۲۵ نفر، این تصمیم نمایندگان بود که به مرحله اجرا گذاشته میشد و نه تصمیم کارفرما.

اما نمایندگان نمی‌توانستند تصمیم بگیرند که مثلاً "چند خودرو در هفته تولید کنند. این قدرت زیادی بود که نمایندگان بدست آورده بودند و در دهه ۶۰ به حد بسیار بالائی رسیده بود.

در آن سالها مدیریت و اتحادیه‌ها و از طرفی کارمندان تمام وقت اتحادیه‌ها از دست نمایندگان کارگاهها در عذاب بودند. چرا که قدرت اصلی در دست نمایندگان بود و بقیه تنها جنبه فرمایشی داشتند. در کارخانه محل کار من مسئول تمام وقت اتحادیه بدون اجازه نماینده کارگاه نمی‌توانست وارد کارخانه شود و با مدیریت ملاقات کند. این مغایر با ذهنیت مسئولین رسمی اتحادیه‌ها بود. چرا که آنها فکر می‌کردند

تمامی کارها بایستی از کانال اتحادیه‌های رسمی بگذرد و آنها همه چیز را تحت کنترل خود داشته باشند. از طرفی مدیریت نیز سعی داشت این جنبش را به هر طریق خرد کند. بویژه در تلاش بود که دستاوردهای "برابری متقابل" MUTUALITY - یعنی اختیار کارگر بر کار را از بین ببرد که قبلاً به قسمتی از آنان اشاره کردیم. و این مهمترین مسئله‌ای بود که کارفرمایان می‌خواستند از آن رهائی یابند و کنترل کارگری را از کارگاهها بردارند.

در سالهای ۷۲، ۷۳ و ۷۴ مدیریت با یکرشته اقدامات سعی کرد که این نظام رایج در محل کار را به زیر سؤال ببرد. در کارخانه محل کار من در سال ۱۹۷۱ مدیریت با تلاش زیاد توانست نظام پرداخت مزد روزانه را جایگزین نظام پرداخت "قطعه کاری" کند و فکر میکرد این عمل قدرت بیشتری به او میدهد. در این رابطه اعتصاب بزرگی صورت گرفت که چندین هفته طول کشید و بالاخره ضمن اینکه بسیاری از مفاد نظام جدید را پس گرفتند، اما نظام روز مزدی جایگزین شکل پرداخت دستمزد قبلی شد.

۲ سال بعد که مدیریت اختیار برکار را به مبارزه طلبید و زیر سؤال برد، اعتصاب بزرگ دیگری بوقوع پیوست که رهبری آن را من بعهده داشتم. در طول اعتصاب سال ۷۴ مرا از کار اخراج کردند. اما با اعتصاب مداوم کارگران مدیریت ناچار شد مرا دوباره به کار باز گرداند در سال ۷۰ تا ۷۶ به هنگام حکومت "حزب کارگر" مدیریت دوباره کوشید که اختیار کار را از ما پس بگیرد. در آن زمان "تونی بن" TONY BEN (یکی از نمایندگان مجلسی حزب کارگر) وزیر صنایع دولت بود و در صدر مجتمع لیلاند قرار داشت.

کارگران لیلاند از خصلت مبارزاتی بسیار بالائی برخوردار بودند. در کارخانه (کاولی COWLY) محل کار من در سال ۱۹۶۹ تعداد ۶۲۴ اعتصاب در يك کارخانه صورت گرفت این در واقع ۸ اعتصاب در يك شیفت دو روز کار بود. از سال ۶۵ تا ۷۵ تعداد متوسط اعتصابات ۳۰۰ عدد در سال بود یعنی يك اعتصاب در هر روز، در يك کارخانه، بیشتر اعتصابات قسمتی بودند. بعضی کوتاه و بعضی بلند مدت، برخی يك ساعت برخی يك روز، در بعضی از اعتصابات ده کارگر شرکت داشتند و در برخی ۵ هزار نفر درگیر بودند. اعتصاب مداوم" در جریان بودند ما نمایندگان دائماً درگیر اعتصابات بودیم. گاهی در کنار خیابان در صف کارگران بودیم و برای آنها صحبت میکردیم گاهی در جایی جلسهای داشتیم و تصمیم گیری می‌کردیم و دوباره به محل دیگری که در حال اعتصاب بود سر می‌زدیم. در تمامی کارخانجات لیلاند به خصوص کارخانه محل کار من کارگران دارای روحیه بسیار بالای مبارزاتی بودند.

دولت "حزب کارگر" در سال ۱۹۶۸ به نخست وزیری هارولد ویلسون لیلاند را بعنوان بزرگترین پروژه صنعتی‌اش در نظر گرفته بود. تونی بن وزیر صنایع در واقع ادغم کارخانجات خودروسازی و تأسیس مجتمع لیلاند را عملی کرد. سپس حزب محافظه کار در سالهای ۷۰ تا ۷۴، حاکم شد و می‌خواست این پروژه را از بین ببرد که دوباره در سال ۷۴ "حزب کارگر" به قدرت رسید و پروژه عظیم لیلاند را حفظ کرد، اما در عمل هیچگونه اختیاری بر آن نداشت. اعتصابات همواره در جریان بود و اختیارات بدست نمایندگان کارگاه و سطح دستمزد مرتب بالا میرفت. تا سال ۷۲ دستمزدها در شرکت لیلاند تقریباً سه برابر حقوق آموزگاران و دو برابر مزد معدنچیان نغال سنگ شد، زیرا کارگران خودروسازی در آن زمان از خصائل مبارزاتی بسیار بالائی برخوردار بودند. اما اکنون حقوق آموزگاران از مزد کارگران خودروسازی بیشتر است. در آن زمان فائق شدن بر آن اوضاع برای مدیریت، کارفرمایان و دولت مشکل بسیار بزرگی بود. سال ۱۹۶۸ دونالد استوکین

اصطلاح کونیست بریتانیا بود و در کارخانه لانگ بریج کار میکرد. اعتمادی در این رابطه صورت گرفت که با موفقیت توأم نبود و نتوانست رابینسون را به کار باز گرداند.

مایکل ادواردز حمله همه جانبه‌ای را بر علیه جنبش نمایندگان سازمان داد و تا دهه ۸۰ آن را ادامه داد. این استراتژی در تمامی شرکتها مختلف صنایع خودروسازی در حال پیاده شدن بود و شکر مدیریت نیز "حدونا" به یک صورت پیش میرفت.

بعثت بالا بودن خصلت مبارزاتی کارگران مجتمع لیلاند دولت تاجر توجه خاصی به این بخش کارگری داشت. در اوایل سال ۸۰ حزب محافظه کار برای مقابله با جنبش نمایندگان کارگاهی به مدیریت لیلاند بود بسیار هنگامی داد که می‌توان گفت پول بی حد و حسابی بود و این بوده مخصی مقابله با اعتصاب کارگران شد. به مدیریت دستور داده شد بود که بهیچوجه و تحت هیچ شرایطی در مقابل اعتصابات کارگران عقب ننشیند و سر تعظیم فرود نیاورد و مدیریت برای مقابله با اعتصابات این بودجه را خرج میکرد. بنابراین وضع اصولاً غیر ممکن بود که اعتصابی برای کوچکترین خواسته بتواند به پیروزی برسد. چرا که دولت با تمام قدرت از مدیریت حمایت می‌کرد. اوایل دهه ۸۰ جنبش کارگر متحمل یک سری شکست‌ها گردید و من نیز در سال ۱۹۸۲ از کار اخراج و لیست سیاه قرار گرفتم. بیشتر نمایندگان برجسته‌ی کارگران در مجتمع لیلاند تا اواسط دهه ۱۹۸۰ از کار برکنار گردیدند.

اکنون جنبش کارگران خودروسازی بسیار ضعیف شده و دامنه اعتصابات پائین است و یا تقریباً وجود ندارد. اکنون رهبریت دست راستی بر جنبش مجتمع لیلاند حاکم است و افراد مبارز انزله اند.  $\frac{2}{3}$  کارخانجات لیلاند بسته و تخریب شده. در سال ۷۶ هنوز ۲۰۰/۰۰۰ کارگر در استخدام لیلاند بودند. حالا فقط ۲۲ هزار کارگر در آن شاغلند. توجه کنید چند نفر بیکار شده‌اند! مایکل ادواردز همراه با حزب محافظه کار تاجر کارخانه‌ها را یکی یکی بست و آنها را تخریب و کارگران را بیکار کرد و اکنون صنعت خودروسازی بسیار کوچک گردیده است.

آخرین بخش مصاحبه با آلن تورنت در شماره آینده چاپ می‌شود.

### توضیح و تصحیح

در ترجمه مصاحبه با "آلن تورنت" که در نشریه شماره ۱۲ به چاپ رسیده است اشتباهاتی صورت گرفته است که بدین صورت تصحیح میگردد:

۱- صفحه ۱۲، ستون اول، پاراگراف آخر:

... با انحراف این حزب و غلطیدن به استالینیزم و تغییر نام نشر به "ستاره صبح"، حزب کونیست بریتانیا با طرد استالینیزم در سال ۱۹۶۸...

۲- صفحه ۱۲، ستون اول پاراگراف آخر، داخل پرانتز:

... (حزبی که اکنون منشعبی از آن به اروکونیسم در غلطید و منشعب دیگر به دامان استالینیزم)...

مدیر عامل شرکت لیلاند شد و چون نمی‌توانست جنبش نمایندگان کارگاهی را به مبارزه بطلبد، سعی بر این نمود که بعضی از کارخانجات را ببندد اما موفق نشد. در سال ۷۵ استوکن ادعا نمود که شرکت لیلاند ورشکسته است و آن را به حراج گذاشت. اما هنوز ۲۰۰ هزار نفر کارگر در این مجتمع مشغول بکار بودند. تونی بن مسئول بازرسی و تحقیق در این مورد گردید. نتیجه تحقیق این شد که مجتمع لیلاند ملی گردد. پس از آن دولت ۹۸ درصد سهام لیلاند را در اختیار گرفت. در نتیجه این تحقیق، بخشی از قرارداد ملی کردن لیلاند شامل وارد کردن نظام جدیدی گردید به نام شرکت کارگران در مدیریت.

این ابتکار سیاسی بسیار مهمی بود که هدف اصلیش مهیز زدن به جنبش نمایندگان کارگاهی بود. برنامه بدینصورت بود که کمیته‌هایی در سطوح مختلف تشکیل گردد. بالاترین کمیته‌های مجتمع لیلاند از قسمتهای مختلف اتوبوسی سازی، تولید خودروهای سنگین، تولید انبوه خودروهای کوچک و غیره در تک تک کارخانجات مختلف ایجاد گردید. کمیته‌های به اصطلاح "شرکت کارگران در مدیریت" تنها کارشان این بود که به مدیریت برای بالا بردن تولید کمک کرده و مجتمع را سودآور کنند. این کمیته‌ها هیچگونه حقی در مورد تعیین دستمزد و شرایط کار نداشتند. ما با این کمیته‌ها به مخالفت برخاستیم و آنرا نقشه شوم مدیریت نامیدیم. نصف کارگران تمامی کارخانجات با این برنامه مخالفت کردند و اکثریت نیروی کار نیز با این طرح به مقابله برخاستند. اما بعضی از نمایندگان کارگاهی آنرا پذیرفتند و از آن جمله "حزب کونیست بریتانیای کبیر" از نقشه فوق و کمیته‌های مزبور بر این پایه که این نوعی از کنترل کارگری است و قدمی بسوی سوسیالیزم دفاع نمود و اصرار به قبول آن داشت. مبارزات ایذخلوئیلک بسیار زیادی در این مورد صورت گرفت و بالاخره این برنامه در بیشتر کارخانجات اجرا گردید، اما در کارخانه ما مدیریت موفق نشد که این طرح را پیاده کند.

تأثیر این برنامه در مدت سه تا چهار سال، سست نمودن جنبش "نمایندگان کارگاهی" بود. چرا که آنها نمایندگان کارگران بودند ولی بنابراین طرح به یکباره نماینده مدیریت شده بودند، چنین اوضاعی باعث ناراحتی و خشم نیروی کار گردید و موجب شد که کارگران به جنبش نمایندگان کارگاهی با اعتماد شوند. این برنامه، اتحاد نمایندگان کارگاهی را در هم پاشاند و اهداف و مقاصد جنبش نمایندگان کارگاهی را به مبارزه طلبید.

برنامه "شرکت کارگران در مدیریت" به سال ۱۹۷۵ با پشتوانه و منابع فراوانی آغاز گردید و به مرحله اجرا گذاشته شد.

۲۰۰۰ نفر از نمایندگان جنبش کارگاهی و تعدادی از نمایندگان بالا، این برنامه و طرح را پذیرفتند. برنامه مذکور تا سال ۱۹۷۶ جنبش نمایندگان کارگاهی را کاملاً تضعیف نموده بود و سپس در همین سال که مصادف با آخرین سال حکومت "حزب کارگر" بود. روش دولت عوضی شد و "مایکل ادواردز" بعنوان مدیر عامل کل لیلاند منصوب شد. این شخصی نماینده سر سخت جبهه مدیریت بود. در همین سال تاجر و حزب محافظه کاری به قدرت رسیدند و مایکل ادواردز را که "حزب کارگر" به کار گمارده بود همچنان در مسند قدرت گذاشتند، شروع به تخریب و فسخ برنامه "شرکت کارگران در مدیریت" کردند و حمله همه جانبه‌ای را به جنبش نمایندگان کارگاهی آغاز کردند. مایکل ادواردز دبیر کمیته مجتمع لیلاند در یک رابینسون را اخراج کرد. رابینسون عضو حزب به

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان



★ دوستان کمیته همبستگی پناهندگان ایرانی در سوئیس، نامه شما همراه با اطلاعاتی که در مورد آتش زدن ساختمان پناهندگان بود را دریافت داشته و بنا بر درخواست شما ما نامه‌هایی به سفیر سوئیس در انگلستان و همچنین آرسی که شما داده بودید فرستاده و اعتراضی خود را از این عمل غیر انسانی و راسیستی اعلام داشتیم، موفقیت‌تان را آرزو مندیم.

★ دوستان عزیز (غ و پ) از هانوفر، نامه‌های شما که حاوی پیشنهاداتی در جهت چگونگی پیشبرد کار انجمن و مجمع عمومی بود را دریافت داشته، قطعاً این نظرات در مجمع مورد بررسی قرار خواهد گرفت، ما همچون شما امیدواریم به نقطه نظرات مطرح شده از طرف شما دست یابیم و در این راه تلاش و همکاری یکدیگر این تشکل را به جایی برسانیم که شایسته تجمع گروهی از کارگران با آرمانهای والای انسانی باشد.

★ ترکیه، کمیته پناهندگان آنکارا و شهرستانها، نامه‌های متوالی شما را دریافت داشته و به تمامی توصیه‌های شما در مورد افراد مطرح شده عمل کرده و تلگرافهایی جهت UN ترکیه و همچنین نامه‌ای به انجمن کردهای مقیم استرالیا ارسال داشتیم. امیدواریم در آینده نزدیک بتوانیم به کمک مورد تقاضای شما پاسخ مثبت دهیم، همواره منتظر نامه از طرف شما هستیم.

★ دوست عزیز (خ - ک) از هلند، نامه‌های شما مبنی بر آمادگی‌تان در ارتباط با کاررویی مسائل کارگری ایران را دریافت داشتیم. ضمن تشکر از همکاری‌تان امیدواریم به مسائل مطرح شده از طرف شما با همکاری یکدیگر دست یابیم، ضمناً نامه پشتیبانی از طرف انجمن جهت آزادی دبیر سندیکا به مراکش ارسال شد. برایت آرزوی موفقیت داریم.

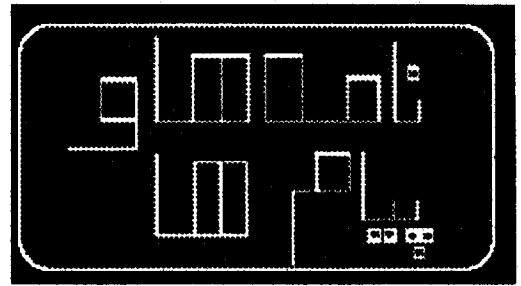
★ دوستان تشکل در کمیته سراسری پناهندگان ایرانی - ترکیه نامه مفصل شما را همراه با اسانامتان دریافت داشتیم. از اینکه در نظر دارید نشریاتی منتشر کنید بسیار خوشحال شدیم و همانطور که بدرستی یادآور شدیم، مسئله پناهندگان، بخصوصی در کشورهای چون ترکیه و پاکستان را نمی‌توان با دید تنگ گروهی و سازمانی حل کرد، امیدواریم شما با در نظر گرفتن این نقیصه بتوانید قدمهای مثبتی در جهت رفع مشکل پناهندگان بردارید، ما همواره منتظر نامه از طرف شما بوده و آماده هرگونه همکاری با شما هستیم، در این شماره نیز اهداف قید شده در اسانامتان را منتشر کردیم.

اهداف و وظائف کمیته سراسری پناهندگان ایرانی - ترکیه

- ۱- سازماندهی و متشکل نمودن پناهندگان ایرانی و غیر ایرانی و مبارزه برای دستیابی به حقوق برسمیت شناخته شده آنان حول مطالبات اساسی پذیرش - امنیت، تأمین، مهاجرت
- ۲- تلاش در جهت ارتقاء دانش سیاسی پناهندگان و آگاه نمودن آنان به قوانین و مصوبات بین المللی پناهندگی از طریق فعالیت‌های فرهنگی
- ۳- افشا ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و عملکرد آن و حمایت از مبارزات کارگران و مردم ایران
- ۴- حمایت از جنبش‌های کارگری و دموکراتیک سایر کشورها و جلب حمایت آنها در جهت دفاع از حقوق و منافع کارگران
- ۵- ایجاد رابطه مستمر با مجامع بین المللی، تشکلهای دموکراتیک و احزاب مترقی و جلب حمایت عملی آنان.

دستان را بگرمی می فشاریم

هیئت هماهنگ کننده انجمن



★ دوستان کارگر مستقر در ترکیه، نامه تان را دریافت کردیم. از ابراز علاقتان نسبت به انجمن سپاسگزاریم، نشریه را در حد امکان برایتان ارسال داشته و منتظر خبرهای جدید از طرف شما هستیم.

★ عزیز، آلمان - مقاله شما در مورد جنبش کارگری کشورمان و همچنین مقاله‌ای در ارتباط با مبارزات مستقل کارگران آلمان را دریافت داشتیم. با تشکر و سپاس فراوان از فعالیت مستمر شما در پیشبرد اهداف انجمن. بزودی این مقالات را در اختیار سایر دوستان قرار خواهیم داد.

★ دوستان مستقر در کانادا، نامه‌های متوالی شما، همراه با اقدامات انجام یافته از طرف شما در آن کشور را دریافت داشتیم، امیدواریم با کمک و تلاش یکدیگر بتوانیم صدای گویای کارگران داخل باشیم.

★ دوستان عزیز م و ه سوئد، با خوشحالی از دریافت نامه‌تان برای ایجاد هماهنگی و جلوگیری از دوباره کاری و اتلاف وقت. در ارتباط با واحد سوئد در حال بررسی طرحی هستیم که بزودی به اطلاع شما می‌رسانیم.

★ دوستان شورای پناهندگان و آوارگان یونان، بسیار خوشحال خواهیم شد که در ارتباط مستمر با شما باشیم اما متأسفانه که منتظر جواب نامه از طرف شما هستیم امیدواریم بزودی خبری از شما دریافت کنیم.

★ دوستان عزیز ع - ج و ج - م از سوئد نامه تان را دریافت داشته و مقالات مورد درخواست را برایتان ارسال داشتیم. قطعاً نظرات شما در مورد چگونگی پیشبرد کار انجمن مورد بحث و بررسی در مجمع عمومی قرار خواهد گرفت، برایتان آرزوی موفقیت داریم.

★ دوستان فعال در جنبش کارگری سوئد، تصمیمات و پیشنهادات و گزارش کار یک ساله را برایتان ارسال داشتیم و امیدواریم با همکاری شما بتوانیم در پیشبرد کار موفق شویم. دستتان را بگرمی می‌فشاریم.

★ ابرج عزیز از فرانسه. با تشکر از ارسال خبر اعتصاب و اعتراضی رانندگان امیدواریم در آینده بتوانیم با همکاری شما در آن کشور اهداف انجمن را به پیش ببریم، برایت موفقیت آرزو می‌کنیم.

★ دوست بسیار عزیز س از هانوفر، نامه‌ها، پیشنهادات و مطالب مطرح شده از طرف شما را دریافت داشته و همچون گذشته کمک بزرگی بوده در جهت پیشبرد کارهایمان. برایت آرزوی موفقیت در کلیه امور داریم.

★ دوست عزیز م - ک سوئد، دریافت نامه از طرف شما باعث خوشحالی است، پیشنهادات و گزارشات هیئت را برایت ارسال داشتیم. موفق باشید.

## برگزاری اول ماه مه در وین - اطریش

دنیاله ارسنحه ۲۸

گرامی داشت اول ماه مه و دفاع از حقوق کارگران برخورد با راسیسم و فاشیسم بهبود وضعیت پناهندگان محکوم نمودن جنگهای منطقه‌ای و دفاع از حقوق خلقهای کشورشان بود.

## مراسم ایرانیان

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی همراه با گروههای دیگر ایرانی که جمعاً به ۴۵ نفر میرسیدند در این روز مراسم اول ماه مه را گرامی داشت و خواستههای خود را حول محور "به دفاع از مبارزات کارگران ایران بپا خیزیم" جهت اخراج نماینده جمهوری اسلامی از ILO متحدان به مبارزه برخیزیم" و از تشکلهای مستقل کارگری در ایران دفاع نماییم" بیان نمود، که در قطعنامه مشترک با گروهها و در پلاکاردها آمده بود. البته گروه بیشماری از ایرانیان که تعداد آنها بیش از ۱۵۰ نفر بود در خارج از صفها و در اطراف خیابانها پراکنده بودند که در هیچ صفی شرکت ننموده بودند. این گروهها به تشکلهای وابسته سیاسی نداشتند. اما از نظر نقد یک نوع دیدگاه چپ دارند.

البته آمار پناهنده سیاسی در اینجا بیشتر از ۴۰۰۰ نفر است.

همانشب در جشنی که نیروهای مترقی اطریشی و خارجیان مقیم اطریش و بخشی از کردها و ترکهای ترکیه ترتیب داده بودند و در رابطه با جمع آوری کمک نقدی برای کودکان کوبا انجمن هم شرکت کرد. و مبلغ ۲۰۰ شلینگ که به صورت خرید بلیط بود کمک نمود تا دارو برای کودکان کوبا تهیه شود.

رفقای انجمن در طول مسیر راهپیمایی تعداد ۲۴۰ اعلامیه اول ماه مه کیی شده از اعلامیه رفقای هانوفر و نظرات کارگران تبعیدی را بین خارجیان و اطریشها پخش نمودند.

## جشن اول ماه مه در نیوکاسل

دنیاله ارسنحه ۲۸

بعناظر به رقی و پایکوبی برداشتند.

لازم به ذکر است که ۱۰ نفر از فاشیستها قصد نزدیک شدن به اجتماع را داشتند که با مقابله به موقع پا به فرار گذاشتند. در این رابطه یک کارگر زخمی شد.

## پیام خوانده شده در شهر نیوکاسل انگلستان

رفقا، برادران، خواهران!

از سوی انجمن کارگران پناهنده ایرانی در انگلیس سالروز جشن جهانی کارگران را به شما تبریک می‌گوئیم.

رفقا! سنتی که همکاران ما در آمریکا در ۱۸۹۰ بنیاد گذاشتند، میلیونها کارگر در سراسر جهان آن را تحت شرایط متفاوت برگزار می‌کنند. در بسیاری از کشورها کارگران در این روز به شکل مخفی گرد هم می‌آیند جشن می‌گیرند، درباره وضعیت خود و چگونگی سازماندهی مبارزاتشان به بحث و تبادل نظر می‌پردازند، مطالبات خود را اعلام می‌کنند.

اول ماه مه جشن اتحاد و همبستگی کارگران، جشن اعتراض هم هست. اعتراض به اخراج همکارانمان، به ساعات کار طولانی، اعتراض به دستمزد کم، به آپارتاید جنسی، نژادی، ملی، اعتراض به نبودن بیمه بیکاری و ناکافی بودن آن، به نبودن کار برای همه، اعتراض به هرگونه قوانینی که آزادی بی قید و شرط تشکل و اعتصاب را محدود می‌کند. در یک

## اول ماه مه متعلق به کارگران است

دنیاله ارسنحه ۲۸

تم اصلی سخنرانی‌ها و بحث را لزوم بوجود آوردن آگاهی سیاسی در جهت وظایف سوسیالیستی برای طبقه کارگر بین‌المللی تشکیل می‌داد.

رفیقای از ایران اشاره کرد که اعتصابات آلکان و شورشیهای لوس آنجلس اقتصادی بوده و چرا طبقه کارگر با تجربه طولانی خودش آگاهی سیاسی پیدا نکرده است.

بخشی از صحبتها بر سر نقش حزب کارگر انگلستان در آگاهی طبقه کارگر آن بود. "کلیف" گفت که حزب کارگر نقش امپریالیست درون جنبش کارگری را بازی می‌کند. چمکسی باور می‌کنند که اگر حزب کارگر در انتخابات پیروز شده بودم باندازه یک اینچ ما را به سوسیالیسم نزدیک میکرد. این مسئله در صحبتهای تمامی سخنرانان خودش را نشان می‌داد. "فرن" کارگر بیمه‌های اجتماعی لندن گفت شورای بخش CAMDEN لندن در اختیار حزب کارگر است که ما نزدیک به ۸ ماه است بر علیه آن در اعتصاب هستیم و ما هیچ اعتماد و ایمانی به حزب کارگر نداریم.

سپس "کلیف اسلوتر" با تشکر از کارگران ترك و کلمبیائی که بخش عمده راهپیمائی را تشکیل می‌دادند اظهار امیدواری کرد که طبقه کارگر انگلستان نیز اینکار را انجام دهد.

و این اتفاق بشرطی که این کمپین هر هفته ادامه پیدا کند و روی آن تبلیغ و ترویج زیاد گردد امکان پذیر است. سپس فیلم ویدئویی، برگزاری اول ماه مه در سال ۱۹۷۷ در ترکیه به نمایش گذاشته شد و مشاهده کردید که جشن اول ماه مه در ترکیه با آرامش برگزار میگردد و با رقی و آوازه خوانسی مردم توأم است که پلیس فاشیست ترکیه به صف راهپیمایان تیراندازی می‌کند و عمای را میکشد. در پایان سرود انترناسیونال خوانده شد و مراسم به پایان رسید.

کلام اعتراضی به سرمایه‌داران و رژیم آنها.

در سال گذشته سرمایه‌داران، کمپانها و دولت‌هایشان در اروپا و آمریکا حمله به دستاوردهای طبقه کارگر این کشورها و همچنین تحمیل قوانین با دستمزد کم، و اخراج و بیکارسازی همکارانمان ادامه دادند. در کارگران با هزاران اعتراضی و اعتصاب از حقوقشان دفاع کردند و توانستند اینجا و آنجا خواسته‌هایشان را به سرمایه‌داران تحمیل کنند. در آمریکا و آسیا و آمریکای لاتین همکاران ما را تحت شرایط پر شکنجه و بی‌ارزاترین مزد مجبور به کار کردند. دولت‌های سرمایه‌داران با سرکوب‌ها، بریان و مخفی و قانونی اعتصابات، دستگیری، زندانی کردن و در بخش از جهان با اعدام به خواسته‌های همکاران ما پاسخ دادند. در همین انگلیس قوانین ضد اتحادیه‌ای را به اجرا گذاشتند.

رفقا! ما باید از دستاوردهای مبارزاتمان حفاظت کنیم. جلوی اینگونه تعرضات را بگیریم. تنها راه، مبارزه است.

در ایران رژیم اسلامی سرمایه‌داران قانون کاری را به تصویب مجلس اسلامی رساند که اساساً حق هر گونه تشکل مستقل و اعتصاب را رسد و علناً به رسمیت نمی‌شناسد. طی سال گذشته طبقه کارگر ایران با اعتراضات و اعتصابات خواستار افزایش دستمزد شد. کارکنان نفت پالایشگاههای تهران، اصفهان و شیراز از ۱۰ ژانویه تا ۲۷ ژانویه مدت ۱۷ روزه که در بخشهایی با اعتصاب غذا همراه بود، خواستار درصد افزایش دستمزد شدند. رژیم مجبور به عقب نشینی و قبول

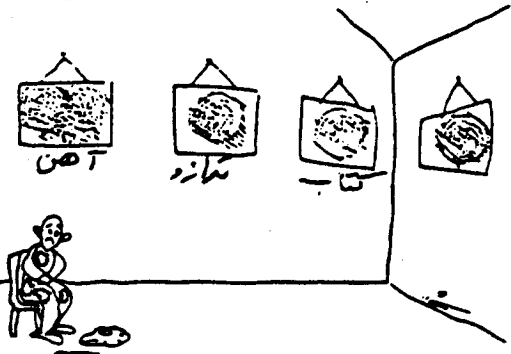
کار سخت و اضافه کاری!

بریده‌هایی از روزنامه‌های ایران

تصویب دو روز تعطیلی در هفته برای ژاپنیها



ژاپن این هفته را با ۵ روز کار در یک هفته برای حدود ۵۰۰ هزار کارمند دولت مرکزی آغاز کرد. به عنوان یک نتیجه گیری، وزیران دولت و آژانس‌ها انتظار دارند که اداره‌های پست، بیمارستانها، ادارات گسمرک و ادارات مهاجرت برای چهار روز پی در پی از شنبه بسته باشند. نخست‌وزیر ژاپن از پیش اعلام کرده بود که برای ایجاد زمان استراحت بیشتر برای ژاپنی‌ها ۵ روز کار در هفته را به صورت اجراء خواهد گذاشت. تحت سیستم جدید، کارمندان دولت مرکزی، هفته‌ای ۴۰ ساعت و ۱۹۶۰ ساعت در سال یعنی ۱۰۴ ساعت کمتر از وضع کنونی کار خواهند کرد. روز جمعه گذشته حدود ۲۰۰ هزار نفر با بریایی یکباره ایستادگی از طرح بررگترین اتحادیه کارگری ژاپن یعنی بریکه‌زارو ۸۰۰ ساعت کار در سال حمایت کردند. معدل کار ژاپنی‌ها پارسال ۲۰۱۶ ساعت بود در حالی که این رقم در آلمان حدود ۱۴۹۹ ساعت بود. دولت ژاپن اعلام داشته است که تا سال ۱۹۹۳ ساعات کار را



به سردبیر محترم روزنامه کار و کارگر محترماً معروض میداریم که ما جمعی از کارگران شرکت پروفیل ساوه هستیم در این شرکت مدت یکسال است که بصورت ۱۲ ساعته کارگران کار اجباری میکنند و اگر کسی نسبت به اضافه کاری اعتراض نماید با اخراج روبرو میشود. در حالی که شرایط کار در این کارخانه سخت و طاقت فرسا است، علیهذا کارهای سخت و زیان‌آور بررسی نشده است و این در حالیست که کارگران مجبور به اضافه کاری هستند، تقاضای رسیدگی داریم. جمعی از کارگران شرکت پروفیل

کارگران صنعت چاپ

کار در کارخانه‌های صنایع چاپ، کشور، سخت و طاقت فرساست. اضافه کاری در زیرزمین‌ها هستند. دستمزد اندکی و غیراستاندارد، داروها و مرکب‌های مضر و دست‌ساز، محیط‌های کار آلوده و تازه با این همه معلوم نیست که چندم از حق و حقوق کارگران به آنها داده می‌شود.

اینطور که شواهد نشان میدهد سیستم‌های پزشکی و ژنتیک کار هم جوابگو نیست و وجود بچه‌ها که آب گرم ندارد و سال به ده‌زده سال در آن برای کسی کشنده نمی‌شود معلوم نیست در گزارش پزشکی به‌دانش کار چگونه منتهی می‌شود.

مشکل نوره، آلودگی هوا، عدم توجه مناسب بودن لباس کار، فقدان وسایل ایمنی و بسیاری از این قبیل راهم به مشکلات فوق بیفزایند. دورسازی کارخانه هم کارگران غیرمجاز مشغول کارند. هر کارگری چند سال اول کفش را بدون پیمه مشغول کار است و کسی هم که پیمه است نمی‌خاند. حیوانات چغندر و سایر حق و حقوق و عیدی و پاداش و - چغندر طاقت فرسا بودن کار و پایین بودن سطح حقوق و دستمزد بسیاری از کارگران صنعت چاپ را از خانواده خود رانده است.

باید خیلی سریع تفرقی کرد. تمام اول داشتن اطلاعات و آمار است.

شماره ۱۱۴ صنعت چاپ

تجا بکه فرض می‌کند که دوازده هزار کارگر در صنایع چاپ کشور ما به کار مشغولند. این تنها آمار است که ما از وضعیت کارگران این صنعت داریم. آمار دیگری که کسی اعلام کرده و نه جایی ثبت می‌کند، سینه به سینه نقل شده است. این یعنی آمار بکه مشکل.

فانون

مجموعه - مناقصه - تیرگی

شماره ۱۱۴ صنعت چاپ

وقتی نمایندگان کارگران چندواسته از خیلی چیزهای دیگر هم غیر از اینها، از جمله مهارت‌های تخصصی حق و حقوق، قوانین، حداقلها و ...

به یکه‌زار و ۸۰۰ ساعت در کمپانی‌های خصوصی ژاپن از سال خواهد رساند تاکنون فقط طرح ۵ روز کار در هفته حدود ۱۰ درصد از استقبال کرده‌اند.

رخ داده است. " می‌توانید تصور کنید سرمایه‌داران چه جهنمی را برای این بخش از همکاران شما در جهان بوجود آورده‌اند. با این همه کارگران ایران با مبارزات خود، رژیم را که رهبرش می‌گفت خدا هم کارگر است و منکر وجود طبقه کارگر بود، مجبور کردند که آنها را به عنوان یک طبقه به رسمیت بشناسد. بدین ترتیب طبقه کارگر ایران فصل نویسی از مبارزات خود را شروع کرده است. همکاران! اتحاد، همبستگی، حمایت مادی و معنوی ما از مبارزات یکدیگر راه پیشروی ماست. یکبار دیگر ضمن تبریک جشن اول ماه مه آرزوی موفقیت برای همه شما داریم.

انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی  
نفسین

درصد اضافه دستمزد شد. اعتصاب ۱۵۰۰ نفری کارگران استخراج و انکشاف نفت در رامهرمز نیز برای افزایش دستمزد در اسفند ماه گذشته صورت گرفت. کارگران در خیابانهای شهر دست به تظاهرات زدند. ۶ هزار نفر از مردم در حمایت از کارگران به تظاهرات پیوستند. پاسداران با حمله به تظاهر کنندگان ۵۷ نفر را دستگیر و دهها نفر را زخمی کردند. همچنین اعتصاب هزاران کارگر نیشکر هفت تپه در آبانماه در پی عدم توافق با مدیریت بر سر دستمزد صورت گرفت. مجموعه اعتراضی و اعتصابات همکاران شما در ایران، رژیم اسلامی سرمایه‌داران را - وادار کرده که اسال ۳۶ درصد به حقوق کارگران اضافه کنند. حقوق کارگران از ۱/۲۰ تا ۱/۶۰ درصد روز رسید. این در شرایطی است که قیمت یک کیلو گوشت بیش از ۲۰۰۰ تومان است. وزیر کار رژیم مجبور به اعتراف شد که "در سال گذشته نزدیک به ۲۰۰۰ اعتصاب در ایران

## اول ماه مه

مطلب زیر ترجمه‌ی گزارشی است که در نشریه‌ی Workers Press دربارہ‌ی مراسم اول ماه مه ۱۹۹۲ به چاپ رسید

## اول ماه مه متعلق به کارگران است

بدالله خسروشاهی یکی از رهبران کارگران نفت ایران در مراسم اول ماه مه:

"انترناسیونالیسم محتوای اصلی اول ماه مه است"

او از تمام کسانی که در مینگ شرکت کرده بودند خواست که نامه‌هایی به حمایت از انتخابات کارگران آلمان ارسال دارند.

نمایندگان و دبیر اتحادیه کارگران اتوبوسرانی، از کمیته کارگران ترک به خاطر تلاششان در زنده نگه داشتن اول ماه مه تشکر کرد و اظهار امیدواری کرد که کارگران انگلیس بتوانند بیداری اول ماه مه را به عسارت از روز جهانی طبقه کارگر است به انگلستان باز گردانند.

"جان سیمونز" نماینده اصلی کارگران مهندسی بیمارستانها، از شرکت کنندگان، بخمسوی ترکیه و ایرانها بخاطر برگزاری چنین مراسمی تشکر کرد. در جوی که آهنگهای ایرانی و ترکی و ایرلندی پخش میشد همه سعی میکردند که با هم تبادل نظر کنند "کاکان" یکی از کارگران ترک چندین اسلاید در رابطه با قهرمانها و همستی کارگران ترکیه علیه سرکوب و خودکامی دولت ترکیه نشان داد.

## جشن اول ماه مه در نیوکاسل

امسال نیز همانند سال گذشته تظاهرات اول ماه مه در نیوکاسل برگزار شد. ۱۰۰۰ نفر در این راهپیمایی شرکت داشتند. راهپیمایی در ساعت ۱۰/۳۰ صبح از مرکز شهر نیوکاسل شروع شد. شرکتکنندگان عمدتاً کارگران منطقه و اعضای اتحادیه‌های کارگری بودند و این برجستگی خاصی به تظاهرات داده بود. گروه موزیک در صف جلو، موزیک سرودهای کارگری را می‌نواخت. جمعیت با شعارهای کار - صلح - سکن - به راهپیمایی ادامه دادند. پس از عبور از خیابانهای شهر در پارک بزرگ شهر تجمع کردند. در این اجتماع یک نفر از انجمن ضد فاشیستی نماینده فلسطینها، یک نفر از انجمن حقوق پناهندگان، تونی سن نماینده جناح چپ پارلمان، سفير کوبا در انگلیس و یک نفر از کارگران سکوهاي نفتی شمال به سخنرانی پرداختند. یکی از رفقای انجمن پیام اول ماه مه را قرائت کرد. در پایان سخنرانی جمعیت تا ساعت ۵ بقیه در صفحه ۲۶

## برگزاری اول ماه مه در وین - اطریش

امسال چون سالهای پیش مراسم اول ماه مه در وین مرکز کشور اطریش، با یک سری تغییرات و تفاوتها برگزار شد. از یک طرف اختلافات سطحی بین حزب سوسیال دموکراسی SPÖ و احزاب FPÖ و ÖVP و نیز عقب نماندن حزب سرها از سایرین جهت جذب نیرو و داشتن اعضای بیشتر در پارلمان، آمار موجود از انتخابات شهرداریها و ریاست جمهوری میزان افول سوسیال دموکراسی در اروپا و اطریش را نشان میدهد. در شعارهای بر آنها حول محور خواستهای خودشان و برنامه‌های اعلام شده‌شان هر چیزی به چشم می‌خورد بجز شعارهایی در جهت کارگران و اقشار کم درآمد. آمار جذب نیرو از طرف SPÖ که فعلاً حاکمیت را در دولت بدست دارد نسبت به سالهای پیش بسیار کم بود. حزب SPÖ نسبت به آرای ریاست جمهوری دوران پیش نتوانست اکثریت آرا را بدست آورد و انتخابات به دور دوم کشیده شد. قلاً "حزب دست راستی ÖVP که در حقیقت در پشت ماسک آن یک حزب نئونازیست جای گرفته شعار خود را روی محور اخراج و یا کم نمودن خرجیهای مقیم اطریش - حذف کک و خدمات به خارجیان و حذف در بازار مشترک اروپا قرار داده بود که پس از مدتی جنگ دروغین با یکدیگر بلاخره کلیه احزاب خواستهای حزب دست راستی را پذیرفتند. شرایط برای پناهندگان بسیار سخت شده آمار بیکاری بالا است و برای خارجیها به دست آوردن یک مسکن حداقل مناسب رویایی بیش نیست.

در راهپیمایی اول ماه مه بدون احتساب دسته‌های موزیک و هیئت همراه، از این شهر دو میلیون جیری در حدود ۲۵ هزار نفر شرکت کرده بودند. ما توجه باینکه کلیه وسائط نقلیه عمومی شهر یکی تعطیل بود. در حقیقت مراسم اول ماه مه برای این احزاب در درجه اول قدرت نمایی به یکدیگر در راهپیمایی چند دقیقه‌ای است و یک کارناوال را تداعی می‌نمود. اما خارجیان مقیم اطریش از کردها و ترکهای ترکیه تا بخش کوچکی از یوگسلاوها، آلبانها و گروه کوچکی از بنگلادشیا، آمریکایی لاتینیها که در مجموع در یک خط مشترک حرکت میکردند، شرکت کنندگان راهپیمایی روز اول ماه مه بودند. که شعارهایشان ضمن بقیه در صفحه ۲۶

## نسائی‌های جدید نسائی

## انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی

آلمان

Verein der Iranischen  
Arbeiteremigranten  
u. Flüchtlinge  
Am Judenkirchhof 11 C  
3000 Hannover 1

انگلستان

IRANIAN REFUGEE WORKERS  
ASSOCIATION  
c/o 12/14 Thornton Street  
London SW9 0BL  
Tel: 071-7335135/5670

